

عهد و میثاق حضرت بهاءالله

واحد ۳

بیت العدل اعظم

نسخه پیش از چاپ (ترجمه مقدماتی — برای توزیع نیست)
در دست تهیه

نسخه ۱.۲.۲.PP.PV

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۶ میلادی

۱ مرداد ۱۳۹۵ شمسی



مؤسسه روحی

Copyright © 2009 by the Ruhi Foundation, Colombia
All rights reserved. Version 1.2.2.PP.PV July 2016

Ruhi Institute
Apartado Postal: 402032
Cali, Colombia
Tel: 57 2 828-2599
Email: instituto@ruhi.org
Website: www.ruhi.org

حق چاپ © ۲۰۰۹ بنیاد روحی، کولومبیا
تمام حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۲.۲.PP.PV ژوئیه ۲۰۱۶

مؤسسۀ روحی
کالی، کولومبیا
تلفن: ۵۷ ۲ ۸۲۸ ۲۵۹۹
ایمیل: instituto@ruhi.org
وب سایت: www.ruhi.org

مؤسسه روحی یک نهاد آموزشی است که تحت اشراف محفل روحانی ملی بهائیان کلمبیا انجام وظیفه می‌کند. هدفش پرورش منابع انسانی متعهد به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فرهنگی مردم کلمبیا است. مواد درسی این مؤسسه طی دهه‌های گذشته به نحو روزافزونی در جوامع بهائی در همه نقاط جهان مورد استفاده قرار گرفته است.

رویکردی که مؤسسه روحی برای تهیه مواد درسی دنبال می‌کند با رویکرد سنتی یعنی طرح‌ریزی، آزمایش در عمل، و ارزیابی، و اجرای این مراحل به صورت یک بُعدی، به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. اولین قدم برای نوشتن هر دوره از مواد درسی زمانی برداشته می‌شود که در نتیجه انجام خدمتی در پاسخ به نیازهای یک جامعه برای توسعه، تجربیاتی در سطح مردمی به دست آمده است. مواد درسی از این تجربه نشئت می‌گیرند و آن تجربه را بیان می‌کنند. این مواد از یک سو شرحی است از یادگیری‌ای که در اثر به کار گرفتن تعالیم الهی در میدان خاصی از خدمت حاصل شده، و از سوی دیگر وسیله‌ای است برای روش‌مند کردن آن یادگیری. این رویکرد در جزوه کوچکی تحت عنوان "یادگیری در باره رشد: داستان مؤسسه روحی و گسترش وسیع آئین بهائی در کلمبیا" به نحو زیر توضیح داده شده است:

وقتی که یک نیاز آموزشی مشخص می‌شود، گروه کوچکی از آحاد مردم، با یک‌دیگر مشورت می‌کنند، یک سلسله نظرها برای اقدامات آموزشی تهیه می‌نمایند و آنها را به مرحله عمل در می‌آورند. نتایج حاصله مورد بازنگری و ارزیابی و مشورت قرار می‌گیرند. در پرتو این مشورت یک سلسله اقدامات آموزشی تعدیل شده به اجرا گذاشته می‌شود، و بازنگری مجدد آنها منجر به تعدیل و تصحیح بیشتری می‌گردد. در این فرایند تهیه مواد درسی، هیچگاه اقدام تا مرحله نهائی تهیه و ارزیابی مواد درسی به تعویق نمی‌افتد. اقدامات آموزشی در هر مرحله با بهترین موادی که در دست است پیش می‌رود، با این ایمان قطعی که فقط از طریق عمل و بازنگری، هر دو در پرتو ظهور حضرت بهاء‌الله است که مواد درسی مناسب‌تری می‌تواند به تدریج تکامل یابد. اما این ترتیبی نیست که طی آن چند نفر موادی فقط برای استفاده خودشان به وجود می‌آورند، و دیر یا زود لازم می‌شود که ساختار و محتوای هر واحد به صورت نهائی در آید تا بتواند با اطمینان مورد استفاده دیگران قرار گیرد. تصمیم در مورد نشر نسخه نهائی مواد برای یک دوره مورد نظر تنها وقتی گرفته می‌شود که مشاهده می‌گردد که دیگر تعدیلات بسیار جزئی و قابل اغماض است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که جنبه‌های مختلف این فرایند مشورت، اقدام و بازنگری، به موازات هم پیش می‌روند، و به صورت سلسله‌ای متوالی، که در اصل ترتیبی تصنعی خواهد بود، اجرا نمی‌شوند.

از آنجا که استفاده از مواد درسی مؤسسه روحی بیش از پیش گسترش یافته، فرایند تهیه مواد به نحو فزاینده‌ای از تجارب حاصله در سراسر جهان در زمینه کاربرد تعالیم بهائی در زندگی بشر بهره برده است. اگرچه امروزه

این فرایند می‌تواند برحسب ماهیت مواد در دست تهیه عملاً شکل‌های متنوعی به خود بگیرد، اما بطور کلی سه مرحله به آنچه نسخه منتشره نهائی به شمار می‌آید، می‌انجامد.

۱. طرح مقدماتی

در این مرحله، پیش‌نویس یک دوره یا یک متن، شامل مفاهیم اولیه باضافه قسمت‌هایی از آثار مبارکه بهائی است که مجموعاً به نظر می‌رسد بتوانند اهداف آموزشی مورد نظر را حاصل کنند. این طرح مقدماتی رئوس مطالب برای مدتی به وسیله گروه‌های کوچکی از افراد به عنوان بخشی از مساعی در جهت تکمیل مواد درسی مؤثر و مفید یک دوره، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. نسخه الف

همچنانکه عمل پیش می‌رود، مواد درسی اصلاح می‌شود و رفته رفته تجربیات جدید را منعکس می‌نماید و نظرهای منبعث از آن را در خود ادغام می‌کند. بارها بعضی از مفاهیم تعدیل می‌شود، قسمت‌های جدیدی از آثار بهائی اضافه می‌گردد، یا یک سلسله تمرینات ساده ارائه می‌شود تا درک یک موضوع را آسان‌تر نماید یا به ایجاد یک مهارت یا یک شیوه مهم کمک کند. از طریق این فرایند، یک دوره یا متن منسجم به وجود می‌آید که معمولاً "نسخه الف" محسوب می‌شود.

۳. نسخه پیش از انتشار

بطور کلی بر اساس انسجام متن، در وقت مناسب تصمیم گرفته می‌شود که آن دوره یا آن متن به عنوان نسخه قبل از انتشار بطور گسترده‌تری در دسترس افراد قرار گیرد. از طریق استفاده مداوم این نسخه روشن می‌شود که چه وقت لازم است جای یک بخش عوض شود و یا یک یا دو تمرین بازنویسی شود. ممکن است چندین نسخه متوالی به وجود آید. اما به تدریج تعدیلات لازم برای رسیدن به منظور دلخواه از مواد درسی یا متن کمتر و کمتر می‌گردد و در این مرحله برای انتشار فرستاده می‌شود.

خوشحالیم که یکی از واحدهایی را که هم‌اکنون به مرحله قبل از انتشار رسیده در اختیار بعضی از سازمان‌ها و مؤسسات قرار دهیم. این واحد دوم از سه واحد کتابی است که در حال حاضر تحت عنوان "عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله" در دست تهیه است. لطفاً نظرهایتان را بر اساس تجربه خود از استفاده از محتوای این دوره، برای ما ارسال دارید.

بخش اول

در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۶۳، روز اولِ رضوان و صدمین سالگرد اظهار امر حضرت بهاء‌الله، بیت العدل اعظم، منصوص کتاب مستطاب اقدس، تأسیس شد. آن روز، دویست و هشتاد و هشت نفر عضو از پنجاه و یک محفل روحانی ملی و محافل روحانی منطقه‌ای در سالن اصلی بیت حضرت مولی‌الوری در حیفا گرد هم آمدند و پس از استماع سخنان کوتاهی از امة البهاء روحیه خانم و تلاوت ادعیه و مناجات به پرکردن برگه‌های رأی خود پرداختند. سپس در فضایی مملو از سکوت و احترام، اسم هر محفل روحانی بر اساس حروف الفبا قرائت گردید و اعضای حاضر هر یک برخاستند و رأی خود را در صندوق رأی انداختند. آراء نمایندگان غایب با خواندن اسامی‌شان در صندوق رأی انداخته شد. تنها پنج محفل از پنجاه و شش محفل ملی و منطقه‌ای در جهان نتوانسته بودند نماینده‌ای به آن مجمع ارسال نمایند ولی آراء همه دریافت گردید. روز بعد نتایج انتخابات در حضور نمایندگان اعلام شد و بلافاصله جوامع بهائی در سراسر دنیا از طریق تلگرافی که حضرات ایادی امرالله مخابره فرمودند از نتایج آن اطلاع یافتند. آن تلگراف با این بیانیه خاتمه می‌یافت:

”بر شادمانی اهل بهاء در سراسر عالم از اختتام مظفرانهٔ جهاد روحانی بی‌همتای حضرت ولیّ محبوب امرالله، اکنون مراتب شکر خاضعانه و سپاس قلبی پیروان جمال اقدس ابهی به مناسبت تأسیس بیت العدل اعظم الهی افزوده می‌گردد، معهد جلیلی که کلیهٔ احبّای حضرت رحمان باید بدان رجوع نمایند، هیئتی که مقدر است بسط و تکامل نظم جهانی جنینی الهی را از طریق مؤسّساتی اداری که از قلم حضرت بهاء‌الله مقرر گردیده و حضرت عبداله‌آء آن را تشریح و تفصیل فرموده و حضرت شوقی افندی با تحمّل زحمات لاتحصی آن را بنیان نهاده‌اند هدایت کند و طلوع عصر ذهبی شریعت الهیه را تسریع نماید، زمانی که کلمهٔ الله جهان را فرا خواهد گرفت همان‌گونه که آب دریاها را فرا گرفته است.“^۱ (ترجمه)

بدین ترتیب کلمات حضرت عبداله‌آء که چندین دهه پیش مرقوم فرموده بودند محقق گردید:

”و در هر زمان که جمیع احبّا در هر دیار وکلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الاّ تأسیسش مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه. مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران وکلائی انتخاب می‌نمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز وکلائی انتخاب می‌نمودند و آنان بیت العدلی انتخاب می‌نمودند آن بیت العدل اعظم بود. والسلام.“^۲

بخش دوم

اعضای بیت العدل اعظم و حضرات ایادی امر الله اندکی پس از انتخابات برای شرکت در اولین کنگره جهانی بهائی از ۲۸ آوریل تا ۲ مه (۸ تا ۱۲ اردیبهشت) عازم لندن شدند. آن کنگره "اظهار امر علنی حضرت بهاء الله" در یکصد سال پیش و اختتام پیروزمندانه "جهاد خطیر روحانی مهیجی که ده سال در جمیع نقاط کره ارض امتداد" داشت و توسط حضرت ولی امر الله آغاز شده بود را جشن می گرفت. حضرت ولی امر الله امیدوار بودند که این گردهم آیی در بغداد برگزار شود اما شرایط موجود اجازه تحقق آرزوی آن حضرت را نداد. بیش از شش هزار نفر از بهائیان سراسر عالم در آن ایام شادی و سرور در لندن گرد هم آمدند. در روز سوم، یکی از ایادی امر الله، اعضای منتخب بیت العدل اعظم را به حاضرین در کنگره معرفی کردند؛ اعضا به پا خاسته و در مقابل احباء ایستادند. آنگاه اولین بیانیه بیت العدل اعظم توسط یکی از اعضای آن قرائت گردید:

”سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي لَكَ الْعِزَّةُ وَالْجَلَالُ وَالْعَظَمَةُ وَالْإِجْلَالُ وَالسُّطُوَّةُ وَالْإِسْتِجْلَالُ وَالرَّفْعَةُ وَالْإِفْضَالُ وَالْهَيْمَنَةُ وَالْإِسْتِقْلَالُ، تُقَرَّبُ مَنْ تَشَاءُ إِلَى الْبَحْرِ الْأَعْظَمِ وَتُسَرِّفُهُ بِالْإِقْبَالِ إِلَى اسْمِكَ الْأَقْدَمِ لَنْ يَمْنَعَكَ عَنْ سُلْطَانِكَ مَنْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ لَمْ تَزَلْ غَلَبْتَ قُدْرَتَكَ الْمُمْكِنَاتِ وَأَحَاطَتْ مَشِيَّتِكَ الْكَائِنَاتِ وَلَا تَزَالُ تَكُونُ مُقْتَدِرًا عَلَى الْمَوْجُودَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.“ (مضمون: پاک و منزهی تو ای پروردگار من. عزت و جلال و عظمت و بزرگی و رفعت و بخشندگی و هیمنه و استقلال از آن تو است. هر که را بخواهی به بحر اعظم نزدیک می کنی و به اقبال به اسم قدیمت مشرف می نمائی. هیچ کس در آسمان و زمین تو قادر نیست مانع سلطنت تو شود. لزال قدرتت بر ممکنات غلبه داشته و ارادهات کائنات را احاطه نموده و الی الابد بر موجودات مقتدر بوده ای. نیست خدایی غیر از تو که مقتدر و متعال و عزیز و حکیمی.)

”احبای عزیز الهی: در این موقعیت جلیل و جشن این عید اعظم، به خاطر جمیع مواهبی که حضرت بهاء الله چون غیث هائل بر احبایش در سراسر عالم نازل فرموده مراتب شکر و سپاس خویش را به ساحت اقدسش تقدیم می نمایم. این لحظه تاریخی در آن واحد تحقق نبوت دانیال نبی، صدمین سالگرد اظهار امر موعود جمیع اعصار، انتهای عهد اول نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء برای استقرار امر الهی در بسیط غربا، و اختتام موفقیت آمیز جهاد کبیر اکبر روحانی حضرت ولی محبوب امر الله را اعلام می دارد و حبیبان و محبوبانش در کلیه اقالیم را قادر می سازد که این ثمره جنیه بهیه فتح و ظفر را به نام آن حضرت نثار اقدام مبارک جمال قدم نمایند. این

جشن اعظم تاج و هاج یک عمر مجهودات حضرت شوقی افندی ولی عزیز امر الهی است. آن حضرت بود که به تنهایی استعدادها و امکانات بالقوه جامعه بهائی متشکلت در اقصی نقاط عالم و با تعدادی قلیل، و عمدتاً فاقد انسجام و انتظام را که در طی عصر رسولی امر مبارک به وجود آمده بود به منصفه ظهور رساند. آن طلعت منیر بود که طرح عظیم امر مقدس الهی را ظاهر و باهر ساخت، نقشه‌های عظیم تبلیغی را که حضرت عبدالبهاء طرح کلی آن را قبلاً مرقوم فرموده بودند به مرحله اجرا درآورد، مؤسسات را تأسیس فرمود و موقوفات امری را در مرکز جهانی توسعه‌ای عظیم بخشید، و مشارق ادکار امریکا، افریقا، اقیانوسیه و اروپا را مرتفع نمود، نظم اداری امر مبارک را در سراسر عالم توسعه داد، و سفینه امر الله را دقیقاً در مسیرش به حرکت درآورد. آن هیکل اطهر ایادی امر الله را منصوب فرمود.

”اگر اکنون مراتب تقدیر و تکریم خود را نثار ایادی امر الله نکنیم آوای مسرت و امتنان و عشق و ستایشی را که حال به سوی عرش حضرت بهاء الله بلند می‌کنیم قاصر خواهد بود و جشن‌های این عید اعظم که بنا به وعده حضرت ولی محبوب امر الله، اکنون به انعقادش اشتغال داریم، ناقص خواهد بود چه که در این فتح و ظفر حضرات ایادی با قائد محبوبشان که آنان را پرورش داد و منصوب فرمود سهیم هستند. آنان سفینه را در مسیر خود نگه داشتند و آن را امن و امان به ساحل مقصود رساندند. بیت العدل اعظم با مباهات و محبت در این موقعیت اعظم تحسین عمیق خود را برای انجام موفقیت‌آمیز این وظیفه خطیر و جلیل ابراز می‌دارد. مایل نیستیم به مخاطرات هولناکی پردازیم که امر نوزاد الهی هنگامی که بغتاً از وجود ولی محبوب امر الله محروم گردید با آن مواجه شد؛ بلکه مایلیم با قلبی مشحون از محبت و امتنان واقعیت‌ایثار، زحمات، خویشنداری، و سرپرستی فوق العاده حضرات ایادی امر الله را بستایم. برای بیان مراتب تکریم خویش نسبت به این نفوس بسیار محبوب و شجاع هیچ کلامی را مناسب‌تر از بیانات نفس مبارک حضرت بهاء الله نمی‌یابیم که می‌فرمایند: ’النور و البهاء و التکبیر و الثناء علی ایادی امره اللدین بهم اشراق نور الاضطبار و ثبت حکم الاختیار لله المقتدر العزیز المختار و بهم ماج بحر العطاء و هاج عرف عنایة الله مولی الوری‘ (مضمون: نور و بهاء و تکبیر و ثنا بر ایادی امر الله باد که از وجودشان نور شکیبایی اشراق نموده و حکم ’اختیار متعلق است به خداوند مقتدر و عزیز و مختار‘ ثابت شده. از طریق آنان دریای عطا به موج درآمده و رایحه عنایت خداوند مولای عالمیان وزیده است.)

”اعضای بیت العدل اعظم که در زمان انتخابات جمیعاً در حیفا حضور داشتند توانستند روضهٔ مبارکهٔ علیا، مقام مبارک حضرت ربّ اعلیٰ، و محلّ استقرار رمس اطهر حضرت عبدالبهاء را زیارت نمایند و در آن اعتاب مقدّسه سر به سجود فرود آورند و برای وظیفهٔ خطیری که در پیش دارند طلب قوّت و تأیید کنند. سپس در لندن در مرقد مبارک حضرت ولیّ امرالله، فرع مقدّس مبارک منشعب از شجرهٔ مقدّسه، ادای احترام نمودند.

”در اولین فرصت، بعد از آنکه بیت العدل اعظم امور خود را نظم داده و قوای خود را به کار گیرد، کلیهٔ اوضاع و شرایط امر الهی را به دقّت مورد بررسی قرار خواهد داد و با یاران الهی در ارتباط خواهد بود. حال از احبّای الهی در جمیع اقالیم تقاضا می‌کنیم که فرصت‌های حاصله از جهاد کبیر اکبر روحانی را با حدّت و جدّیت دنبال نمایند. تحکیم و تزئید معارف باید هم‌گام با گسترشی مجدّانه در امر تبلیغ به پیش رود تا آنکه ترقّی و تقدّم امر الهی برای حصولِ آمادگی جهت نقشه‌های آتی با همان شدّت و قوّت ادامه یابد. حال که انظار عامّه به نحوی دائم التّراید متوجّه امر الهی است احبّاء باید کمر همّت محکم بریندند و مؤسّسات و تشکیلات خود را برای استمرار توجّه اهل عالم آماده نمایند — این توجّه چه دوستانه باشد و چه خصمانه، چه علاقه‌مندانه باشد و چه بی‌هدفانه.

”در این هنگام بیت العدل اعظم با کمال محبّت و مسرّت تحیات خود را به شما ابلاغ می‌نماید و از شما تقاضا دارد برای پیشرفت سریع این هیئت و تقویت روحانی اعضای آن مبتهلان دعای کنید.“^۳

بخش سوم

انتخاب بیت العدل اعظم، عالم بهائی را به جوش و خروش آورد. ”آخرین و عالی‌ترین مرحلهٔ بنیان چارچوب نظم اداری امرالله یعنی انتخاب بیت العدل اعظم الهی“ انجام شده بود. این مؤسسهٔ جلیل حال مرکزی بود که کلیهٔ بهائیان با عشق و وفاداری انظار خود را به آن متوجّه نمودند. بیت العدل اعظم که بر طبق بیان حضرت شوقی افندی ”آخرین ملجأ تمدّنی رو به زوال“ است و ”اعلیٰ مقام ممالک مشترک المنافع بهائی“ در آینده می‌باشد، در مقرّ شایستهٔ خود در دامنهٔ کوه کرمل مستقر گردید و زمام امور امر مبارک را به دست گرفت. به فرمودهٔ حضرت ولیّ امرالله ”چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم [محافل مقدّس روحانی]

مرتفع شود نوایای مقدسه الهیه و حکم و معانی کلیه و رموز و حقایق ملکوتیه . . . بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید.“ ”چون آن محور مرکزی اهل بها در نهایت جلال و اتقان استوار گردد دورهٔ جدیدی رخ بگشاید و نعما و الطاف سماویه از آن منحدر گردد و وعود کلیه جلوه نماید.“ ”حینئذ یستقر عرش حکومت البهائیه فی ارض المیعاد و ینصب میزان العدل و یتموّج علم الاستقلال و ینشقّ حجاب السّتر عن وجه ناموسه الأعظم و تندفق انهر السنن و الأحکام من بقعته المنوّرة البیضاء بغلبة و هیمنه لم ترشبهها القرون الأولون اذاً یظهر مصداق ما نزل من لسان الکبریاء بأن ”یا کرمل بشری صهیون قولی اتی المکنون بسطان غلب العالم و بنور ساطع به اشوقت الأرض و من علیها . . . یا کرمل طوبی لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فزت من فضل الله ربک . . . سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر اهل البهائیه الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء““ . (مضمون: میزان عدل نصب خواهد شد، پرچم استقلال به اهتزاز در خواهد آمد، حجاب از چهرهٔ قانون اعظم برداشته خواهد شد، و نهرهای احکام از بقعهٔ نورانی آن در نهایت غلبه و هیمنه ای جاری خواهد گشت که قرنهای گذشته شبه آن را ندیده است. آنگاه مصداق آنچه از لسان کبریا نازل گردیده ظاهر خواهد شد: ”ای کرمل، به صهیون بشارت بده و بگو که آنچه پوشیده بود اکنون با سلطنتی آمده که بر عالم غلبه نموده و به نوری درخشیده که زمین و آنچه روی آنست به آن روشن شده . . . ای کرمل خوشا به حال بنده ای که حول تو طواف کند و ظهور و بروز تو و آنچه را که به فضل پروردگارت به آن فائز شده ای به یاد آورد . . . بزودی سفینه الهی بر توبه حرکت خواهد افتاد و اهل بهاء که ذکر آنها در کتاب اسمها ذکر شده ظاهر خواهند شد.)

پیش از ادامهٔ مطالعه، جملات زیر را بر اساس بیانات فوق تکمیل کنید:

۱. انتخاب بیت العدل اعظم الهی آخرین و عالی ترین _____ است.
۲. طبق فرمودهٔ حضرت ولی امرالله، بیت العدل اعظم آخرین ملجأ _____ است.
۳. همچنین فرمودند بیت العدل اعظم _____ مشترک المنافع بهائی در آینده است.
۴. با اشاره به بیت العدل اعظم، حضرت ولی امرالله فرموده اند که چون این _____ اعظم _____ محافل روحانی _____ مرتفع شود _____ و _____ ملکوتیه _____ و _____ نماید
۵. با اشاره به بیت العدل اعظم، حضرت ولی امرالله می فرمایند چون آن _____ اهل بهاء در نهایت _____ و _____ استوار گردد، _____ رخ بگشاید و _____ و _____ از آن منهدر گردد و _____ جلوه نماید.

۶. با اشاره به زمانی که بیت العدل اعظم تأسیس شده باشد، حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند به این مضمون: آنگاه عرش _____ در سرزمین میعاد _____ و میزان _____ و پرچم _____، و حجاب از _____، و نهرهای _____ و _____ از بقعهٔ نورانی او _____ خواهد گشت.

۷. با اشاره به زمانی که بیت العدل اعظم تأسیس شده باشد، حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند که ”ای _____ بده و بگو که _____ با سلطنتی آمده _____ غلبه نموده و _____ زمین و _____ به آن روشن شده _____ خوشا به حال بنده‌ای _____ و ظهور و بروز تو _____ پروردگارت _____ به یاد آورد ... بزودی _____ به _____ و اهل _____ در کتاب _____“.

بخش چهارم

در تاریخ ۷ مه ۱۹۶۳، بیت العدل اعظم در پیامی خطاب به جمیع انجمن‌های شور روحانی ملّی بهائی، به عالم بهائی اطلاع دادند که در رضوان ۱۹۶۴ دومین مشروع عمومی جهانی را آغاز خواهد نمود:

”سفینهٔ امرالله که در بحر نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء به حرکت درآمده بود تحت هدایت والای حضرت ولیّ محبوب خویش، به بسط و گسترشی در سراسر عالم و به شتاب و سرعتی نایل شده که حال باید آن را به مرحلهٔ بعدی رسالت نجات بخش جهانی خود یعنی عهد ثانی نقشهٔ ملکوتی به پیش برد. بیت العدل اعظم در مشورت نزدیک با حضرات ایادی امرالله مشغول بررسی طیف وسیعی از فعالیت‌ها و رشد عالم بهائی است تا نقشهٔ ترویجی مفصلی را برای کلّ جامعهٔ بهائی که قرار است در رضوان ۱۹۶۴ آغاز گردد تهیه نماید.“

در تاریخ ۶ اکتبر، در پیامی خطاب به کلیهٔ محافل روحانی ملّی، بیت العدل اعظم بیانیهٔ بسیار مهمّی راجع به آیندهٔ مؤسسهٔ ولایت امر صادر فرمودند که برای تمامی دور بهائی پیامدهایی در برداشت. به عنوان موضوعی که صراحتاً ”در کتاب“ تصریح نشده، تنها بیت العدل اعظم می‌توانست تعیین کند که با عدم انتصاب جانشینی توسط حضرت شوقی افندی بر طبق شرایط مندرج در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، آیا راهی برای ادامهٔ سلسلهٔ ولایت امرالله وجود خواهد داشت یا نه. این بیانیهٔ کوتاه این موضوع را روشن نمود:

”بعد از مطالعه متبتلانه و دقیق در آثار مقدسه راجع به مسئله انتخاب جانشین حضرت شوقی افندی به عنوان ولی امر الله، و بعد از ملاحظه طولانی آرای ایادی امر الله مقیم ارض اقدس، بیت العدل اعظم باین نتیجه رسیده است که هیچ راهی برای انتخاب و یا قانون‌گذاری برای امکان انتخاب ولی امر ثانی برای جانشینی حضرت شوقی افندی وجود ندارد.“^۶

در طری همان ماه، بیت العدل اعظم به اطلاع پیروان حضرت بهاء الله رساندند که یک نقشه نه ساله در رضوان آغاز خواهد شد. بیت العدل اعظم با سرور فراوان اعلان نمودند که ”قدم اول در سبیل شروع این مشروع عظیم روحانی“ تشکیل نوزده محفل روحانی ملی جدید خواهد بود. این نقشه جهانی ”شامل شصت و نه نقشه ملی“ خواهد بود و اهداف آن در دست تهیه است.

این نکته که جهاد کبیر ده ساله، نقشه‌های دیگری را تحت هدایت بیت العدل اعظم به دنبال خواهد داشت، چندین سال پیش توسط حضرت ولی امر الله پیش بینی شده بود. در توقیعی خطاب به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا در سال ۱۹۵۱ در باره نقشه دو ساله آن محفل، حضرت ولی امر الله فرموده‌اند:

”ابداع مجهوداتی که در سال‌های بعدی عصر تکوین امر الله، در حیطة خود تمام محافل روحانی در سراسر عالم بهائی را در بر خواهند گرفت — مجهوداتی که خود مقدمه شروع مشروعاتی جهانی خواهند بود که مقدرند در عهد آتیه همان عصر توسط بیت العدل اعظم آغاز گردند، مشروعاتی که نماد وحدت خواهند بود و اقدامات آن محافل روحانی ملی را هماهنگ و متحد خواهند نمود — کل منوط به موفقیت این مشروعی است [جهاد کبیر اکبر — نقشه ده ساله — ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ میلادی] که از نظر وسعت عمل بی سابقه، از نظر ماهیت بی نظیر و از نظر امکانات روحانی اش بس عظیم است.“^۷ (ترجمه)

براستی حضرت ولی امر الله در یکی از مراسلات قبلی با اشاره به بیت العدل اعظم می‌فرمایند که بیت العدل ”امور امر الله را در سراسر عالم هدایت و تنظیم و متحد خواهد نمود.“ با اعلان تصمیم خود به شروع نقشه نه ساله، بیت العدل اعظم اقدامات جامعه بهائی را دقیقاً مشخص نمودند، و مسیر آینده روشن بود.

بخش پنجم

سال‌ها از تأسیس بیت العدل اعظم الهی که در سال ۱۹۶۳ صورت گرفت می‌گذرد. هر یک از ما امروز از موهبت دریافت مواظ مشفقانه و عنایات محبت‌آمیز آن مؤسسه برخورداریم. همه ما شرکت‌کنندگان

در عظیم‌ترین نمایش مهیج تاریخ روحانی عالم یعنی تحقق مقصد حضرت بهاءالله برای نوع بشر هستیم. مشارکت شما در این دوره مطالعات حاکی از آن است که شما در این فرایند تاریخی در حال شکوفایی در جهان، کاملاً اشتغال دارید. همه دوره‌های این سلسله، چه آنهایی را که تاکنون گذرانده‌اید و چه آنهایی را که در آینده خواهید گذراند بطور گسترده‌ای مبتنی بر توضیحات و دستوراتی است که بیت العدل اعظم برای هدایت این فرایند داده‌اند و شما هم‌چنان که می‌کوشید در کمک به این تقلیب عظیمی که در زندگی بشر در حال وقوع است سهم خود را ادا نمایید، همواره با هدایات معهد اعلی در تماس خواهید ماند.

با این افکار، پژوهش‌مان را در این واحد به مطالعه گلچینی از پیام‌ها و بیانیه‌های بیت العدل اعظم محدود می‌کنیم تا با نحوه‌ای که معهد اعلی نوع بشر را به سوی نظم جهانی مُنزل از قلم حضرت بهاءالله هدایت می‌کنند تا حدودی آشنا شویم. مطالعه ما جنبه تاریخی نخواهد داشت بلکه به غور در طیف وسیعی از مواضع مختلفی خواهد پرداخت که هریک برای مشروع جهانی عظیمی که جامعه بهائی به انجام آن مشغول است بسیار مهم و ضروری است. منظور ما این خواهد بود که در باره موهبت خارق‌العاده‌ای که خداوند به صورت مؤسسه بیت العدل اعظم به اهل عالم عطا فرموده بصیرت بیشتری حاصل کنیم. امیدواریم که این واحد کلاً بتواند درک ما را از نیرویی که میثاق حضرت بهاءالله، به‌خصوص در ارتباط با این بیان مبارک که می‌فرماید ”محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس“، به زندگانی فردی و جمعی ما می‌بخشد عمیق‌تر سازد.

بخش ششم

بیاید مطالعات مان را با قانون اساسی بیت العدل اعظم آغاز کنیم. این سند شامل دو بخش است: بیان‌نامه و نظام‌نامه که توأمأ رئوس وظایف عمده بیت العدل اعظم را که از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و مکاتبات حضرت ولی‌امرالله اخذ شده است بیان می‌دارند. در این واحد فقط بیان‌نامه را بررسی می‌کنیم که در زیر ارائه شده است. حتی اگر هم با این سند آشنا هستید، از شما می‌خواهیم که با خواندن بیش از یک بار و با دنبال کردن دقیق رشته نکات مندرجه، آن را مورد مطالعه قرار دهید.

بسم الله الفرد الواحد المقتدر العليم الحكيم

”النور الساطع من افق سماء العطاء والصلوة المشرقة من مطلع ارادة الله مالک
ملکوت الأسماء على الواسطة الكبرى والقلم الأعلى الذی جعله الله مطلع
اسمائہ الحسنی و مشرق صفاته العلیا و به اشراق نور التوحید من افق العالم و

حکم التفرد بین الأمم الذین اقبلوا بوجوه نورآء الی الأفق الأعلى و اعترفوا بما نطق به لسان البیان فی ملکوت العرفان الملك و الملكوت و العظمة و الجبروت لله المقتدر العزیز الفیاض.“ (مضمون: بنام خداوند یگانه و مقتدر و علیم و حکیم. نور ساطع از آسمان بخشش و عطا و شکرانه و ثنای مشرق از مطلع ارادهٔ خدای مالک ملکوت اسماء بر واسطهٔ عظیم و قلم اعلیٰ باد، کسی که خداوند او را مطلع نام‌های نیکوی خویش و مشرق صفات عالیۀ خود قرار داد، کسی که از طریق او نور توحید و حکم تفرد از افق عالم بین امم درخشید، اممی که با جوهری نورانی به افق اعلیٰ روی نمودند و به آنچه لسان بیان در ملکوت عرفان نطق فرمود معترف گشتند. مُلک و ملکوت و عزت و جبروت پروردگار مقتدر و عزیز و بخشنده را سزااست.)

”با قلبی طافح از سرور و امتنان شهادت می‌دهیم بر وفور رحمت الهیّه و کمال عدالت ربّانیّه و تحقّق نبوّات قدیمهٔ حضرت احدیّه.

”حضرت بهاءالله، مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشأ عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیّت الهیّه در عالم و مؤلّف قلوب و محیی امم و داور کردگار و شارع امر پروردگار، استقرار ملکوت الله را در بسیط غربا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسّساتش را مقدّر فرمود و برای آنکه قوای قدسیّه منبعثه از ظهور اعظمش در جهت و در مجرای صحیح سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیان نهاد که قوهٔ دافعه‌اش متتابعاً در دورهٔ مرکز میثاق و دورهٔ ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیهٔ امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدّم جهانگیر آیین نازنینش گردیده است. همان قوهٔ میثاق مقاصد جان‌فزایش را حال به واسطهٔ اجرائات بیت العدل اعظم تحقّق می‌بخشد. مقصد اساسی بیت العدل اعظم در مقام یکی از دو وصی حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء تضمین استمرار آن مرجعیّت الهیّه جاریه از مصدر شریعهٔ ربّانیّه و حفظ وحدت جامعهٔ پیروانش و تأمین اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش می‌باشد.

”حضرت بهاءالله می‌فرمایند، دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا ننمایید. اینست راه

مستقیم و اسس محکم متین. آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزاند.“

”حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خویش می فرمایند، ’مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت العدل عمومی.‘

”منشأ بیت العدل اعظم و اختیارات و وظایف و دایره اقداماتش کل منبعث از آیات منزله حضرت بهاء الله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولی امر الله که بعد از حضرت عبدالبهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه اند کل مرجع واجب الاطاعه و اسس اساس بیت العدل اعظم محسوب می شوند. مرجعیت این نصوص مبارکه قاطع و لن یتغیر است تا زمانی که به اراده الهیه مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد.

”چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امر الله موجود نه، بیت العدل اعظم مرکز امر الله و معهد اعلاى آیین بهائی و مرجع کل و بالمآل مسئول تضمین وحدت و ترقی و تقدّم امر الهی است. به علاوه وظایف هدایت و هماهنگی خدمات ایادی امر الله، تأمین استمرار مسئولیت مفوضه به آن مؤسسه در سیل صیانت و ترویج امر الله، و اتخاذ ترتیب وصول و صرف حقوق الله به بیت العدل اعظم راجع.

”از جمله اختیارات و وظایفی که به بیت العدل اعظم تفویض شده عبارتند از:

”نگهداری و مراقبت از نصوص مقدسه و حفظ آنها از تصرف و تحریف؛ تجزیه و تحلیل، تفکیک و تنظیم، و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه؛ مدافعه و محافظه امر حضرت احدیه و استخلاص آن از قیود مقهوریت و مظلومیت؛

”ترویج مصالح امر الله؛ اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله؛ اتّسع و استحکام مؤسّسات نظم اداری الهی؛ بسط نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی؛ همّت در تحسین اخلاق و اتّصاف به صفات و کمالات رحمانیه که باید ما به الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بهائی باشد؛ جهد بلیغ در تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی؛ و مجاهدت در سیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم؛

”تشریح قوانین و احکام غیر منصوصه در آثار مبارکه و نسخ و تبدیل مصوبات خود به مقتضای تغییرات و احتیاجات زمان؛ توضیح مسائل مبهمه و عقد شور و اخذ تصمیم در جمیع قضایای ما به الاختلاف؛ حفظ حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی فردی؛ و توجه به حفظ شرافت انسانی؛ و عمران ممالک و ثبات دول؛

”ترویج و تنفیذ احکام و مبادی امرالله؛ حفظ و تعمیم حسن اخلاق به موجب حدود و احکام الهی؛ محافظه و اتساع و ارتفاع مرکز دائم الاستقرار روحانی و اداری امرالله در دو مدینه عکا و حیفا؛ و اداره امور جامعه بهائی در سراسر دنیا و هدایت، سازمان‌دهی، هماهنگ کردن و متحد نمودن فعالیت‌های آن؛ ایجاد مؤسسات؛ اتخاذ تدابیری در مواظبت از دفاتر یا مؤسسات امریه که مبادا از مزایای خود سوء استفاده نمایند یا از حقوق و امتیازات خویش غفلت ورزند؛ تمهید وسایلی جهت وصول، صرف، اداره و مراقبت از تبرعات و موقوفات و سایر مستملکات مودوعه تحت اشراف خود؛

”فیصله اختلافات در حیطة اختیارات خود؛ داوری در موارد تخلف از حدود و احکام الهیه و تعیین حکم تخلفات؛ تدارک وسایل فعاله جهت تنفیذ آرای صادره؛ تهیه اسباب حکمیت و حل اختلافات حاصله بین بریه؛ ترویج و حفاظت عدل الهی که می‌تواند یگانه ضامن امن و امان و استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان باشد.

”اعضای بیت العدل اعظم که از قلم اعلیٰ ’رجال العدل‘، ’اهل البهآء الذین ذکرهم فی کتاب الأسمآء‘، و ’امناء الله بین عباده و مطالع الأمر فی بلاده‘ مخاطب گشته‌اند در جمیع احیان در ایفای مسئولیت‌های خویش این بیان حضرت شوقی افندی، ولی امرالله، را میزان اتم خویش دانند که می‌فرمایند:

’باید مد نظر داشت که همان‌طور که از بیانات مبارکه حضرت بهاءالله صریحاً مستفاد می‌شود، اعضای بیت العدل اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و تشریح قوانین لازمه مکمله احکام کتاب اقدس نه مسئول موکلین خویشند و نه تابع عواطف و آرای عمومیّه و نه حتی عقاید جمهور مؤمنین و یا منتخبین خود. اعضای بیت العدل اعظم باید با توجه و تبّتل از حکم و ندای وجدان خویش تبعیت نمایند و خود را موظف دانند که با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل حاصل کنند و قضایای محوله را بدون شائبه غرض غور و

بررسی نمایند ولیکن اخذ تصمیم بدون قید و شرط را حق مسلم خود دانند. بیان مبارک *«آنه یلهمهم ما یشاء»* (مضمون: او [خداوند] آنچه را که بخواهد به آنان [اعضای بیت العدل] الهام می‌کند) وعده قاطع حضرت بهاءالله است. پس آنانند که مشمول وصول هدایت الهیه‌ای هستند که سبب حیات و کافل صیانت حتمی شریعت الله است، نه نفوسی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم آنان را انتخاب می‌نمایند. (ترجمه)

”بیت العدل اعظم نخستین بار در یوم اول عید رضوان سنه ۱۲۰ تاریخ بدیع [۲۱ آوریل ۱۹۶۳ مطابق ۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ شمسی] انتخاب گردید و در آن یوم اعضای محافل روحانیه ملیه طبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء در پاسخ به دعوت حضرات ایادی امرالله، حارسان اعظم جامعه جنینی مشترک المنافع جهانی حضرت بهاءالله، این اکلیل جلیل نظم اداری بهائی را که هسته مرکزی و طلیعه نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی است در عالم وجود استقرار بخشیدند. لهذا حال ما اعضای بیت العدل اعظم اتباعاً لأمر الله و متوکلاً علیه بر این بیان‌نامه که به انضمام نظام‌نامه ضمیمه معاً قانون اساسی بیت العدل اعظم را تشکیل می‌دهد صحه و مهر می‌نهمیم.“^۸

این سبب اعظم در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲، یوم عهد و میثاق، در تالار شور بیت العدل اعظم امضاء و مهور گردید و سپس بلافاصله تلگرافی مبنی بر اعلام برداشتن این ”قدم بسیار مهم“ مخابره شد. این تلگراف با این کلمات جان‌بخش به پایان رسید:

”اطمینان کامل داریم که تدابیر متخذة اخیر پیوند مرکز جهانی را با جوامع ملی و محلی در سراسر جهان بیش از پیش مستحکم خواهد نمود، قوای جدیدی منتشر خواهد ساخت و اشتیاق و اطمینان خادمان شجاع کرم الهی را که با جد و جهد در سبیل استظلال نوع بشر در ظلّ رایت عهد و میثاق جلیلش می‌کوشند ازدیاد خواهد بخشید.“^۹

بخش هفتم

قانون اساسی بیت العدل اعظم سند مهیمنی است و درک ما از آن با مشاهده نحوه عمل بیت العدل اعظم در عالم و اینکه چگونه با کمال حکمت و محبت بشریت را هدایت می‌فرمایند، افزایش می‌یابد. حال مفید خواهد بود که بیان حضرت ولی‌امرالله در انتهای بیان‌نامه را مجدداً مطالعه کنید و سپس جملات زیر را تکمیل نمایید:

۱. اعضای بیت العدل اعظم در تمثیت امور اداری امر الله و تشریح قوانین لازمهٔ مکملهٔ احکام کتاب اقدس نه مسئول _____ آرای عمومیّه.
۲. بیت العدل اعظم در تمثیت امور اداری امر الله و تشریح قوانین لازمهٔ مکملهٔ احکام کتاب اقدس باید _____.
۳. اعضای بیت العدل اعظم باید با توجّه و تبّتل _____ تبعیت نمایند.
۴. اعضای بیت العدل اعظم باید خود را موظّف دانند که با _____ حاصل کنند _____ غور و بررسی نمایند ولیکن _____ حقّ مسلم خود دانند.
۵. در این خصوص حضرت بهاءالله ما را اطمینان می دهند که خداوند _____.
۶. پس آنانند که مشمول وصول هدایت الهیّه ای هستند _____، نه نفوسی که _____.

حال شاید مایل باشید کمی مکث کنید و با توجّه به تمرین بالا در بارهٔ فقره زیر از مکاتیب حضرت عبدالبهاء قدری تأمل نمایید. اگرچه این فقره در واحد اول این کتاب مورد بررسی قرار گرفت، تفکّر در بارهٔ اهمّیت آن در اینجا ممکن است ارزشمند باشد.

”و همچو ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهد استغفرالله بیت العدل بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض مسلم و واجب متحمّم است ابداً مفرّی از برای نفوسی نه“

”قُلْ يَا قَوْمِ إِنَّ بَيْتَ الْأَعْظَمِ تَحْتَ جَنَاحِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَي صَوْنِهِ وَ حِمَايَتِهِ وَ حَفْظِهِ وَ كِلَايَتِهِ لِأَنَّهُ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينَ بِاطَاعَةِ تِلْكَ الْعَصْبَةِ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ وَ الثَّلَاةِ الْمُقَدَّسَةِ الْقَاهِرَةِ فَسُلْطَهَا مَلَكُوتِيَّةً رَحْمَانِيَّةً وَ أَحْكَامَهَا إِلَهَامِيَّةً رُوحَانِيَّةً.“^{۱۰} (مضمون: بگو ای مردم براستی بیت العدل اعظم در زیر جناح پروردگار رحیم و مهربان شما و تحت صون و حمایت و حفظ و توجّه

اوست. زیرا او مؤمنین موقن را امر به اطاعت این جمع پاک و منزه و این هیئت مقدس و قاهر فرموده است. بدرستی که سلطنت آن ملکوتی و رحمانی و احکامش ملهم و روحانی است.)

بخش هشتم

بخش های آغازین بیان نامه به مفهومی اشاره می کند که قبلاً آن را در این کتاب بررسی کرده ایم و آن اینکه حضرت بهاءالله با خلق مؤسسه بیت العدل اعظم، یک منبع هدایت موثق که تحت صون و حمایت حضرتش می باشد به نوع بشر عطا فرموده، هدایتی که در این برهه از تاریخ که زندگی جمعی انسان می بایست دست خوش چنین تغییر شگرفی باشد، زمانی که ساختار جامعه باید به کلی تجدید شود، و وقتی که روابط اساسی بین مردم و ملت ها باید به شکلی تازه درآید، بسیار ضروریست. بیایید آنچه را قبلاً مطالعه کرده ایم مرور نماییم و بکشیم تا درک خود را از این مفهوم حیاتی استحکام بخشیم.

در بخش ۳۱ واحد اول این کتاب، استلزام وجود بیت العدل اعظم را برای پیشبرد مدنیت مورد بحث قرار دادیم. از جمله بیاناتی که در آن بخش مطالعه نمودیم، بیان ذیل از آثار حضرت بهاءالله بود:

”چون که هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذا امور بوزرای بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند نفوسی که لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی. بر کل اطاعت لازم. امور سیاسیّه کل راجع است به بیت عدل و عبادات به ما انزله الله فی الكتاب“^{۱۱}

در بخش ۱۴ واحد دوم، فقره زیر از یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله را زیارت کردیم:

”همچنین باید در نظر داشت که نظام بهائی چنان خلق و طرح ریزی شده است که بر حسب تمهیدات نازله از قلم حضرت بهاءالله، می توان با اطمینان آنچه را که لازمه ابقای امر الهی در صف اول جمیع نهضت های مترقی است در آن گنجانید. بیان حضرت بهاءالله در ورق هشتم از کلمات فردوسیّه گواه این امر است: آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم ما یشاء و هو المدبّر العلیم“^{۱۲} (مضمون: او (خداوند) آنچه را که بخواهد به آنان (اعضای بیت العدل اعظم) الهام می کند و اوست تدبیرکننده و دانا) (ترجمه)

می دانیم که منظور از "کتاب" کلام الهی نازل از قلم مظهر امر الهی است و بیانات و اظهارات مبین منصوص یعنی حضرت عبدالهء و پس از ایشان حضرت ولی امر الله، جزء لاینفک آن می باشد. می توان گفت که با صعود حضرت شوقی افندی آخرین صفحات "کتاب" برای این دور افخم نوشته شده است. آنچه باید به یاد داشته باشیم این است که مؤسسه بیت العدل اعظم نهادی است که مستقیماً از نفس حضرت بهاء الله الهام می گیرد، جوهری است زنده در این عالم وجود که از طریق آن هدایات الهی به سوی نوع بشر جریان خواهد یافت. تنها و تنها به این مؤسسه این اختیار تفویض شده تا در باره تمام مسائل غیر منصوص در کتاب تصمیم بگیرد، مسائل مبهمه را توضیح و تشریح کند و به حل اختلافات بپردازد. حضرت بهاء الله بیت العدل اعظم را چنان خلق فرموده که در جمیع احیان با ظهور و آثار منزله آن حضرت در تطابق کامل و مطلق می باشد؛ محال است که هدایات بیت العدل اعظم از مشیت الهی دور باشد و یا از مسیری که به تحقق مقصد آن حضرت برای نوع بشر ختم می شود منحرف گردد. پس بدین ترتیب استقرار آن تمدن الهی که حضرت بهاء الله آن را آغاز فرمودند تضمین خواهد شد.

فهم این دو فقره بیانات فوق چنان حائز اهمیت است که پیشنهاد می شود با پر کردن جاهای خالی آنها را مجدداً مرور کنید:

۱. حضرت بهاء الله می فرمایند چونکه هر _____ را _____ و هر _____ را _____ مقتضی لذا امور به _____ تا آنچه را _____ وقت دانند معمول دارند نفوسی که لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند. ایشان _____ به _____ غیبی الهی بر کل _____ . کل راجع است به _____ و _____ به ما _____ الله _____
۲. حضرت ولی امر الله به ما یاد آور می شوند که _____ بهائی چنان خلق و طرح ریزی شده است که _____ از قلم حضرت بهاء الله، _____ لازمه ابقای امر الهی در صف اول _____ جمیع نهضت های _____ در آن _____ . بیان حضرت بهاء الله در ورق هشتم از کلمات فردوسیّه _____: "آنچه از _____ در کتاب بر حسب _____ نشده باید _____ بیت عدل _____ نمایند آنچه را _____ ، _____ دارند او آنچه _____ به آنان _____ و اوست _____"

بخش نهم

بیاید کمی بیشتر مفهومی را که در بخش قبل مورد بحث قرار دادیم، بررسی کنیم. تداوم حاصله از وجود یک مرجع منصوص هدایت که مستقیماً از حضرت بهاء الله الهام می‌گیرد، بر هر جنبه از حیات مآلاً تأثیر خواهد گذاشت. در این برهه از تاریخ، از میان فرایندهای بسیاری که تمدن را به پیش می‌برد، رشد جامعهٔ بهائی بهترین نمونهٔ ارتباط بین پیشرفت و هدایات مستمر بیت العدل اعظم است. بنا بر این برای روشن نمودن موضوع از آن استفاده خواهیم کرد. ما بالاخص به بسط و پیشرفت نقشه‌های جهانی امر الهی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ خواهیم پرداخت، دوره‌ای که طی آن تغییرات سریع و شگرفی در جامعهٔ بهایی رخ داد. پاراگراف ذیل از پیام مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم، اتفاقاتی را که از ابتدای آن دوره تا آن زمان - یعنی طی دورهٔ نقشهٔ چهار ساله (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰)، نقشهٔ دوازده ماهه (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱) و نقشهٔ پنج ساله (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶) - به وقوع پیوسته بود، خلاصه می‌نماید.

”پیام ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵ این جمع که توجه عالم بهائی را به یادگیری زیاد درباره رشد سریع و پایدار امر مبارک متمرکز نمود، اصول کلی آنچه را که برای مواجهه با چالش‌های مربوطه باید انجام شود توصیف کرد. به جوامع بهائی اکیداً توصیه شد که به عنوان اولین قدم، مجهوداتشان را برای توسعه نیروی انسانی امر الله از طریق شبکهٔ مؤسسات آموزشی نظم و ترتیب دهند. اگرچه کلیهٔ جوامع ملی به اقداماتی برای ایجاد توانائی تشکیلاتی به منظور اجرای این وظیفهٔ اساسی مبادرت نمودند، ولی قدر و اهمیت یک برنامهٔ آموزشی سنجیده، تا آغاز نقشهٔ پنجساله بر غالب دوستان روشن نبود. ارائهٔ مفهوم محدودهٔ جغرافیایی موجب شد که احباً بتوانند به رشد سریع جامعه در مقیاسی قابل اداره توجه کنند و حصول آن را در قالب دو حرکت مکمل و مؤید یکدیگر در نظر گیرند: حرکت متداوم افراد در دوره‌های متوالی مؤسسهٔ آموزشی و حرکت محدوده‌های جغرافیایی از یک مرحله پیشرفت به مرحلهٔ بعدی. این تصویر ذهنی، احبای الهی را مساعدت نمود که تجارب آموخته در میدان خدمت را بررسی نموده به زبانی واحد تجربیات خود را بیان کنند. در گذشته هیچ وقت اسباب لازم برای تثبیت الگوئی از عمل با تأکید یکسان بر فرایند دوگانهٔ ترویج و تحکیم، به این حد درک نشده بود. تجارب حاصله از برنامه‌های فشردهٔ رشد که بر مبنای این ادراک در محدوده‌های جغرافیایی مختلف اجرا شده آن چنان مؤید یکدیگر است که دلیلی برای شك و ابهام باقی نمی‌گذارد. مسیر آینده روشن است و ما در رضوان سال ۲۰۰۶ از

احبای عزیز دعوت خواهیم نمود تا عزم خود را جزم نمایند و با تمام قوا در راهی این چنین قاطع و مشخص پیش روند.^{۱۳}

در آن زمان، حرکت محدوده‌های جغرافیایی بطور کلی بر اساس "تکثیر مستمرّ فعالیت‌های اساسی" تعریف می‌شد. اما فقط حدود دویست محدودهٔ جغرافیایی به آن مرحله از توسعه رسیده بودند که بتوانند یک برنامهٔ فشردهٔ رشد را استمرار بخشند. بیت العدل اعظم از عالم بهائی خواستند که این تعداد را به بیش از ۱۵۰۰ محدوده در طیٔ نقشهٔ پنج‌سالهٔ بعدی ازدیاد دهند. معهد اعلی در پیام رضوان ۲۰۰۷ پیشرفت‌های حاصله تا آن زمان را توضیح دادند:

"امروز با مشاهدهٔ عملکرد آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که به موضع مستحکمی از رشد رسیده‌اند ملاحظه می‌کنیم که در هر یک از آنها احبّا، در حالی که می‌آموزند چگونه هستهٔ در حال گسترش حامیان امر الهی را بسیج کنند، به تقویت فرایند مؤسسهٔ آموزشی ادامه داده، طرح مؤثری برای هماهنگ نمودن مجهودات خود ریخته، ابتکارات فردی و تمهیدات جمعی خود را به صورت الگوی مؤثری از اقدامات منسجم در آورده و از تجزیه و تحلیل اطلاعات مفید برای برنامه‌ریزی ادوار فعالیت‌های خود استفاده می‌نمایند."^{۱۴} (ترجمه)

دوازده ماه بعد، در آوریل ۲۰۰۸، بیت العدل اعظم نمایندگان حاضر در دهمین کانونشن بین‌المللی بهائی را این چنین مخاطب قرار دادند:

"در طیٔ فقط چند سال، برنامهٔ فشردهٔ رشد به عنوان وسیله‌ای قدرتمند برای ترویج و تحکیم امر مبارک در سطحی وسیع مشهود شده است. پیشتانان فرایند یادگیری، فرایندی که محرک پیشرفت است، محدوده‌های جغرافیایی متعددی هستند که در آنها احبّا از طریق کوشش فراوان و سیستماتیک درک کرده‌اند که چگونه ادوار فعالیت تشکیل دهندهٔ یک چنین برنامه‌ای را به بهترین وجه به اجرا در آورند."^{۱۵} (ترجمه)

افزایش قابلیت در سراسر عالم جهت انتشار و اجرای تجربیات کسب شده مسئله‌ای بود که به همان اندازه مهم بود.

"آنچه انجام آن گاهی برای احبای یک محدودهٔ جغرافیایی سال‌ها به طول می‌انجامد، اکنون می‌تواند در محدودهٔ دیگری در زمانی نسبتاً کوتاه فرا گرفته شود."^{۱۶} (ترجمه)

در آن زمان شتاب در حال افزایش بود و در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۰۸، در اواسط نقشه پنج‌ساله، بیت العدل اعظم مسرت خویش را از اینکه "تعداد زیادی از محدوده‌های جغرافیایی در اطراف و اکناف جهان برای رشد سیستماتیک آماده‌اند" ابراز داشتند. در آن هنگام چنین بیان فرمودند که "خصوصیت چالش‌هایی که احباً در این محدوده‌های جغرافیایی و در واقع در همه محدوده‌ها با آن روبه‌رو هستند

"... همانند گذشته دوگانه است. این دوستان ضمن اینکه می‌آموزند بخش‌های مستعد جامعه را شناسایی نموده پیام الهی را با آنان در میان گذارند - کاری که معمولاً انجامش مشکل نیست - در همان حال تلاش می‌کنند تا دریابند چگونه عناصر مختلف یک الگوی سالم رشد و به خصوص پرورش نیروی انسانی را در عمل با هم منسجم نمایند."^{۱۷} (ترجمه)

"به منظور ایجاد فرصتی برای گردهمایی احبای عزیز، هم به جهت تجلیل از فتوحاتی که تا کنون حاصل گردیده و هم به منظور تأمل و تعمق در احتیاجات کنونی نقشه"، بیت العدل اعظم تشکیل چهل و یک کنفرانس منطقه‌ای را در سراسر جهان اعلان فرمودند. اثرات این کنفرانس‌ها عظیم بود. حدود هشتاد هزار نفر در آنها شرکت کردند - "هر یک از شرکت‌کنندگان بمثابة امواج این بحر عظیم شاهدی گویا از اثرات قوه مقلبه امر الهی بود." بیت العدل اعظم با اشاره به ابتدای نقشه‌ای که سه سال قبل از آن آغاز گردیده بود، فرمودند "اما در آن وقت هیچ کس نمی‌توانست تصور کند که حضرت رب الجنود با حکمت مکنون و مشیت محتوم خود در یک چنین زمان کوتاهی چه تقلیب عمیق و تحوّل وسیعی برای جامعه پیروان باوفایش مقدر فرموده بود." در رضوان ۲۰۱۰، یک سال پیش از انتهای نقشه، جامعه در واقع از هدف ۱۵۰۰ محدوده تعیین‌شده فراتر رفته بود. آنچه که باعث مباحثات و سپاس بود "چندان مرهون موفقیت‌های آماری" نمی‌شد بلکه "مجموعه‌ای از تغییرات و تحولاتی" بود "که در سطح عمیق‌تر فرهنگ" جامعه بهائی به وجود آمده بود. در مقام اول، افزایش:

"... توانمندی احباً در صحبت و مذاکره با دیگران در باره امور روحانی و به آسانی سخن گفتن راجع به نفس مقدّس حضرت بهاء‌الله و این ظهور اعظم است."^{۱۸} (ترجمه)

تأسیس سریع ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد این مطلب را آشکار ساخت که

"آحاد مؤمنین با شهامت و بصیرت فزاینده‌ای از حلقه اعضای فامیل و دوستان خود گام فراتر نهاده آماده‌اند تا ید قدرت الهی آنان را به سوی نفوس مستعد در هر محل که ساکن باشند، هدایت نماید."^{۱۹} (ترجمه)

حتی بر اساس يك تخمین بسیار محتاطانه

”... تعداد کسانی که هم‌اکنون در فعالیت‌های فشرده دوره‌ای شرکت می‌کنند تا بر اساس تفاهم و درك مشترك با کسانی که قبلاً آنها را بیگانه می‌شمردند پیوند دوستی ببندند به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شود.“^{۲۰} (ترجمه)

جامعه، موفق به

”... ایجاد فرهنگی شده است که شیوه‌ای از تفکر، مطالعه و عمل را ترویج می‌دهد و همگان خود را رهروان يك مسیر خدمت می‌دانند — یکدیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می‌روند، دانشی را که هر يك در هر مقطع زمانی دارا است ارج می‌نهند و از گروه‌بندی مؤمنین به دسته‌هایی مثل ‘بامعلومات’ و ‘بی‌معلومات’ اجتناب می‌ورزند.“^{۲۱} (ترجمه)

تا سال ۲۰۱۰، بیش از ۳۵۰،۰۰۰ نفوس در سراسر عالم، اولین دورهٔ مؤسسه را گذرانده بودند و

”توانایی برای ایجاد يك الگوی زندگی ممتاز به خصلت نیایش به نحو محسوسی افزایش“^{۲۲} (ترجمه) یافته بود.

ازدیاد نزدیک به دوبرابر معلمان کلاس‌های کودکان بهائی در طی پنج سال که تعداد کل را به ۱۳۰،۰۰۰ نفر رسانده بود این امکان را به جامعه داد

”... که به نیازهای روحانی کودکان صمیمانه پاسخ گوید.“^{۲۳} (ترجمه)

شش برابر شدن قابلیت طی همان مدت برای کمک به نوجوانان به منظور گذر از چنین مرحلهٔ بحرانی حیاتشان

”... نشانه‌ای از میزان تعهد جامعه نسبت به این گروه سنی می‌باشد.“^{۲۴} (ترجمه)

و کمک به افزایش سیستماتیک فعالیت‌های اساسی که ”تعداد شرکت‌کنندگان در آن در سراسر عالم در هر مقطع زمانی بالغ بر نیم میلیون بوده است“ نتیجهٔ

”مساعی نزدیک به ۷۰’۰۰۰ نفر که قادرند در مقام راهنمای حلقه‌های مطالعه خدمت کنند“^{۲۵} (ترجمه) بود.

فقط پانزده سال پیش از آن بیت العدل اعظم از جامعه خواسته بودند تا "مجهوداتشان را برای توسعه نیروی انسانی امرالله از طریق شبکه مؤسّسات آموزشی نظم و ترتیب دهند." حال، در سیستمی که برای توسعه چنین منابعی برقرار شده بود، جامعه "وسیله‌ای با امکانات نامحدود" در اختیار داشت. جامعه این توانمندی را کسب نموده بود که

"هزاران بل میلیونها نفر را قادر سازد که آثار الهی را در گروه‌های کوچک با هدف مشخص تحقق بخشیدن به تعالیم بهائی و پیشبرد فعالیت‌های امری به مرحله بعدی یعنی ترویج و تحکیم مستمر در مقیاسی وسیع، مطالعه نمایند."^{۲۶} (ترجمه)

در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در هر محدوده جغرافیایی این امکان به وجود آمد که

"چند نفر در مقام هسته مرکزی يك گروه در حال تزايد می‌توانند جنبشی مردمی به سوی هدف يك نظم جهانی به وجود آورند."^{۲۷} (ترجمه)

با این همه یادگیری کسب شده و قابلیت حاصله، از احبای ساکن در یک محدوده که برنامه فشرده رشد در آن در حال اجرا بود خواسته شد تا یک قدم جلوتر روند. از آنان خواسته شد تا انرژی خود را روی گروه‌های کوچک‌تری از مردم که معمولاً در محله و یا دهکده یافت می‌شوند متمرکز نمایند و به هریک کمک کنند تا به مرکزی از فعالیت فشرده ترقی و توسعه یابند. در این راستا آنان تشویق شدند تا

"با به کار بردن روش مستقیم معرفی مبانی امر مبارک، به تبلیغ در بین يك یا چند جمعیت مستعد پردازند و نفوسی را بیابند که آرزومندند سستی و رخوتی را که اجتماع بر آنان تحمیل نموده از خود بزدایند و با کار کردن در کنار یکدیگر در محله‌ها و دهکده‌های خود، يك فرایند تقلیب جمعی را آغاز نمایند."^{۲۸} (ترجمه)

در انتهای نقشه پنج‌ساله و افتتاح نقشه بعدی در رضوان ۲۰۱۱، بیت العدل اعظم جامعه بهائی را دعوت نمودند "که در طی پنج سال آینده تعداد محدوده‌های جغرافیایی را که در آن یک برنامه رشد، در هر سطحی از فشردگی، در جریان است به ۵,۰۰۰ یعنی تقریباً معادل یک سوم تمام محدوده‌های جغرافیایی فعلی موجود در جهان افزایش دهند." و دو سال بعد، در پیام رضوان ۲۰۱۳، بیت العدل اعظم در مورد مساعی یاران برای فراگرفتن بیشتر در باره راه‌های جامعه‌سازی در قسمت کوچک یک دهکده و یا محله توضیح دادند. این رویکرد، کارایی خود را نه تنها در محدوده‌های جغرافیایی‌ای که دارای برنامه‌های فشرده

رشد بودند نشان داد بلکه در دیگر محدوده‌های کمتر پیشرفته نیز امیدوارکننده بود. در توصیف تغییرات عمیقی که در این‌گونه مناطق در حال روی دادن بود، بیت العدل اعظم مرقوم فرمودند:

”در هر محله یا هر دهکده‌ای که این رویکرد چند سالی توسعه یافته و احباً تمرکز خود را حفظ کرده‌اند، نتایج قابل ملاحظه‌ای به تدریج ولی قاطعانه آشکار می‌گردد. توان‌دهی به جوانان موجب می‌شود تا مسئولیت پیشرفت اطرافیان جوان‌تر از خود را به عهده بگیرند. بزرگسالان از مشارکت جوانان در گفتگوهای پرمحتوا و سودمند راجع به امور تمامی جامعه استقبال می‌کنند. دست‌آوردهای حاصله از طریق فرایند آموزشی جامعه، توان‌مندی برای مشورت را در پیر و جوان بطور یکسان ایجاد می‌کند و فضاهاى تازه‌ای برای مکالمات هدف‌مند پدیدار می‌شود. با این حال، تغییر و تحوّل صرفاً به بهائیان و افراد دیگری که در فعالیت‌های اصلی نقشه شرکت می‌کنند و قاعدتاً ممکن است انتظار رود که زمانی طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند منحصر نمی‌گردد. جوّ محیط کلاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گرایش به ستایش خداوند در بین گستره وسیعی از جمعیت ایجاد می‌شود. تساوی زن و مرد با جلوه‌های چشم‌گیرتری ابراز می‌گردد. تعلیم و تربیت کودکان اعم از پسر و دختر، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. خصوصیات روابط درون خانواده که در قالب تصورات کهنه قرون و اعصار شکل گرفته به نحو محسوسی تغییر می‌یابد. حسّ مسئولیت نسبت به جامعه محلی و محیط اطراف خود فراگیر می‌شود. حتی بلای تعصب که سایه شوم خود را بر هر اجتماعی افکنده به تدریج تسلیم قوای غالبه یگانگی می‌گردد. نهایتاً مساعی جامعه‌سازی احباً بر جوانب مختلف فرهنگ تأثیر می‌گذارد.“^{۲۹} (ترجمه)

گرچه بررسی ما از آنچه از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ در جامعه بهائی به وقوع پیوست چندین صفحه را پوشاند، ولی هنوز هم در ارائه شرح مختصری از پیشرفت‌های حاصله بسیار قاصر است. شاید مایل باشید فیلمی را که با عنوان *مرزهای یادگیری* برای یازدهمین انجمن شور روحانی بین‌المللی تهیه شد تماشا کنید، فیلمی که بینش بیشتری در این باره به شما خواهد داد، و سپس در گروه خود به بحث در باره مفهومی پردازید که در اینجا کوشیده‌ایم متوجه شویم — یعنی قوت خارق‌العاده‌ای از جانب خداوند به بیت العدل اعظم تفویض گردیده تا جامعه بهائی را در فرایندهای سریع تغییر که برای دستیابی جامعه به منظور خویش بسیار ضروری است، هدایت فرماید. در هر حال، تغییر در کنه مأموریت امر مبارک، یعنی ایجاد مدنیته الهی، مکنون است. اما تغییر در جامعه‌ای که نیرو و تعداد اعضایش در حال ازدیاد است، تغییری اتفاقی و یا نتیجه نفوذ قوای تصادفی نیست. سفینه امر الله دستخوش توفان‌های اقیانوس عالم وجود نیست بلکه از

هدایت دقیق بیت العدل اعظم در مقام مرجع امر الهی بهره‌مند است و در هر جهتی که آن مؤسسه جامعه را هدایت کند، می‌دانیم که همانا بر طبق ارادهٔ الهی است.

بخش دهم

نمونه‌ای از تأثیرات متقابل بین پیشرفت جامعهٔ بهائی و هدایات مستمر بیت العدل اعظم را در بسط نقشه‌های جهانی امر مبارک مشاهده نموده‌ایم. هدایات معهد اعلیٰ البتّه هر یک از فرایندهای متعامل متعددی را که جامعه از طریق آنها پیش می‌رود، در بر می‌گیرد.

در زیر لیستی از بیانیتهایی وجود دارد که چندین فرایند جاری در حال بسط در جامعهٔ بهائی را توصیف می‌کنند. به دنبال آن گزینه‌هایی از پیام‌های بیت العدل اعظم آورده شده است. هرگزیده رهنمود و یا تصمیم معینی را که ممکن است بر یک یا چند فقره از این فرایندها تأثیر گذاشته باشد، بیان می‌کند. تعیین کنید که کدام یک از فرایندها بیش از همه تحت تأثیر هر یک از این رهنمودها و تصمیمات قرار گرفته است. شاید مایل باشید پاسخ‌هایتان را با دوستانی که این دوره را با شما مطالعه می‌کنند، در میان بگذارید. نیازی نیست که بیش از حد در این تمرین موشکافی کنید؛ فقط می‌کوشیم تا ایده‌ای مقدماتی کسب نماییم از اینکه چگونه پیشرفت جامعهٔ بهائی در پرتو هدایت بیت العدل اعظم به نحوی استوار به جلو می‌رود. باید توجه داشته باشید که نه فرایندها و نه گزینه‌های متعاقب آنها هیچ‌کدام به ترتیب خاصی منظم نشده‌اند.

۱. پرورش منابع انسانی برای انجام وظایف مرتبط با رشد جامعهٔ بهائی

ب. گسترش و تحکیم جامعهٔ بهائی

ج. حفظ و توسعهٔ مرکز اداری و روحانی امر الهی

د. توسعهٔ نظم اداری بهائی

ه. ترویج و اجرای احکام بهائی

و. دفاع از جامعه و صیانت امر الهی

ز. مشارکت در حیات اجتماع

ح. ایجاد روابط با دول و جامعهٔ مدنی

ط. نشر و توزیع آثار امری به زبان‌های مختلف مردم جهان

ی. اداره و گردش منابع مالی

ک. آموزش مادی و روحانی احبای الهی

ل. غنی‌سازی حیات روحانی فرد و جامعه

م. تکامل تمام فرایندهای متعامل در کلیت آنها، طی عهود متوالی عصر تکوین امرالله

”با سرور و سپاس فراوان در این ایام مبارک و فرخنده تصمیم اجرای این آخرین پروژه را اعلام می‌داریم. در طی نقشه پنج‌ساله، بنای ام‌المعابد آمریکای جنوبی در سانتیاگو (Santiago) پایتخت شیلی (Chile) شروع خواهد شد و به این ترتیب یکی از آملی که حضرت ولی‌امرالله بالصّراحه بیان فرموده بودند تحقق خواهد یافت.“ (رضوان ۲۰۰۱) (ترجمه)

”همان‌طور که در پیام ۳۰ آوریل ۱۹۸۷ این جمع اشاره شده، حال راه برای بنای ابنیه باقیمانده مرکز اداری بهائی باز است و باید بدون درنگ با عزمی راسخ و با سرعت در این مسیر به پیش رویم.“ (۳۱ اوت ۱۹۸۷) (ترجمه)

”کتاب مستطاب اقدس - کتابی که حضرت ولی‌امرالله با بیانی چنین منبع آن را توصیف فرموده‌اند: ”آن خزینه ثمینه‌ای که الی‌الابد حاوی اعظم تجلیات روحیه جمال ابهی، منشور نظم جهانی، افخم منبع احکام، تباشیر عهد و میثاق الهی، و ام‌الکتاب حاوی اشرف نصایح و امنع بیانات و اهم نبوت آن حضرت است و در بحبوحه بلایا و رزایا و زمانی که جمیع حکام ارض حضرتش را بالکل فراموش کرده بودند نازل گردید، با نهایت افتخار اعلام می‌داریم که ترجمه انگلیسی این کتاب مقدس همراه با حواشی و توضیحات مفصل در روز نوروز در دسترس اهل بهاء قرار خواهد گرفت“ (۵ مارس ۱۹۹۳) (ترجمه)

”با قلبی سرشار از مسرت و سپاس اتمام موقیّت‌آمیز کار حفظ و مرمت باغ رضوان در ارض اقدس را اعلام می‌داریم. این اقدامات شامل احیای نهر آب، ایجاد مجدد جزیره و همچنین تعمیر آسیابی از دوران عثمانی که در زمان حضرت بهاء‌الله مورد استفاده بوده است می‌باشد.“ (۲۹ اکتبر ۲۰۱۰) (ترجمه)

”تأسیس مؤسّسات آموزشی دائمی که به منظور ارائهٔ برنامه‌های منظم و رسماً سرپرستی‌شدهٔ تعلیم و کارآموزی با زمان‌بندی مرتّب طرح شده‌اند نباید به تأخیر افتد.“ (رضوان ۱۹۹۶) (ترجمه)

”هرچند فعالیت‌های مربوط به کودکان جزئی از نقشه‌های گذشته بوده ولی برای رفع نیازمندی‌ها کافی نبوده است. تربیت روحانی کودکان و نوجوانان برای پیش‌رفت بیشتر جامعه از اهمّیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنا بر این بی‌نهایت ضروری است که این کمبود برطرف گردد. مؤسّسات آموزشی باید بطور حتم تعلیم مربّیان کلاس‌های کودکان را در برنامه‌های خود بگنجانند، مربّیانی که بتوانند خدمات خود را در اختیار جوامع محلی قرار دهند. اما اگرچه فراهم ساختن آموزش روحانی و آکادمیک کودکان ضروری است ولی این فقط بخشی است از آنچه باید برای پرورش سرشت و شکل دادن به شخصیت آنان انجام شود. هم‌چنین لازم است که افراد و مؤسّسات امری در تمام سطوح، یعنی در واقع تمامی جامعه، نسبت به کودکان طرز فکر صحیحی داشته باشند و علاقه‌ای کلی به بهبود وضع آنان نشان دهند. چنین طرز فکری باید از شیوهٔ برخورد نظمی که به سرعت در حال انحطاط است کاملاً بدور باشد.“ (رضوان ۲۰۰۰) (ترجمه)

”... به این نتیجه رسیده‌ایم که حال وقت آن فرا رسیده است که رسماً عنصر جدیدی در نظم اداری بهائی بین سطوح محلی و ملی، مؤسسه‌ای با ماهیتی خاص، تحت عنوان ’شوراهای منطقه‌ای بهائی‘ تشکیل دهیم.“ (۳۰ مه ۱۹۹۷) (ترجمه)

وقت آن فرا رسیده است که توجهی سیستماتیک به این حوزهٔ مهم از اقدامات امری معطوف گردد. لذا با کمال مسرّت تأسیس دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی را اعلام می‌داریم. مقرر است که این دفتر به بیت العدل اعظم در ترویج و هماهنگ ساختن فعالیت‌های احبّاً در این میدان جدید در سراسر جهان مساعدت نماید. (۲۰ اکتبر ۱۹۸۳) (ترجمه)

”در ناحیه‌هایی که جوامعی قوی شامل جمعی از احبّای مطلع وجود دارند، برنامه‌های سیستماتیک برای ترویج و تحکیم امر باید هرچه زودتر اجرا شود.“ (۹ ژانویه ۲۰۰۱) (ترجمه)

”مطمئن هستیم که این یادگیری‌ها حال می‌تواند به طریقی سیستماتیک در هر قاره مورد استفاده قرار گیرد و در رضوان ۲۰۰۶ از بهائیان عالم دعوت خواهیم کرد که در طول نقشه بعدی برنامه‌های فشرده رشد را در حد اقل ۱۵۰۰ محدوده جغرافیایی تأسیس نمایند.“ (۲۷ دسامبر ۲۰۰۵) (ترجمه)

”در نهایت سرور اختتام مجهودات تعمیر و مرمت بنای رفیع البیان مقام مقدس اعلی را به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم. این مجهود مهم‌ترین پروژه از سلسله پروژه‌های انجام شده طی سال‌های اخیر در ارض اقدس بود از جمله نوسازی و مرمت درونی و برونی دارالآثار بین‌المللی، بازسازی باغ رضوان، ابتیاع املاک وسیع در بهجی و احداث خیابانی عریض و مشجر جهت ورود از طریق درب شمالی، و تنظیم ربع دایره شمال غربی در جوار روضه مبارکه که تکمیل دایره کامل باغ‌های حول آن مرقد منور را به دنبال خواهد داشت.“ (۱۲ رضوان ۲۰۱۱) (ترجمه)

”لذا شایسته است در این موقعیت مغتنم جمیع نفوسی که بر ایمان خود به مظهر ظهور اعظم الهی مقرر و معترف‌اند با سرور و حبور حکم مقدسی را اجابت نمایند که هر فرد را قادر می‌سازد تا حس خصوصی ایمان خود به خداوند را با عملی وجدانی و بسیار شخصی که مروج مصالح عمومی است و فرد را مستقیماً با مؤسسه مرکزی و مرجع امر الله مرتبط می‌سازد، و بالاتر از همه، عنایات وصف‌ناپذیر و الطاف لانهای الهی را برای نفوس مطیعه مخلصه تضمین می‌نماید ابراز دارد. حال با اظهار خضوع و خشوع و عبودیت به ساحت قدس الهی، اعلام می‌داریم که از رضوان ۱۹۹۲ یعنی آغاز سال مقدس، حکم حقوق الله شامل عموم خواهد شد. همه یاران الهی را با کمال محبت به اجرای این حکم دعوت می‌نماییم.“ (رضوان ۱۹۹۲) (ترجمه)

”مژده صدور حکم براءت توسط دادگاه قاهره برای تمام بهائیان ساکن مصر که قبلاً محکوم شده بودند موجب نهایت مسرت گردید. به مقامات دولتی خود اطلاع دهید و مراتب تقدیر عمیق را ابلاغ دارید.“ (۱۶ ژوئن ۱۹۸۸) (ترجمه)

”از بهائیان جهان دعوت می‌نماییم جلسات مخصوص دعا، در ایام نزدیک به روز چهاردهم ماه مه (۶ خرداد ۱۳۸۹) برای پیروان ثابت‌قدم حضرت بهاء‌الله در

ایران، و برآستی برای همه مردم آن سرزمین مقدس که به همین نحو تحت ظلم و ستم هستند، برگزار نمایند. باشد که ید مشیت الهیه آنان را از این محنت مدید رهایی عطا فرماید.“ (۹ مه ۲۰۱۰) (ترجمه)

”یوم عهد و میثاق، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰، افتتاح دوره پنج‌ساله جدیدی از خدمت اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای برای صیانت و ترویج امر مبارک را مشخص می‌نماید. با نهایت سرور اسامی مشاورینی را که برای دوره جدید منصوب شده‌اند و تعداد آنان همان هشتاد و یک نفر باقی می‌ماند اعلام می‌داریم.“ (۱ نوامبر ۲۰۱۰) (ترجمه)

”صندوق بین‌المللی بهائی نباید از برآوردن این احتیاجات قاصر بماند. برای کمک به این صندوق، تصمیم گرفته‌ایم که صندوق اوقاف مرکز جهانی را به منظور حفاظت، مراقبت و امنیت ابنیه و محوطه‌های مراکز روحانی و اداری امر مبارک - یعنی اموری که در حال حاضر بخش چنین عظیمی از مسئولیت‌های صندوق بین‌المللی بهائی را تشکیل می‌دهد - تأسیس نماییم.“ (۱۲ نوامبر ۲۰۰۱) (ترجمه)

”هم‌چنان که در محدوده جغرافیایی خود به مساعی خویش ادامه می‌دهید، بیش از پیش به مشارکت در حیات جامعه اطراف خود جلب خواهید شد و با این چالش روبرو خواهید گشت که فرایند یادگیری سیستماتیک را که به آن مشغول هستید توسعه دهید تا دامنه وسیع‌تری از مجهودات انسانی را در برگیرد. لازم خواهد بود که در رویکردهای خود، در روش‌هایی که به کار می‌برید و در تدابیری که اتخاذ می‌کنید به همان درجه از انسجام که از مشخصات الگوی رشد کنونی جامعه است، دست یابید.“ (رضوان ۲۰۰۸) (ترجمه)

”بنا بر این در این مرحله اولیه از اجرای نقشه، بذل توجه به مسئله هماهنگ‌سازی مهم‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. اگرچه عناصر اصلی یک طرح سازمان‌دهی مؤثر هم‌اکنون به خوبی معلوم شده است ولی شکلی که این طرح تحت شرایط مختلف باید به خود بگیرد نیاز به شرح و تفصیل دارد. از دارالتبلیغ بین‌المللی خواسته‌ایم که به منظور تحرك بخشیدن به تنظیم و تدوین سریع تجارب آموخته شده مجهوداتی را که در جهت هماهنگ‌سازی به خصوص در چند صد محدوده

پیشرفته‌تر در سرتاسر عالم انجام شده است پیگیری نماید.“ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۱)
(ترجمه)

”دست‌آوردهای دو سال گذشته باید نه فقط در سال‌های پایانی نقشه کنونی بلکه در سال‌های باقیمانده اولین قرن عصر تکوین نیز به مراتب افزون‌تر گردد. به منظور پیشبرد این مشروع عظیم و دعوت از جوانان عصر حاضر برای به عهده گرفتن کامل مسئولیت‌هایی که باید در این فرصتِ زودگذر ایفا نمایند، برگزاری ۹۵ کنفرانس جوانان را بین ماه‌های ژوئیه و اکتبر در نقاط زیر که سراسر کره ارض را در بر می‌گیرد اعلام می‌داریم.“ (۸ فوریه ۲۰۱۳) (ترجمه)

”به موازات توسعه این دفاتر، فرایندهای نقشه‌های متوالی توانایی جامعه را برای مشارکت در گفتمان‌های رایج در فضاهای گوناگون، از مکالمات شخصی تا اجتماعات بین‌المللی، افزایش داده است... به منظور افزایش این گونه مجهودات و با هدف تسهیل یادگیری در این عرصه، و برای تضمین انسجام این اقدامات با سایر مساعی جامعه بهائی، اخیراً در مرکز جهانی بهائی دفتر گفتمان‌های عمومی، را تأسیس نموده‌ایم تا با پیشبرد تدریجی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و تنظیم تجارب، محافل روحانی ملی را در این میدان کمک نماید.“
(رضوان ۲۰۱۳) (ترجمه)

”به منظور کمک به تأسیس این دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی، صندوقی به نام صندوق مشرق‌الاذکار برای همه این گونه پروژه‌ها در مرکز جهانی تأسیس نموده‌ایم. از احبای عزیز در سراسر عالم دعوت می‌کنیم که با فداکاری و بر حسب توانایی خود در تقدیم تبرّعات به این صندوق مشارکت نمایند.“
(رضوان ۲۰۱۲) (ترجمه)

”با نزدیک شدن زمان کنفرانس، علائمی وجود داشت حاکی از اینکه امر بهائی به مرحله‌ای از توسعه خود واصل شده که در ورای آن افق جدیدی در برابرمان نمایان می‌گردد. این‌گونه اشارات در گزارش این جمع در رضوان گذشته راجع به تحوّل اساسی در فرهنگ جامعه بهائی ابلاغ گردید: تقارن روزافزون به وجود آمدن مؤسّسات آموزشی، به اتمام رسیدن طرح‌های ساختمانی کوه کرمل، و فرایندهای داخلی جامعه در جهت تحکیم و تقویت مؤسّسات امری و فرایندهای

خارج از جامعه در جهت اتحاد جهانی. این نکات در پیام چند روز قبل این جمع خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، با تفصیل بیشتری توضیح داده شده است. ولیکن نیروی محرکه خارق‌العاده‌ای که در سراسر مشاورات کنفرانس جاری بود، اشارات قبلی را به صورت واقعیتی ملموس و قابل رؤیت متبلور نمود. با نهایت وجد و سرور مشتاقیم به عالم بهائی اعلام داریم که: امر حضرت بهاء‌الله اکنون وارد پنجمین عهد عصر تکوین شده است.“ (۱۶ ژانویه ۲۰۰۱) (ترجمه)

بخش یازدهم

در صفحات قبل، شرایط حول انتخاب بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ و اهمیت آن رویداد عظیم را، نه فقط برای جامعه بهائی بلکه برای جمیع نوع بشر، بررسی کردیم. این موضوع را کاملاً روشن نموده‌ایم که منظور ما در اینجا ازدیاد درک خودمان از این نکته است که امروز برای همه ما بهره بردن از نعم و مواهبی که از بیت العدل اعظم جاری می‌شود چه معنایی دارد. بدین منظور، در حدّ حوصله این واحد، گزیده‌هایی از مکاتبات و بیانیه‌های معهد اعلی را مطالعه می‌کنیم که برایمان روشن می‌سازد که چگونه نوع بشر بطور اعم، و جامعه بهائی بطور اخص، از هدایات مستمر این مؤسسه تحرک و حیات می‌یابد.

یکی از اختیاراتی که به بیت العدل اعظم عنایت شده، ”ترویج و تحکیم“ مؤسّسات نظم اداری بهائی است. در واحد دوم این کتاب، به بررسی تکامل آن نظم تحت قیادت حضرت ولی‌امرالله پرداختیم. با انتخاب عالی‌ترین مؤسسه اداری امرالله، این والاترین نهاد در محلّ خود مقرر یافت. حال، توسعه و پیشرفت آن نظم که هنوز در مرحله جنینی است، همان‌طور که حضرت ولی‌امرالله در بیان زیر که آخرین قسمت از مطالعه شما در واحد قبل بود به وضوح اشاره فرموده‌اند، به وسیله بیت العدل اعظم طرح و هدایت خواهد شد.

”با انجام وظیفه این محافل اعم از محلی و ملی در سراسر عالم بهائی به نحوی هماهنگ و با جدّیت و کارایی، تنها وسیله لازم برای تشکیل بیت العدل اعظم فراهم خواهد بود. این معهد اعلی پس از استقرار باید وضع کلی را مجدداً بررسی نماید و اصولی را که در هر زمان برای اداره امور امرالله مقتضی داند مقرر دارد.“^{۳۰} (ترجمه)

یکی از قدم‌های مهم در جهت توسعه نظم اداری، در سال ۱۹۶۸ توسط بیت العدل اعظم برداشته شد. این قدم به مؤسسه ایادی امرالله و امتداد وظایف محوله به آن در ازمنه آینده مربوط می‌شد. با انتصاب اولین هیئت ایادی امرالله در دسامبر ۱۹۵۱، حضرت ولی‌امرالله بسط و توسعه این بُعد نظم اداری را قبل از صعودشان در سال ۱۹۵۷ آغاز نمودند. در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸، معهد اعلی توضیح فرمودند:

”توسعه پرشکوه سیستم اداری جهان‌آرا و نجات‌بخش حضرت بهاءالله در تأسیس پیایی مؤسسات و نهادهای امری که چارچوب آن نظم الهی را تشکیل می‌دهند نمایان است. به این ترتیب، پس از گذشت متجاوز از یک‌ربع قرن از تشکیل اولین محافل روحانی ملی در دنیای بهائی، مؤسسه ایادی امرالله بر حسب تمهیدات الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء رسماً تأسیس گردید و نخستین عصبه این خادمان برازنده امرالله توسط حضرت ولی‌امرالله منصوب شدند. پس از صعود هیکل مبارک، طرح توسعه مؤسسه ایادی امرالله به منظور گسترش وظایف معینه آن یعنی صیانت و تبلیغ امر الهی در ازمنه آینده“ در چارچوب نظم اداری بر عهده بیت العدل اعظم قرار گرفت، و این امر یکی از اهداف نقشه نه ساله شد. در طی چهار سال گذشته، مطالعه و تعمق بسیاری در اطراف این مسئله به عمل آمده و نصوص مبارکه جمع‌آوری و مرور شده است. همان‌طور که در تلگراف این جمع خطاب به انجمن‌های شور روحانی ملی اعلام گردید، هدف مزبور موضوع مشاورات طولانی توأم با دعا و مناجات بین بیت العدل اعظم و حضرات ایادی امرالله طی دو ماه گذشته بوده است. تمامی این مساعی چارچوبی را که در آن این هدف می‌توانست تحقق یابد، به این صورت روشن نمود:

”بیت العدل اعظم راهی برای انتصاب افراد دیگری به سمت ایادی امرالله نمی‌یابد.

”فقدان ولی‌امرالله موجب شد که روابط کاملاً جدیدی بین بیت العدل اعظم و حضرات ایادی امرالله به وجود آید و چنین ایجاب نمود که بیت العدل اعظم نحوه اجرای وظایف مودوعه الهیه حضرات ایادی امرالله در مورد صیانت و ترویج امرالله را بطور تدریجی تعیین نماید.

”هرگونه توسعه یا مؤسسه جدیدی که ابداع گردد باید هرچه زودتر وارد عمل شود تا مجهودات مؤسسه ایادی امرالله را تقویت و تکمیل نماید و در عین حال از فرصت نهایت

استفاده به عمل آید تا حضرات ایادی شخصاً به شروع و هدایت روال‌های جدید کمک نمایند.

”هر چنین مؤسسه‌ای باید تکامل یابد و در همانگی با اصول حاکم بر عملیات مؤسسه ایادی امرالله عمل نماید.“^{۳۱}

از شما می‌خواهیم با تکمیل جملات زیر در عبارات فوق تفکر کنید:

توسعه پرشکوه _____ حضرت بهاءالله در _____
و _____ که _____ آن _____ را تشکیل می‌دهند نمایان است. به این ترتیب،
پس از گذشت متجاوز از یک‌ربع قرن از _____ در دنیای بهائی،
_____ بر حسب _____ حضرت عبدالبهاء
رسماً تأسیس گردید و نخستین _____ توسط حضرت ولی‌امرالله منصوب شدند.
”پس از صعود هیکل مبارک، _____ به منظور گسترش وظایف معینه آن
یعنی صیانت و تبلیغ امر الهی در ازمنه آینده _____، و
این امر یکی از _____ شد.

بخش دوازدهم

عالم بهائی با تلگرافی که در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۶۸ مخابره شد از تصمیم بیت العدل اعظم جهت تأسیس هیئت مشاورین قاره‌ای مطلع گردید:

”با نهایت مسرت تصمیم مهم تأسیس یازده هیئت مشاورین قاره‌ای به منظور صیانت امرالله و نشر نفعات الله، یعنی سه هیئت در هر یک از قارات افریقا، امریکا و آسیا، و یک هیئت در هر یک از قارات اقیانوسیه و اروپا را اعلام می‌داریم. اقدام به این امر مهم که پس از مشاوره با حضرات ایادی امرالله صورت گرفت، ادامه و استمرار وظایف محوله به مؤسسه ایادی امرالله در آینده را تضمین می‌نماید. مسئولیت اداره هیئت‌های معاونت و مشاوره با محافل ملی، در همکاری نزدیک با حضرات ایادی امرالله، به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای محول می‌گردد. حضرات ایادی امرالله از این به بعد خدمات بین‌القارات خود را افزایش خواهند داد و در صیانت و ترویج امرالله نقشی جهانی ایفا خواهند نمود. اعضای هیئت معاونت گزارش اقدامات خود را

به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای خواهند داد و تحت سرپرستی آن هیأت خواهند بود. حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس علاوه بر خدمت در مقام رابط بین بیت العدل اعظم و هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، به تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی در ارض اقدس در آینده چنان‌که در آثار حضرت ولیّ محبوب امرالله پیش‌بینی شده، مساعدت خواهند نمود. تفصیل این تحولات جدید ضمن نامه‌ جداگانه‌ای ابلاغ می‌گردد. در آستان مقدّس شمول تأییدات لاریبیه الهیه بر اقدامات آینده در سبیل استقرار محتوم نظم اداری مهیمن حضرت بهاءالله را عاجزانه مسئلت می‌نماییم.“^{۳۲}

پنج سال پس از شروع فعالیت هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، تلگراف زیر از سوی بیت العدل اعظم به تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۷۳ مخابره گردید:

”تأسیس مؤسسه دارالتبلیغ بین‌المللی در ارض اقدس را بشارت می‌دهیم، مؤسسه‌ای که تأسیس آن مدت‌ها قبل پیش‌بینی شده بود؛ مؤسسه‌ای که مقدر است به یکی از مؤسّسات جهان‌فروز، جهان‌شمول و جهان‌آرای نظم بدیع تکامل یابد که آن را حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند، حضرت عبدالبهاء تدارک دیده‌اند و حضرت ولیّ امرالله تشریح نموده‌اند. اعضای این مؤسسه نوپا شامل کلیه حضرات ایادی امرالله است، و در بدایت سه نفر از مشاورین به معیت ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، هسته مرکزی عملیات مهم آن را تشکیل خواهند داد.“^{۳۳}

تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی اقداماتی را که هیئت ایادی امرالله مقیم ارض اقدس انجام داده بودند به ثمر رساند، هیئتی که همان‌طور که در واحد قبل ذکر شد، به عنوان رابط بین حضرت ولیّ امرالله در مقام مرجع امر، و افراد ایادی قاره‌ای، و سپس بین بیت العدل اعظم و هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، عمل نمودند. با تفکر در باره تأسیس هیئت‌های مشاورین و دارالتبلیغ بین‌المللی، مشخص کنید که عبارات زیر صحیح هستند یا غلط:

ا. تأسیس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای وظایف مؤسسه هیئت ایادی امر
الله را به آینده استمرار بخشید. □ ص □ غ

ب. اسم مؤسسه هیئت ایادی امرالله به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای تغییر
داده شد. □ ص □ غ

- ج. هیئت ایادی امر الله و هیئت‌های مشاورین قاره‌ای یک مؤسسه هستند. □ ص □ غ
- د. هیئت ایادی امر الله و هیئت‌های مشاورین قاره‌ای وظایف یکسانی دارند. □ ص □ غ
- ه. تأسیس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای تضمین‌کرد که بینش حضرت عبدالبهاء از نظم اداری، بخصوص بطوری که در الواح وصایا بیان شده، به حقیقت پیوست. □ ص □ غ
- و. به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای این قابلیت ارزانی شده که مصالح امر الله را به پیش برند، اصول آن را بکار بندند، آرمان‌هایش را تجسم بخشند و منظور امر مبارک را به تحقق رسانند. □ ص □ غ
- ز. تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی اقدامات هیئت ایادی امر الله مقیم ارض اقدس را به ثمر رساند. □ ص □ غ
- ح. دارالتبلیغ بین‌المللی به این دلیل تأسیس شد تا رابط بین هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و ایادی امر الله مقیم در ارض اقدس باشد. □ ص □ غ
- ط. دارالتبلیغ بین‌المللی رابط بین هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و بیت العدل اعظم است. □ ص □ غ

امروزه مؤسسهٔ مشاورین شامل دارالتبلیغ بین‌المللی، هیئت‌های مشاورین قاره‌ای جهت صیانت و تبلیغ، هیئت‌های معاونت جهت صیانت و تبلیغ، و مساعدين اعضای هیئت معاونت می‌باشد. تکامل این مؤسسه را به عنوان یک نمونه در نظر می‌گیریم و می‌کوشیم تا با مطالعهٔ قسمت‌های مربوطه از دست‌خط‌های بیت العدل اعظم، در بارهٔ اینکه چگونه نظم اداری بهائی تحت هدایت آن مؤسسه توسعه می‌یابد، کسب بصیرت نماییم.

در واحد قبل، با نگاه به چندین مفهوم و اصول مهم مربوط به نظم اداری بهائی، توسعه مؤسسه محفل روحانی را بررسی کردیم. مشورت به عنوان یکی از اصول اساسی که باید حاکم بر تصمیم‌گیری جمعی باشد؛ ماهیت روابط بین محافل روحانی و افراد؛ ماهیت روابط بین مؤسسات نظم اداری بهائی؛ ماهیت انتخابات بهائی؛ و ماهیت خدمت در یک محفل. در مطالعه خود در باره مؤسسه مشاورین، روش مشابهی برمی‌گزینیم و توسعه آن را در قالب مفاهیم و اصول مشخصی بررسی می‌کنیم - یعنی، ماهیت رابطه مؤسسه مشاورین با افراد احباً؛ ماهیت مشارکت مشاورین و معاونین آنها در فرایندهای مشورتی جامعه بهائی؛ و ماهیت روابط بین محافل روحانی و مشاورین و معاونین آنها. اما پیش از آنکه به این سه موضوع بپردازیم، در چند بخش بعدی بعضی از واقعیتهای پایه‌ای مربوط به ساختار و عملکرد کنونی این مؤسسه را مرور خواهیم کرد.

بخش سیزدهم

مرور خود را با دارالتبلیغ بین‌المللی آغاز می‌کنیم. در بخش‌هایی که به این مرور اختصاص داده شده تمرینی وجود نخواهد داشت؛ مطالب خواندنی‌ای که ارائه شده صرفاً برای تحکیم معلوماتی است که شما قبلاً در مورد این مؤسسه کسب کرده‌اید. به عنوان مرجع اطلاعات، از سندی استفاده می‌کنیم که در سال ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم تحت عنوان "مؤسسه مشاورین" صادر نمودند. در این سند هدایات بسیاری که بیت العدل اعظم طی سه دهه گذشته در مورد مؤسسه مشاورین صادر نموده بودند جمع‌آوری شده و نظم اداری را بطور کلی توضیح می‌دهد. در باره عضویت در دارالتبلیغ بین‌المللی، در این سند چنین آمده است:

"دارالتبلیغ بین‌المللی دارای نه عضو است که توسط بیت العدل اعظم به مقام مشاورین بین‌المللی از میان تمام احبای ذی‌رأی در سراسر عالم برای دوره‌ای پنج‌ساله منصوب می‌شوند. هر دوره از ۲۳ مه (۳ خرداد) بلافاصله بعد از کانونشن بین‌المللی بهائی آغاز می‌گردد. حضرات ایادی امر الله از ابتدای تأسیس این مؤسسه، اعضای دائمی آن بوده‌اند."^{۳۴}

همان‌طور که می‌دانید، جناب علی محمد وراق، آخرین ایادی امر الله در سپتامبر ۲۰۰۷ صعود فرمودند و از آن زمان به بعد، عضویت این مؤسسه فقط شامل نه نفر از مشاورین بین‌المللی می‌باشد. این سند نحوه عملکرد و وظایف دارالتبلیغ را چنین شرح می‌دهد:

"ماهیت کار دارالتبلیغ بین‌المللی اساساً جمعی و مشارکتی است. مسئولیت‌های دارالتبلیغ چنین ایجاب می‌کند که این مؤسسه به منزله منبعی از اطلاعات و تجزیه و تحلیل برای بیت العدل

اعظم و مسئول ارائه هدایت و منابع به مشاورین قاره‌ای خدمت نماید. لذا باید از وضعیت امر الله در جمیع نقاط عالم اطلاع کامل داشته باشد و نسبت به امکانات موجود برای توسعه امر الله، تحکیم و تقویت مؤسّسات امری، و پیشرفت حیات جامعه بهائی کاملاً هوشیار و آگاه باشد. دارالتبلیغ باید این امکانات را در ارتباط با نقشه‌های جهانی تجزیه و تحلیل کند، نیاز در سطح جهانی را پیش‌بینی نماید و مراقب باشد که منابع لازم در اختیار جوامع ملّی قرار گیرد. در این بستر، دارالتبلیغ توجّه خاصی به توسعه منابع انسانی مبذول می‌دارد و به جوامع کمک می‌کند تا توان‌مندی خود را برای کمک به گروه‌های روزافزونی از مؤمنین در کسب بصیرت روحانی، معلومات امری، و مهارت و توانایی خدمت افزایش دهند.^{۳۵}

و در باره مسئله صیانت، در سند چنین آمده است:

”دارالتبلیغ بین‌المللی مسئولیت حفظ و صیانت امر الله را بر عهده دارد. تمام موارد نقض عهد و میثاق را باید در مراحل اولیه‌اش — و در صورت لزوم با استفاده از خدمات مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت معاونت و با ارزیابی گزارش‌های آنان — بررسی کند و نتیجه‌گیری نماید که آیا شخص متخلف باید از جامعه طرد شود یا خیر و تصمیم اتخاذ شده را برای ملاحظه بیت العدل اعظم تقدیم نماید. این مؤسسه روش مشابهی را برای اعاده شخص ناقض نادم به جامعه دنبال می‌کند. در حدّی وسیع‌تر، دارالتبلیغ باید مراقب سلامت روحانی جامعه بهائی باشد، مشاورین و معاونین را به تقویت احبّاً برای مقابله با نفوذ و تأثیرات عوامل خارجی و داخلی مخالف با امر مبارک تشویق نماید و در حلّ مسائلی که ممکن است شک و تردید در باره یک پارچگی امر مبارک و تعالیم آن به وجود آورد، به محافل ملّی و محلی کمک کند.“^{۳۶}

بخش چهاردهم

بیاید اکنون توجّه خود را به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای معطوف کنیم. در باره عضویت در این مؤسسه، سند ”مؤسسه مشاورین“ چنین می‌گوید:

”در حال حاضر پنج هیئت مشاورین قاره‌ای مشغول خدمت در پنج منطقه عمده جهان — افریقا، امریکا، آسیا، اقیانوسیه، و اروپا — می‌باشند. دوره خدمت مشاورین، مرزهای جغرافیایی دقیق هر یک از مناطقی که هیئت در آن خدمت می‌کند و هم‌چنین تعداد اعضای هر هیئت، توسط

بیت العدل اعظم تعیین می شود. دوره خدمت مشاورین که اولین بار در یوم میثاق، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۰ (۵ آذر ۱۳۵۹) مقرر شد در حال حاضر پنج سال می باشد.^{۳۷}

در باره نحوه عملکرد مشاورین، قطعه زیر از این سند به شما بینش بیشتری می دهد:

”هر یک از هیئت های مشاورین طی دوران خدمت خویش جلساتی تشکیل می دهد تا در مورد ابعاد گوناگون وظایف خود در جهت ترویج و صیانت امر الله مشورت نماید. تصمیم گیری در مورد برخی از امور مانند انتصاب معاونین و تخصیص منابع مالی توسط تمامی هیئت انجام می شود. در اجرای وظایف دیگر، مانند تشویق و ترغیب اجزای گوناگون جامعه بهائی در منطقه خاصی از قاره، چند نفر از مشاورین برای مشورت و معاضدت گرد هم می آیند تا توانایی های آنان بطور مکمل مورد استفاده قرار گیرد. برخی از وظایف از جمله سرپرستی و هدایت اعضای هیئت معاونت در یک ناحیه، معمولاً توسط یکی از مشاورین بالتیباه از طرف هیئت مجرا می گردد. بطور کلی باید به خاطر داشت که بر خلاف سایر تشکیلات نظم اداری که باید به عنوان هیئت های جمعی عمل نمایند، مشاورین اساساً بطور فردی عمل می کنند و در انجام اکثر وظایف خود هر یک از آنان بر اساس انعطاف پذیری ذاتی آن مؤسسه، امکانات وسیعی در اختیار دارد.

”اساس کار مشاورین درک این نکته است که تمام اعضای هیئت قاره ای مسئولیت تمامی قاره را به عهده دارند و باید حتی المقدور خود را با اوضاع امری در هر یک از ممالک آن قاره آشنا نمایند. از طریق گزارش های مرتب ادواری فرد فرد مشاورین، هیئت از تغییر و تحولات در هر منطقه از قاره باخبر می شود و می تواند اعضایش را در انجام وظایف شان راهنمایی و کمک کند. گرچه هیچ یک از مشاورین نباید مسئول انحصاری یک خطه محسوب شود، معهدا، آشنایی مبسوط هر یک از اعضا با امور یک ناحیه معین، از طریق ارتباط نزدیک با محافل روحانی ملی و اعضای هیئت معاونت آن ناحیه، سرمایه گران بهائی برای جمیع مشاورین عضو آن هیئت می باشد.“^{۳۸}

بخش پانزدهم

بیاید اکنون به عملکرد اعضای هیئت معاونت پردازیم. امروزه، این مؤسسه که در ابتدا توسط حضرت ولی امر الله به صورت دو هیئت، یکی برای ترویج و دیگری برای صیانت امر الهی تأسیس گردید،

همچنان به فعالیت در هر قاره مشغول می‌باشد. در مورد اعضای آن در سند "مؤسسه مشاورین" این عبارت نقل شده است:

"اعضای هیئت‌های معاونت از بین احبای هر قاره توسط هیئت مشاورین قاره‌ای برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند که بدایت آن یوم میثاق سال بعد از انتصاب خود مشاورین است. سن آنها باید ۲۱ سال یا بیشتر باشد."^{۳۹}

بیت العدل اعظم تعداد اعضای هر یک از این دو هیئت را تعیین می‌کند و شاید اطلاع دارید که هم اکنون تعدادشان نزدیک به یک هزار نفر در سرتاسر عالم می‌رسد. معهد اعلى به آنان اجازه داده‌اند که مساعدینی برای خود اختیار کنند تا آنان را در جنبه‌های مختلف وظایفشان یاری دهند. بیت العدل اعظم در سند "مؤسسه مشاورین" در باره طرز کار اعضای هیئت معاونت این چنین می‌فرماید:

"هر یک از اعضای هیئت معاونت فرداً در برابر هیئت مشاورینی که آنان را منصوب می‌کند مسئول‌اند و جمعاً یک هیئت تصمیم‌گیرنده را تشکیل نمی‌دهند اما مادام که مراقب رعایت این اصل باشند، می‌توانند با یکدیگر مشورت و همکاری داشته باشند.

"برای هر عضو هیئت معاونت یک منطقه خاص مأموریت تعیین می‌شود و اگرچه ممکن است به دلایل عملی این منطقه با یک کشور خاص یا سرزمین تحت اشراف یک محفل ملی منطبق باشد ولی این چنین انطباقی اجباری نیست. هیئت‌های معاونت مؤسساتی قاره‌ای هستند و نیازی نیست که بین حدود و ثغور خطه مأموریت اعضا و مرزهای ملی ارتباطی وجود داشته باشد. یک عضو هیئت معاونت جز در صورتی که از طرف مشاورین مأموریت خاصی به او داده شده باشد در خارج از منطقه مأموریت خود به انجام این چنین خدماتی نمی‌پردازد. به دلایل روشن، مرجح آن است که اعضای هیئت معاونت در منطقه مأموریت خود ساکن باشند ولی اگر در یک منطقه فرد مناسبی برای این وظیفه یافت نشود مشاورین می‌توانند ترتیب دیگری اتخاذ نمایند.

"هیئت مشاورین قاره‌ای هنگام انتصاب اعضای هیئت‌های معاونت مراقبت می‌نماید که تمامی قاره بین اعضای هر یک از دو هیئت معاونت تقسیم شود به این معنی که بهائیان هر محل باید به یک عضو هیئت معاونت برای صیانت و یک عضو برای ترویج دسترسی داشته باشند."^{۴۰}

بخش شانزدهم

با توجه به مرور بالا، حال اولین موضوع از سه موضوعی را که قبلاً برای بررسی انتخاب کرده بودیم مورد مذاقه قرار می‌دهیم. بیت العدل اعظم توضیح می‌فرمایند:

”فرایندهای اداری امر الهی تنها مربوط به امور قضایی، احکام و مقررات، و برنامه‌هایی که اقدامات را جهت می‌بخشد نیستند بلکه شامل تمهیداتی نیز می‌شوند که موجب جلب حمایت صمیمانه احباً و هدایت قوای آنان می‌گردد. مشاورین و معاونین در مقام افرادی که روح تقدیس و ایثارگری‌شان به اثبات رسیده است در کلیه فرایندهای اداری اثر می‌گذارند هم‌چنین در تشویق احباً و تقویت ابتکار شخصی و تنوع و آزادی عمل نقشی حیاتی بازی می‌کنند. در مجهودات خویش می‌کوشند تا بر اثر اقدام حضرات ایادی امر الله که حضرت عبدالبهاء آنان را به ’نشر نفعات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون‘ دعوت فرموده‌اند مشی نمایند.“^{۴۱}

در نامه‌ای از بیت العدل اعظم به تاریخ ۳ مه ۱۹۹۸ خطاب به مشاورین قاره‌ای می‌خوانیم:

”شما نمایانگر سپاهی توانمند و بی‌نهایت مشتاق از خادمان امر مبارک در سراسر جهان هستید. مؤسسه شما مؤسسه‌ای است که از یک جهت رابطه‌ای بخصوص بسیار نزدیک با بیت العدل اعظم دارد و از جهتی دیگر قادر به تأثیرگذاری‌ای می‌باشد که تا سطح مردمی جامعه پیش می‌رود. ماهیت مؤسسه شما آن را به نحوی بی‌نظیر آماده می‌نماید که به مثابه نهری از تشویق، سرمشق و محبت باشد که آب آن می‌تواند روح هر فرد مؤمنی را که لمس می‌کند طراوت و حیات بخشد.“^{۴۲}

با اشاره به این وظیفه اعضای هیئت معاونت که مشوق مشارکت قلبی افراد باشند، بیت العدل اعظم در سند ”مؤسسه مشاورین“ چنین توضیح می‌دهند:

”موفقیت در این راه مستلزم ایجاد اعتماد و تبدیل خوف و تردید به شهامت و استقامت است و از اعضای هیئت و از احباً بطور یک‌سان می‌خواهد که ضعف خود را فراموش کنند و متکی به قدرت تأییدات الهیه باشند. این وظیفه مضافاً ایجاب می‌کند که احباً در مجهودات‌شان در جهت توسعه توانمندی خود برای خدمات مؤثر همراهی شوند.“^{۴۳}

در نامه‌ای از بیت العدل اعظم به تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ خطاب به مشاورین قاره‌ای می‌خوانیم:

”البته تعلیم به تنهایی موجب ازدیاد فعالیت‌های تبلیغی نمی‌گردد. احباً در هر یک از سبل خدمت نیازمند تشویق مستمر می‌باشند. امیدواریم که اعضای هیأت‌های معاونت و مساعدینشان توجه خاصی به این نکته معطوف دارند که چگونه ابتکارات فردی را، به خصوص در مورد خدمات تبلیغی، می‌توان پرورش داد. وقتی که تعلیم و تشویق مؤثر باشد، موجب ایجاد یک فرهنگ رشد می‌شود که در آن احباً، وظیفه تبلیغ امر الله را پی‌آمده طبیعی از ایمان خود به حضرت بهاء‌الله مشاهده می‌نمایند. ‘این نفوس’ همان‌طور که آرزوی حضرت عبدالبهاء بود ‘مشاعل انوار’ شوند، ‘شب و روز آرام نگیرند’ و ‘اوقات را صرف نشر نفعات الله کنند و ازمانرا وقف اعلاء کلمه الله’ نمایند. قلوبشان چنان به نار محبت الله مشتعل گردد که هر کس به آنان تقرب جوید، حرارتش را احساس نماید. این نفوس می‌کوشند که مجاری روح گردند، قلب را خالص و مطهر سازند، از بند نفس وهوی رها شوند، ره خضوع پویند و به مقام ایقان رسند و به جرأت و شهامتی که از قوه توکل نشأت یافته نائل شوند. در چنین فرهنگی، تبلیغ امر الهی شوق و شور حیات احباً می‌شود، بیم شکست از میان می‌رود و همکاری متقابل، تعهد به یادگیری و ارج نهادن به تنوع مجهودات، رسم معمول جامعه می‌شود.“

و در پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰، بیت العدل اعظم در باره اعضای هیئت معاونت و مساعدینشان مرقوم می‌نمایند:

”بایستی دوش به دوش احباً حرکت کنند، آنان را در تلاش‌هایشان حمایت نمایند و در شادی آنها شریک باشند. بعضی از این دوستان به سرعت در صف اول فعالیت‌ها قرار خواهند گرفت در حالی که دیگران با احتیاط بیشتری گام بر خواهند داشت ولی همه نیازمند تشویق و حمایت هستند اما نه تشویق و حمایت نظری بلکه بر اساس دانش واقعی که تنها با خدمت در کنار یکدیگر حاصل می‌گردد. ایمان به توانمندی هر فرد مشتاق خدمت از طرف کسانی که نمایند احباً را به مشارکت جدی در اجرای نقشه ترغیب نمایند حائز اهمیت بسیار خواهد بود. محبت بدون قید و شرط و فارغ از حس برتری برای کسانی که می‌خواهند به احباً کمک کنند تا تردید را به شهامت ناشی از ایمان به خدا و هیجان‌طلبی را به تعهد نسبت به اقدام درازمدت تبدیل نمایند از ضروریات خواهد بود. عزم جزم همراه با آرامش در تلاش برای تبدیل موانع به وسیله‌ای برای پیشرفت جنبه حیاتی خواهد داشت. آمادگی برای گوش دادن، توأم با بصیرت عمیق روحانی،

برای تشخیص موانعی که می‌تواند بعضی از احبّاً را از دركِ ضرورتِ وحدت در عمل باز دارد، بسیار ارزشمند خواهد بود.^{۴۵}

برای اینکه به شما کمک شود تا در بارهٔ چگونگی ارتباط مؤسسهٔ مشاورین با افراد تفکر کنید، چند کلمه و عبارت کلیدی از بیانات فوق در اینجا برایتان جمع آوری کرده‌ایم. شاید مایل باشید یک یا دو پاراگراف در بارهٔ ماهیت این ارتباط بنویسید و در آن از همهٔ این کلمات و عبارات به نحوی استفاده نمایید:

حمایت صمیمانه، هدایت، مشتعل، قوا، ایثارگری به اثبات رسیده، تربیت، روح تقدیس، ابتکار، تنوع، جلب حمایت، یادگیری، نفوذ، محبت، همراهی، قدرت تأییدات الهیه، بنا نهادن، تأییدات الهیه، اطمینان، توکل، فرهنگ رشد، تشویق، تقویت، حمایت، پیشرفت، اقدامات منسجم، ایمان به خدا، دوش به دوش، شهادت، استقامت، مشارکت، توان‌مندی برای خدمات مؤثر

بخش هفدهم

بیانات بازگو شده در بخش قبل، بر اهمیت کمک افراد به انجام کارهای امر الهی تأکید می‌نماید و نحوه‌ای را که مشاورین و معاونین به احباء در میدان خدمت یاری می‌دهند توصیف می‌کند. بیایید با بررسی ماهیت ابتکار، نگاهی دیگر به این جنبه از رابطه بین مؤسسه مشاورین و فرد بیندازیم.

ضوابطی که در نتیجه احتیاجات نقشه جهانی جاری در هر برهه از زمان تعیین می‌گردد، بدون شک عرصه وسیعی برای افراد جهت بروز ابتکارات شخصی مهیا می‌سازد. اجرای موفقیت آمیز نقشه برآستی تا حد زیادی بستگی به افراد احباء دارد. در نهایت، این فرد است که باید قیام نماید و در کنار شمار کثیری از دیگران وظایف مورد نیاز را به انجام رساند. حضرت ولی امرالله به شخصه این نکته مهم را مورد تأکید قرار داده‌اند:

”این مسئولیت چنان مبرم و خطیر و در عین حال چنان پرشکوه، بدون تردید در رتبه اولی متوجه فرد بهائی است که مقدرات تمامی جامعه بالمال منوط به اوست. اوست تار و پودی که کیفیت و بافتار کل جامعه بدان وابسته است. اوست که به منزله حلقه‌ای از حلقه‌های بی‌شمار زنجیر محکمی است که حال دور کره زمین را در بر گرفته است. اوست که به مثابه یکی از آجرهای

بی‌شمار، بنیان رفیع نظم اداری را که در حال حاضر در هر گوشهٔ جهان بنا نهاده می‌شود برپا می‌دارد و استحکام آن را تضمین می‌کند.“^{۴۶} (ترجمه)

شاید شما مایل باشید در بارهٔ اینکه چگونه هر یک از موارد زیر می‌تواند به فرد کمک کند تا تحت ضوابط تعیین شده در نقشه اقدامی بنماید، چند کلمه‌ای بیان کنید و مثال‌های ملموسی برای روشن نمودن نظر خود ارائه نمایید.

۱. فهم فزایندهٔ احتیاجات نقشه و روابط میان عناصر مختلف آن: _____

۲. روحیهٔ خاضعانهٔ یادگیری: _____

۳. بکار بردن اراده: _____

۴. رعایت انضباط: _____

۵. خلاقیت و کاردانی: _____

۶. پشتکار: _____

۷. تعهد به اقدام درازمدت: _____

۸. قدرشناسی اقدام هماهنگ و متحد: _____

۹. اهمیت دادن به خیر عمومی: _____

۱۰. قابلیت اینکه از دستاوردهای دیگران شاد و مسرور شوند: _____

بخش هجدهم

در پرتو مذاکرات بخش قبل با دوستان خود که این دوره را با هم مطالعه می‌کنید، دو بیان زیر از دستخط‌های بیت العدل اعظم را مورد تأمل قرار دهید. بیان اول از پیام مؤرخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و بیان دوم از پیام رضوان ۲۰۰۸ خطاب به بهائیان عالم استخراج شده است.

”نتیجهٔ مشهود تأکید بر پرورش قابلیت، بروز فزاینده ابتکارات شخصی بوده است، ابتکاراتی که در سایهٔ درک احتیاجات اقدام سیستماتیک برای پیشبرد فرایند دخول افواج اتخاذ می‌شود. اقدامات با روحیهٔ خاضعانهٔ یادگیری در چارچوبی که نقشه تعیین می‌کند دنبال می‌گردد تا آنکه فعالیت‌هایی که جلوه‌گر استعدادهاى مختلف است به شکل جنبشی واحد هماهنگ گردیده و رکود ناشی از مباحثات بی‌نتیجه درباره آراء و سلیقه‌های شخصی نسبت به عملکرد از بین می‌رود. تعهد به اقدامات طولی‌المدت ازدیاد یافته و ابتکارات احباً در هر مقطع زمانی جزئی از تصویر بزرگتر نقشه می‌شود.“^{۴۷}

”آنچه موجب دلگرمی مستمرّ این جمع می‌گردد این است که تا چه حدّ این ابتکارات فردی تحت نظم و انضباط است. جوامع بهائی در سراسر جهان به تدریج درس‌هایی را که از سیستماتیک بودن آموخته‌اند ملکهٔ ذهن خود می‌سازند و چارچوبی که سلسله نقشه‌های کنونی را توصیف نموده به مساعی احبّاً استمرار و انعطاف‌پذیری می‌بخشد. این چارچوب نه تنها محدودیتی برای احبّاً ایجاد نمی‌کند بلکه آنان را قادر می‌سازد تا از فرصت‌ها استفاده نمایند، در برقراری روابط کوشا باشند و تصویری از رشد سیستماتیک را به مرحلهٔ عمل درآورند. به این ترتیب این چارچوب به قدرت جمعی آنان شکل می‌بخشد.“^{۴۸}

شرکت شما در این دوره گویای آن است که شما با سلسله نقشه‌های جهانی کنونی که، همان‌طور که در بالا ذکر شده، چارچوبی را تعریف می‌کنند که اقدام در آن شکل می‌گیرد، به خوبی آشناید. ماهیت یک چارچوب — معنای آن، و اینکه چرا برای اقدام مستمرّ و پویا مهمّ است — موضوع کم‌اهمّیتی نمی‌باشد و مانند دیگر مواضع پیچیده، درک اهمّیت آن به مرور زمان بیشتر می‌شود. بدون شک کلمات و عبارات بسیاری وجود دارد، از جمله آنهایی که در زیر آمده‌اند، که با چارچوب تعیین شده توسط نقشه‌ها بطور نزدیکی مرتبط‌اند و هم‌اکنون جزئی از واژه‌های عادی شما شده‌اند. شاید مایل باشید چند واژهٔ دیگر به این لیست اضافه کنید.

قابلیت‌سازی، یادگیری، فرهنگ رشد، مشارکت، پیمودن یک مسیر خدمت، حمایت و مساعدت متقابل، پرورش منابع انسانی، تعلیم، تواندهی روحانی به نوجوانان، تربیت روحانی کودکان، گفتگوهای هدفمند، تولید و تعمیم دانش، انسجام، سیستماتیک، همراهی، تأمل.

حال با استفاده از کلمات و عبارات فوق، یکی دو پاراگراف بنویسید که دو سؤال زیر را پاسخ گوید:
به چه طریق یک چارچوب به قوای جمعی دوستان شکل می‌بخشد؟ معنی انجام اقدامات با روحیهٔ خاضعانهٔ یادگیری در چارچوب تعیین شده در سلسله نقشه‌های کنونی چیست؟

۲. اعتقاد راسخ فرد به اینکه کمک او به امر مبارک باید با کمک‌های دیگر بهائیان متفاوت و یا حتی مهم‌تر از آنها باشد: _____

۳. تعلق غیر ضروری به روشی که در سابق برای انجام امور دنبال می‌شد، تعلقی که موجب می‌شود تطبیق طرز تفکر و عمل با احتیاجات نقشه‌های جهانی را که الزاماً از مرحله‌ای به مرحلهٔ دیگر تغییر می‌کند، مشکل نماید: _____

۴. نوع ترسی که به فرد اجازه نمی‌دهد تا بدون خودآگاهی بیش از حد، در اقدامات جمعی مشارکت کند: _____

۵. اشتیاق شدید به شور و هیجان همراه با میل وافر به سرگرمی: _____

۶. بی‌تفاوتی و حس نومییدی‌ای که می‌تواند مثلاً ناشی از زندگی در یک محیط سرکوب‌گر باشد: _____

۷. سوء تعبیری از ابتکار فردی که سبب شود آزادی عمل با جواز عمل به آنچه دلخواه شخص است مشتبّه گردد: _____

۸. نگاهی از هم گسسته به عالم که انسان را از اندیشیدن و رای مساعی خود و تجسم نتایج اقدام متّحدانه باز می‌دارد: _____

۹. تأکید بیش از اندازه بر نیاز به تنوع و از یاد بردن اینکه در آثار بهائی "وحدت" در کثرت توصیه شده است:

۱۰. گرایش به اشتباه گرفتن وحدت فکر و وحدت عمل با یکنواختی:

۱۱. عدم اعتماد به مرجعیت و اختیار و نسبت به مؤسساتی که آن را اعمال می‌کنند، خصیصه‌ای که از تعامل فرد با اجتماع به داخل امر راه یافته و منجر به بی‌میلی نسبت به پیروی از هدایاتی شده است که به منزلهٔ دخالت در حق آزادی ارادهٔ فرد تلقی می‌شود:

۱۲. عادت انتقاد و اعتراض:

۱۳. تصویری از امر مبارک به عنوان عرصه‌ای برای فعالیت‌هایی که در وهلهٔ اول، هرچند با ظرافت، اهداف شخصی را پیش می‌برد:

۱۴. فرضی بی‌چون و چرا که طرز فکر و شیوهٔ عملی که در اجتماع امروز رواج دارد بخوبی مناسب احتیاجات جامعهٔ بهائی است و باید برای پیشبرد اهداف و مقاصد امر الله به کار گرفته شود:

۱۵. تأکید بیش از حد بر معلومات شخصی و فراموش کردن اینکه هرچند این معلومات با ارزش باشد به هیچ وجه نمی‌تواند با هدایات بیت العدل اعظم در مورد مشکلات و فرصت‌هایی که جامعه بهائی در سراسر عالم با آن مواجه است، قابل قیاس باشد:

بخش بیستم

مفهومی که باید هنگام اندیشیدن به کمک‌های خود به امر مبارک در نظر گرفته شود، مفهوم مشارکت عمومی است و باید در اینجا لحظه‌ای تأمل کرده آن را بررسی نماییم. اصل مشارکت عمومی، یکی از اصول اساسی امر مبارک است. مشارکت صمیمانه و بی قید و شرط هر یک از مؤمنین، جامعه بهائی را قوت می‌بخشد. بیت العدل اعظم در این خصوص چنین مرقوم نموده‌اند:

”سِرِّ واقعی مشارکت عمومی در منویاتی نهفته است که حضرت مولی‌الوری غالباً ابراز می‌فرمودند، یعنی یاران باید مفتون یکدیگر باشند، یکدیگر را دائماً تشویق کنند، با هم کار کنند، مانند یک روح در یک بدن باشند، و بدین ترتیب پیکری کامل، ارگانیک و سالم شوند که از روح تحرک و نورانیت می‌یابد. در چنین پیکری کلّ از خود موجود زنده صحت و نشاط کسب خواهند کرد و ریاحین و اثمار طیّبه به بار خواهد آمد.“^{۴۹}

به هیکل انسان فکر کنید. هیچ سلولی جدا از هیکل زندگی نمی‌کند. هر سلول به سلامت کلّ جسم کمک می‌کند و از آن قوت می‌گیرد. اینکه ما به عنوان یک جامعه این‌طور باهم متحد هستیم، برای ماهیت مشارکت ما در امور دیانت بهائی مقتضیاتی در بر دارد. در یک چنین هیکل متحدی سلامت هر فرد دغدغه عموم است و آسایش کلّ دغدغه هر فرد. به لیست زیر از کارهایی که یک فرد ممکن است انجام دهد نگاهی بیندازید. کدام یک از اینها به جامعه کمک می‌کند تا به سوی هدف مشارکت عمومی که بیت العدل اعظم در بیان فوق آن را تشریح فرموده‌اند، حرکت کند؟ آنها را علامت بگذارید.

_____ اجرای یک نقشه تبلیغی شخصی

_____ کمک به یک مؤمن جدید در اولین مساعی اش برای تبلیغ امر الله

نسخهٔ پیش از چاپ - نسخهٔ ۱.۲.۲.PP.PV - برای توزیع نیست

_____ تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امری

_____ کنجکاوی برای اینکه ببینند چه کس دیگری در تبرّعات شرکت می‌کند

_____ دنبال کردن یک برنامهٔ شخصی برای مطالعهٔ آثار امری

_____ ارائهٔ معلومات امری به دیگران ضمن ملاقات در منازل آنان

_____ تشکیل یک گروه کوچک برای مطالعهٔ آثار امری با یک دیگر

_____ تلاوت آیات الهی در هر صبح و شام

_____ شرکت در انتخابات بهائی

_____ رعایت احکام بهائی

_____ سرزدن به دیگر مؤمنین برای اینکه آنان احکام بهائی را اجرا کنند

_____ پند و اندرز دادن به یک دوست نزدیک که در رعایت موازین امری مشکل دارد

_____ خود را آماده کردن به عنوان شخصی در جامعه که می‌تواند در مورد زیستن به حیات

_____ بهائی به دیگران اندرز دهد

_____ چشم پوشی از عیوب دیگران

_____ بگردیم ببینیم چه کسی چه کاری می‌کند

_____ کنجکاوی در کار دیگران با نیت گزارش دادن هر مشکلی به محفل روحانی محلّی و یا

_____ عضو هیئت معاونت

_____ همواره در این فکر بودن که چرا دیگران به همان شدت و حدّتی که خود شخص

_____ خدمت می‌کند، به امر مبارک خدمت نمی‌کنند

_____ در این فکر بودن که چرا دیگران برای سؤال کردن، به او که این قدر اطلاعات امری

_____ دارد مراجعه نمی‌کنند

_____ تشکیل جلسهٔ دعا و مناجات در منزل خود

_____ حضور در ضیافت نوزده روزه

_____ مشارکت در بخش شور و مشورت ضیافت نوزده روزه

_____ شرکت در جلسهٔ تأمل و بازنگری در محدودهٔ جغرافیایی و مشارکت در مشاورات آن

_____ شرکت در فعالیت‌های تبلیغی گروهی تحت هدایت مؤسسات امری

_____ وظیفهٔ خود دانستن که برنامه‌ای برای جامعه بر اساس آنچه فکر می‌کند مورد نیاز است

طرح نماید و آن را در بین احبّاء ترویج دهد

_____ ایجاد یک وبلاگ و یا خبرنامهٔ شخصی برای ابراز نگرانی‌های خود در بارهٔ جامعه

_____ ارسال ایمیلی عمومی به دیگر احبّاء و ابراز نگرانی‌های خود در بارهٔ جامعه

بخش بیست و یکم

وقتی که به اصل بسیار مهمّ مشارکت عمومی می‌اندیشیم، باید اصل دیگری را نیز که به همان اندازه حائز اهمیت است مدّ نظر داشته باشیم. گرچه امر مبارک عاری از هرگونه طبقه یا رستهٔ خاصی از احبّاء است که بتوان آنان را به طبقهٔ روحانیون تشبیه کرد و امورش مربوط به تک‌تک افراد بهائی است و لکن این نیز صحیح است که دیانت بهایی دارای مؤسّساتی است که هر یک از ما ممکن است به خدمت در آنها فرا خوانده شویم، مؤسّساتی که از طریق آنها مساعی ما تنظیم و هم‌آهنگ می‌گردد. در اشاره به وظایف و مسئولیت‌هایی که به ما به عنوان افراد بهائی موكول شده و آنهایی که به عهدهٔ مؤسّسات امری واگذار گردیده، بیت العدل اعظم می‌فرماید:

”به این ترتیب احبّای عزیز درمی‌یابند که ‘عواطف و احساسات فراوان و حسن نیت و کوشش بسیار‘ اگر در مجاری صحیح جریان نیابد، فواید محدودی خواهد داشت، ‘آزادی بی قید و بند فردی باید با مشورت دوطرفه و فداکاری تعدیل گردد‘، و ‘روحیهٔ ابتکار و عمل باید با درکی عمیق‌تر از ضرورت هماهنگی اقدامات و تعهدی کامل‌تر نسبت به خیر و مصلحت عموم، تقویت گردد.‘ و بدین ترتیب همگی می‌توانند میادین فعالیتی را که فرد می‌تواند از آن طریق به بهترین

وجه ابتکار شخصی خود را نشان دهد از کارهایی که فقط مربوط به مؤسّسات امری است به آسانی تشخیص دهند. همان‌طور که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند احباً 'به جان و دل' اوامر مؤسّساتشان را اطاعت می‌کنند تا 'امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند.' البته این اطاعت، کورکورانه نیست بلکه اطاعتی است که حاکی از ظهور بلوغ نوع انسان است، انسانی که به مقتضیات یک نظام به وسعت و عظمت نظم بدیع جهانی حضرت بهاء‌الله پی برده است.^{۵۰}

در جایی دیگر، بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند:

”بدین ترتیب با هدایت مؤسّسات و نهادهای امری که در سطوح مختلف انجام وظیفه می‌کنند، کوشش احباً، هرچند در سطح فردی مختصر باشد، در یک کوشش جمعی ادغام می‌گردد تا استعداد روحانی برای پذیرش ندای جمال مبارک به سرعت شناسایی شود و به نحوی مؤثر پرورش یابد.“^{۵۱}

بیانات فوق ما را بر آن می‌دارد تا در بارهٔ فرق بین فعالیت‌هایی که توسط فرد انجام می‌شود و مجهودات مؤسّسات امری تأمل نماییم. این بیانات به همان ترتیب به ما مدد می‌رساند تا متوجه شویم که در هر برهه از زمان، آنچه مشغلهٔ مؤسّسات امری است، اساساً با آنچه باید مورد توجه کلّ احباً باشد، متفاوت نیست. در واقع، گرچه هر یک متمایز از دیگری است فعالیت یکی در پرتو فعالیت دیگری معنی می‌گیرد. یک تمرین ممکن است بتواند ماهیت این تمایز را روشن سازد. به هر جفت از جملات زیر نظر نمایید. کدام بیان در هر جفت به نظر می‌رسد که اصل تصریح شده در بیان فوق را منعکس می‌کند، و کدام یک ممکن است عکس واقعیت را بیان کند و یا حتی مخالف مصالح امر مبارک باشد؟ به ترتیب آنها را با «ب» و «ع» علامت بگذارید. تنها چند مثال از موقعیت‌های بسیاری که ممکن است پیش بیاید، برای روشن شدن مطلب در اینجا ذکر شده است.

ا. نظر به اینکه صیانت امر الله دغدغهٔ هر فرد بهائی است، اگر شخصی در موقعیتی باشد که بتواند با اولیای امور و افراد با نفوذ تماس حاصل کند و از آنان بخواهد تا به دفاع از بهائیان ساکن کشورهای که با تعرض رو به رو هستند قیام کنند، باید از این فرصت استفاده نماید. □ ب □ ع

ب. تماس با مسئولین حکومتی و با افراد صاحب نفوذ و دفاع از بهائیان در کشورهای که با تعرض رو به رو هستند، نیاز به هماهنگی و نظارت

دارد، و هر دو مسئولیت‌هایی هستند که صرفاً به عهدهٔ مؤسسات امری گذاشته شده است؛ افراد می‌توانند در این مورد پیشنهادات و منابع خود را ارائه دهند و یا شاید هم هر از چندی از آنان خواسته شود تا اقدام خاصی انجام دهند، ولی تصمیم‌گیری در مورد اقدامی که باید پیگیری شود به عهدهٔ مؤسسات است.

□ ب □ ع

ا. ارائهٔ اطلاعاتی که فرد از طریق مطالعه و عمل به دست آورده است جزء لایتجزای زندگی‌ای است که وقف خدمت به امر شده است. شایسته است که فردی که دارای اطلاعات وسیعی از آثار بهائی است یک برنامهٔ آموزشی برای احبّاً تهیه نماید و آن را از طریق اینترنت به جامعهٔ منطقه‌ای، ملی و یا حتی بین‌المللی ارائه دهد.

□ ب □ ع

ب. فرایندهای آموزشی در جامعهٔ بهائی تحت هدایت مؤسسات امری بسط می‌یابد که از افراد دعوت می‌نمایند تا به این فرایندها کمک کنند.

□ ب □ ع

ا. هر فردی از احبّاء باید استعدادها و منابع خود را هر وقت که فرصت اجازه دهد، وقف امر نماید. یکی از خدمات مهمی که هرکس که دارای مهارت‌های لازم است می‌تواند انجام دهد، ایجاد یک وبسایت به عنوان یک مجهود شخصی است که تعالیم امری را به عموم ارائه می‌دهد، همانگونه که سایت‌های رسمی بهائی این کار را می‌کنند.

□ ب □ ع

ب. حضور جامعهٔ بهائی در اینترنت مستلزم وجود تعدادی سایت‌های رسمی امری است که نمای جامعی از اعتقادات بهائی، مروری کلی بر آثار، و معرفی نقشه‌ها و فعالیت‌های جامعه را ارائه می‌نمایند. افراد احبّاء که مهارت‌ها و تمایلات لازم را دارند باید از جوّ ایجاد شده به وسیلهٔ اینترنت استفاده نمایند تا افکار و بینش‌های ملهم از اعتقادشان را، مثلاً از طریق وبسایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی و شرکت در تالارهای گفتگو، با دیگران در میان بگذارند. این کار باید به نحوی انجام شود که به هیچ وجه این گمان را به وجود نیاورد که آنچه ارائه شده نظر رسمی جامعهٔ بهائی است.

□ ب □ ع

۱. آثار دیانت بهائی از ما دعوت می‌کنند که نه تنها به امر مبارک بلکه به همهٔ نوع بشر خدمت کنیم. خدمتی که هر فرد مؤمنی می‌تواند انجام دهد این است که، با نادیده گرفتن خطوط عملی که مؤسّسات امری در آنجا ترویج می‌کنند، برنامه‌ای طرح نماید که احساس می‌کند نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم یک محدودهٔ جغرافیایی یا منطقه را برآورده می‌سازد و یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی به وجود آورد تا طرح خود را به اجرا گذارد.

□ ب □ ع

ب. نیازهای مادی ساکنان یک محدودهٔ جغرافیایی یا یک منطقه نباید جدا از فرایندی که برای تأمین نیازهای روحانی آنجا در حال اجراست در نظر گرفته شود. بنابراین، هر اقدام اجتماعی باید بطور طبیعی از بطن یک کوشش مداوم برای ایجاد قابلیت‌های فردی و جمعی در یک منطقه سرچشمه بگیرد تا موجد رفاه مادی و معنوی گردد و باید به صورت ارگانیک تحت هدایت اخلاقی مؤسّسات امری توسعه یابد؛ شاید به مرور زمان به سازمانی ملهم از تعالیم بهائی تبدیل گردد، ولی نه لزوماً.

□ ب □ ع

۱. تمام نوع بشر باید به کلام الهی دسترسی داشته باشد و اگر فردی از احبّاء منابع مالی لازم را در اختیار دارد، یکی از خدماتی که می‌تواند ارائه دهد این است که یک سازمان مستقلّ به وجود آورد و افرادی را برای تهیه و انتشار ترجمهٔ آثار امری به زبان محلی استخدام کند، و بدین طریق به فرارسیدن روزی که پیام حضرت بهاءالله بتواند در دسترس همهٔ جهانیان باشد، سرعت بخشد.

□ ب □ ع

ب. ارزیابی نیاز جامعه به ترجمهٔ نصوص مبارکه‌ای که باید انتشار یابد از اختیارات مؤسّسات امری است. البته مؤسّسات ممکن است در مواردی خاصّ برای کمک به جنبه‌های ترجمه و یا انتشار آثار امری به افراد واجد صلاحیت مراجعه نمایند و یا ممکن است اختیار نشر برخی از آثار را به دفاتر ویژه‌ای احاله کنند. به همین منوال از افراد احبّاء استقبال می‌شود که کمک‌های خود را، از جمله کمک‌های مالی، برای پیشبرد کارهای مربوط به ترجمه و انتشار تقدیم نمایند.

□ ب □ ع

بخش بیست و دوم

تأمل ما بر این موضوع که چگونه مؤسسهٔ مشاورین با کلّ احباء ارتباط دارد، بحثی راجع به چندین سؤال بسیار مرتبط با هم را گشود: چگونه یک چارچوب جمعی به اقدامات فردی ما معنی می‌بخشد، چگونه اصل مشارکت عمومی در کارهای امری اعمال می‌شود و چگونه مساعی ما به عنوان افراد به کلّ کمک می‌کند و به عرصه‌ای از اقدام مربوط می‌شود که مخصوص مؤسّسات است. با پژوهش این موضوع، مشاهده کرده‌ایم که بیت العدل اعظم با چه دقتی توسعهٔ ارتباط بین فرد و مؤسّسات امری را هدایت می‌فرماید بخصوص با مؤسسهٔ مشاورین. با توجه به این مطالب، بیایید به موضوع دوم از سه موضوعی که در اینجا بررسی می‌کنیم، پردازیم - کمک مؤسسهٔ مشاورین به فرایندهای مشورتی در جامعه.

می‌دانیم که تصمیم‌گیری در جامعهٔ بهائی بر اصل مشورت استوار است. این اصل در کلیهٔ جوانب زندگی اجتماعی ما جلوه‌گر می‌گردد - مثلاً در جلسهٔ محفل روحانی و ضیافت نوزده‌روزه، در جلسات تأمل و بازنگری محدوده‌های جغرافیایی، و در میان گروه‌های کوچک احباء. البته مؤسسهٔ مشاورین که از سطح بین‌المللی تا مردمی عمل می‌کند، همواره در همهٔ فضاها گوناگونی که حیات جامعه را شکل می‌دهد حضور دارد و بُعد دیگری را به مشورت‌های جاری می‌افزاید و این مؤسسه را قادر می‌سازد تا اثرات تهذیب‌کنندهٔ خود را در سراسر عالم بهائی به کار برد. در سند "مؤسسهٔ مشاورین"، بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند:

"مشاورین موظفند ترویج و تحکیم امرالله را در هر قاره تقویت نموده حیات بهائی را از جهات روحانی، عقلانی و اجتماعی ارتقا دهند. سلامت روحانی جامعه و اشتعال و ایمان افراد، تقویت شالوده‌های حیات خانواده، و مطالعهٔ تعالیم مبارکه مورد توجه خاص مشاورین و نفوسی است که برای معاضدت آنان دعوت می‌شوند. هم‌چنین آنان به تقویت توان‌مندی احبا و مؤسّسات امری به منظور طرح نقشه‌های سیستماتیک برای اقدام، اجرای فعالانهٔ آنها، و یادگیری از تجربیات حاصله در مسیر بنای مدنیت جهانی مورد نظر حضرت بهاءالله می‌پردازند. در این بستر، ترویج فرهنگ رشد در جامعهٔ بهائی بخش اساسی کار مشاورین است."^{۵۲}

این بیان به این معنی است که با مشارکت در جوانب گوناگون حیات جامعه و فرایندهای مشورتی که جزء لاینفک آنها است، مشاورین و معاونین آنان می‌کوشند تا:

- ترویج _____ در هر قاره تقویت نمایند.

- از جهات _____ ارتقاء دهند.

- سلامت _____ مورد
توجه خاص قرار دهند.

- به تقویت توانمندی احبّا و مؤسسات امری _____
بپردازند.

بیان فوق شمه‌ای از اهمّیت و وسعت دامنه خدمات مشاورین و معاونین آنها در فرایندهای حیات جامعه بهائی را در اختیار ما می‌گذارد. حال بیاید تمرکز خود را محدود کنیم و نگاهی مختصر به یکی از جوانب این خدمات حیاتی بیندازیم.

توجه مؤسسه مشاورین به ”یادگیری“ است که قابلیت احبّا و مؤسسات امری برای ”یادگیری از تجارب“ حاصله طی مساعی شان برای بنای مدنیت جهانی توصیف شده در آثار بهائی را نیز شامل می‌گردد. در این زمینه، بیت العدل اعظم در بیانی که در بالا بازگوشد می‌فرمایند که ”ترویج فرهنگ رشد“ از اصول کار مشاورین می‌باشد. ”قابلیت‌سازی“، ”یادگیری“ و ”فرهنگ رشد“ همه مفاهیمی هستند که در گفتمان بهائی بکرات ظاهر می‌شود. در حقیقت از جمله کلمات و عباراتی هستند که با چارچوبی که توسط نقشه‌های جهانی امر مبارک برقرار شده مرتبط‌اند و آنها را در بخش ۱۸ بررسی کردیم. با اشاره به مؤسسه مشاورین در این مورد، بیت العدل اعظم می‌فرمایند:

”یکی از منابعی که از طرف دارالتبلیغ بین‌المللی به مشاورین و از طریق آنان به تمام جامعه بهائی ارائه می‌شود، گنجینه فزاینده‌ای از حکمت حاصله از تجربه است، تجربه یک جامعه بسیار متنوع که هدفش تأسیس مدنیتی جدید می‌باشد. دارالتبلیغ از طریق شبکه مشاورین، اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدین می‌تواند تأثیر مجهودات فردی و جمعی را مشاهده نماید، روش‌ها و رویکردهای آن مجهودات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، و نتیجه‌گیری‌های حاصله را در فرایندهای رشد سیستماتیک امر الهی به کار بندد. به این ترتیب با داشتن مؤسسه مشاورین، صاحب نظامی هستیم که از طریق آن می‌توان درس‌ها و تجربیاتی را که در اقصی نقاط عالم آموخته شده، در اختیار کلیه احبّا قرار داد، تا مشاورات غنی گردد، آزمون تشویق شود و اعتماد به موفقیّت عالم بهائی در مشروع عظیمی که بدان مشغول است افزایش یابد.“^{۵۳}

در بیان بالا، بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند که چگونه ساختاری که توسط مشاورین، اعضای هیئت معاونت و مساعدین ارائه شده، دارالتبلیغ بین‌المللی را قادر می‌سازد تا تجربیات را سیستماتیک نماید و اطلاعات را منتشر کند. معنای این چیست که در مؤسسه مشاورین سیستمی وجود دارد که از طریق آن

درس‌هایی را که در اقصی نقاط دنیا آموخته شده است می‌توان با تمامی جامعه در میان نهاد؟ شما در زندگی خود به عنوان یک بهائی حتماً اثرات این سیستم را احساس کرده‌اید. آیا می‌توانید چند کلمه‌ای در مورد اینکه چگونه اقدامات مؤسسهٔ مشاورین، مثلاً بر کیفیت مشارکت شما در نقشهٔ فعلی مؤثر بوده است، بیان کنید؟

بخش بیست و سوم

حال توجه خود را به ماهیت رابطهٔ بین محافل روحانی و مشاورین قاره‌ای و معاونین معطوف می‌کنیم — سومین موضوع از این واحد که مختص هدایاتی است که بیت العدل اعظم برای توسعهٔ مؤسسهٔ مشاورین ارائه نموده‌اند.

در واحد گذشته، از آثار حضرت ولی امرالله در مورد اینکه چگونه محافل روحانی و نهادهای آنها به یکدیگر مرتبط اند کسب بینش کردیم. در آنجا دیدیم که چگونه در هر جنبه از رابطه‌ای که یک مؤسسه نظم اداری را با دیگری پیوند می‌دهد، روح تعامل و اعتماد متقابل رسوخ نموده است. مرجعیتی که به هر کدام اعطا شده و یا میزان نفوذی که هر یک بکار می‌برد، با دایره اقدامات و مسئولیت‌هایی که به آن محول شده متناسب است. نفاق و بیگانگی در این رابطه وجود ندارد. وفاداری نسبت به کل، و نسبت به هدف متعالی‌تر عبودیت حضرت بهاءالله، هر عضوی از اعضای هر یک از مؤسسات را حیات می‌بخشد.

هم‌چنان که حضرت ولی امرالله به احباً کمک می‌کردند که در عمل مشاهده کنند که محافل روحانی ملی و محافل روحانی محلی و نیز لجنات و دفاتر آنها چگونه باید مانند یک کلیت جمعی عمل کنند، رفته‌رفته رابطه‌ای که آن حضرت توصیف فرموده بودند بهتر درک می‌شد. با تأسیس هیئت مشاورین قاره‌ای در سال ۱۹۶۸، بیت العدل اعظم روند مشابهی را آغاز نمودند که از طریق آن ماهیت رابطه بین محافل روحانی و مؤسسه مشاورین به تدریج واضح‌تر شده است. در سند "مؤسسه مشاورین"، این رابطه بطور کلی تشریح شده است:

"دو مؤسسه مشاورین و محافل روحانی هر یک با اجرای نقش خاص خود در ایفای مسئولیت صیانت و ترویج امرالله سهیم‌اند. تعامل هماهنگ بین این دو مؤسسه، موجب سرپا ماندن مداوم هدایت و تشویق و محبت به احباً گردیده مجهودات فردی و جمعی آنان را در ترقی و تقدّم امر مبارک تقویت می‌نماید. اهمیت این چنین تعاملی از بیانات حضرت ولی مقدّس امرالله، در تلگرام مورّخ ۴ ژوئن ۱۹۵۷ که در آن زمان به حضرات ایادی امرالله و محافل روحانی ملی اشاره فرموده‌اند درک می‌گردد: 'صیانت امر اعزّابهی، حفظ سلامت روحانی جوامع بهائی و اشتعال و ایمان فرد فرد اعضای آن، انجام وظیفه صحیح مؤسسات بهائی که با زحمت بسیار بنا نهاده شده‌اند، اكمال مشروعات جهانی و تحقّق سرنوشت محتوم امر الهی، همه و همه بستگی مستقیم به ایفای شایسته مسئولیت‌های سنگینی دارد که اکنون بر عهده اعضای این دو مؤسسه می‌باشد.'"^{۵۴} (ترجمه)

و سپس در همان سند می‌خوانیم:

"رابطه هیئت‌های مشاورین قاره‌ای با محافل روحانی ملی یک همکاری محبت‌آمیز بین دو مؤسسه امر مبارک است، مؤسساتی که هر دو برای مقاصد مشابهی خدمت می‌کنند و مشتاق‌اند که نزول تأییدات الهیه را بر مساعی احبّاً در ترویج و استقرار مستحکم امرالله مشاهده نمایند. این رابطه

رابطه‌ای در حال تکامل است که این دو مؤسسه هر چه بیشتر با چالش بنای جوامع بهائی مواجه گردند و در کمال مباهات ترقی و تقدّم امر الهی را مشاهده نمایند، از غنای بیشتری برخوردار می‌گردند...

”روابط و طرز برخورد مشاورین و محافل روحانی ملی با یکدیگر ناشی از کاربرد قانونی مقررات مربوط به روابط کاری آنها نیست. ایفای مسئولیت‌های مشترک آنها تنها در چارچوب فرایض روحانی‌ای که لازمه تمام روابط موفقیت‌آمیز بهائی است امکان پذیر می‌شود. همکاری‌های این دو مؤسسه در فضایی محبت‌آمیز و با رعایت مراتب احترام واقعی شکوفا می‌گردد. تذکر حضرت بهاء‌الله در این مورد بسیار آموزنده است که می‌فرمایند ’لا تسقطوا منزلة العلماء فی البهَاء و لا تصغروا قدر من يعدل بینکم من الأمراء‘“^{۵۵} (مضمون: منزلت علمای امر را پائین نبرید و قدر امرائی را که بین شما به عدالت می‌پردازند کوچک نکنید).

جملات زیر را بر اساس بیانات بالا کامل کنید:

۱. دو مؤسسه مشاورین و محافل روحانی هر یک با اجرای نقش خاص خود در ایفای مسئولیت _____ سهم‌اند.
۲. تعامل هماهنگ بین این دو مؤسسه _____
مجهودات فردی و جمعی _____ تقویت می‌نماید.
۳. رابطه هیئت‌های مشاورین قاره‌ای با محافل روحانی ملی یک _____ بین دو مؤسسه
امر مبارک است، مؤسساتی که هر دو _____ و مشتاق‌اند _____.
۴. رابطه هیئت‌های مشاورین قاره‌ای با محافل روحانی ملی . . . رابطه‌ای در حال تکامل است که هر
چه _____ مواجه گردند و _____ مباهات _____
مشاهده نمایند.
۵. طرز برخورد مشاورین و محافل روحانی ملی با یکدیگر ناشی از _____
_____ نیست.

۶. ایفای مسئولیت‌های مشترک آنها تنها در _____ امکان پذیر می‌شود.

۷. همکاری‌های این دو مؤسسه _____ و با رعایت _____ شکوفا می‌گردد.

با اشاره به روابط متقابل بین دو مؤسسه مشاورین و محافل روحانی، بیت العدل اعظم در بیان فوق تلگرافی از حضرت ولی‌امرالله را بازگو نموده‌اند که در سال ۱۹۵۷ مرقوم گردید. متن آن بیان شکی باقی نمی‌گذارد که هرکدام از موارد زیر بستگی به اجرای صحیح مسئولیت‌هایی دارد که بر دوش اعضای این دو مؤسسه است:

- حفاظت از _____
- سلامت روحانی _____
- پویائی _____
- کارکرد صحیح _____
- به ثمر رسیدن _____
- تحقق _____

بخش بیست و چهارم

در اینجا، بحث راجع به مؤسسه مشاورین را خاتمه می‌دهیم. توسعه این مؤسسه نمونه‌ای از معنای تکامل نظم اداری بهائی تحت هدایت بیت العدل اعظم را به ما ارائه می‌کند. اگر به چند دهه گذشته نظری بیاندازیم، مسلماً می‌توانیم چندین مثال دیگر نیز به خاطر بیاوریم.

به عنوان مثال، در ماه دسامبر ۱۹۹۵، بیت العدل اعظم دعوت به تأسیس شبکه‌ای از مؤسسات آموزشی در سراسر جهان نمودند و همچنین ماهیت روابط بین مشاورین و محافل را مشخص تر کردند. بیت العدل اعظم در آن وقت اشاره نمودند که مؤسسه آموزشی یکی از نهادهای محفل روحانی ملی محسوب

خواهد شد ولی با این وجود به نحوی در ساختار نظم اداری امرالله جای خواهد گرفت که محافل و مشاورین بتوانند در سطحی بسیار نزدیک با یکدیگر همکاری نمایند تا مسئولیت‌های آموزشی خود را در قبال جمع مؤمنین ادا نمایند:

”برای آنکه جنبش جدید در جهت تأسیس مؤسسات آموزشی با موفقیت همراه باشد مشارکت فعالانه مشاورین و اعضای هیئت‌های معاونت در امور آنها ضروری است. این مشارکت، مشاورین را مدد خواهد کرد که ’نیران محبة الله‘ را ’بین الظلوع و الاحشاء من عباد الله‘ برافروزند، سبب ’نشر نفحات الله‘ گردند و به ’تقدیس و تنزیه‘ و ’تربیت نفوس‘ و ’تحسین اخلاق عموم‘ پردازند. این مؤسسات آموزشی برای مشاورین و اعضای هیئت معاونت — علاوه بر امکانات موجود نظیر کنفرانس‌ها، مدارس تابستانی و جلسات ملاقات — دسترسی مستقیم به وسیله‌ای رسمی برای آموزش و پرورش احباً را فراهم خواهند ساخت. مؤسسات آموزشی را باید مراکز یادگیری به شمار آورد و از آنجایی که ماهیت آنها با وظایف آموزشی اعضای هیئت‌های معاونت متجانس است و فرصت ایفای این وظایف را برایشان فراهم می‌سازد، مقرر داشته‌ایم که مشارکت نزدیک در فعالیت‌های مؤسسه آموزشی اکنون باید جزئی از وظایف در حال تکوین این خادمان امرالله محسوب شود.“^{۵۶}

یک مثال دیگر اینست که در سال ۱۹۹۷، عنصر جدیدی از تشکیلات بهائی که در سطحی مابین محلی و ملی عمل می‌نماید و متشکل از نوع ویژه‌ای از مؤسسات است تحت عنوان ”شورای منطقه‌ای بهائی“ رسماً به وجود آمد. برای روشن نمودن ”جایگاه آن... در تکامل مؤسسات ملی و محلی بهائی“، بیت العدل اعظم فرمودند ”یکی از خصایص دقیق نظم اداری بهائی همانا توازن بین تمرکزگرایی و تمرکززدایی است.“ بیت العدل اعظم اظهار داشتند که تأسیس شوراهای منطقه‌ای بهائی ”توانائی نظم اداری را برای پرداختن به اوضاع پیچیده‌ای که تعدادی از کشورها در حال حاضر با آن مواجه هستند به مراتب افزایش“^{۵۷} خواهد داد.

توسعه شوراهای منطقه‌ای در یک کشور ”ازدیاد متقابل قابلیت خود محفل روحانی ملی را ایجاب می‌کند تا از آنچه در تمام قسمت‌های سرزمین تحت اشراف نهائی خود می‌گذرد کاملاً اطلاع داشته باشد.“^{۵۸} هم‌چنان که قابلیت مؤسسات در سطوح ملی و منطقه‌ای تقویت می‌گردید، ”نواحی جغرافیائی کوچک‌تر“ که حال به اسم ”محدوده جغرافیائی“ نامیده می‌شوند، اولین بار در سال ۲۰۰۱ توسط بیت العدل اعظم معرفی شدند نیز کانون توجه گردیدند. بدین ترتیب به تدریج ساختار اداری ترویج و تحکیم امر مبارک در سطح مردمی جامعه، که در دوران قیادت حضرت ولی‌امرالله فقط بطور اجمالی طرح‌ریزی شده بود، تحت هدایت بیت العدل اعظم در حال شکل‌گیری بوده است. مثلاً در سال ۲۰۱۱ چنین مرقوم نمودند:

”در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی که نیازمندی‌های رشد در مقیاس وسیع نمایان می‌شود، باید حمایت بیشتری از هر مرحله از فرایند آموزشی که مؤسسه آموزشی آن را ترویج می‌کند به عمل آید. کار هماهنگ‌کننده باید با کمک تعداد فزاینده‌ای از افراد مجرب تقویت شود و جلسات مخصوص تبادل اطلاعات و بینش‌ها باید مرتباً و با رویکردی منظم‌تر تشکیل گردد. همچنین باید هرچندگاه موقعیت‌هایی ادواری فراهم آورد تا سه هماهنگ‌کننده‌ای که از طرف مؤسسه آموزشی منصوب شده‌اند - یا در صورت لزوم گروه‌هایی از هماهنگ‌کنندگان که مسئول حلقه‌های مطالعه، گروه‌های نوجوانان و کلاس‌های کودکان هستند - با هم به بررسی توانایی تمامی فرایند آموزشی پردازند و به نوبه خود مرتباً با لجنة تبلیغ ناحیه‌ای ملاقات نمایند. به علاوه اگر قرار است اطلاعات و هدایات لازم و کمک‌های مالی بسیار ضروری به میزان کافی به محدوده جغرافیایی برسد هیئت مدیره مؤسسه آموزشی بایستی به موازات فعالیت‌های فوق یک سلسله اقدامات به عمل آورد تا کارکرد مؤسسه در سطح منطقه‌ای بهبود یابد. وقتی که یک چنین طرح سنجیده‌ای برای هماهنگ‌سازی به اجرا در آید اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان قادر خواهند بود همه فعالیت‌ها را حتی به نحو مؤثرتری حمایت نمایند.“^{۵۹}

برای اینکه مثال دیگری ذکر کنیم، در سال ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم تصمیم گرفتند که وقت برای ”تأسیس هیئت بین‌المللی امناء حقوق الله برای سرپرستی هیئت‌های ملی و ناحیه‌ای امناء حقوق الله در سراسر عالم فرا رسیده است.“ بیت العدل اعظم توضیح دادند که ”این هیئت در انجام وظایف خویش با امین برگزیده حقوق الله، ایادی عزیز امرالله جناب دکتر علیمحمد ورفا، همکاری نزدیک خواهد داشت و از دانش و بینش ایشان بهره‌مند خواهد گردید.“^{۶۰} پس از صعود ایشان در سال ۲۰۰۷، فعالیت مؤسسه حقوق الله تحت نظارت هیئت بین‌المللی به ازدیاد توان و پویایی خود ادامه داده است.

بخش بیست و پنجم

تمرکز بر روی هریک از عناصر متعدد نظم اداری و بحث پیرامون اینکه تکامل هر یک چگونه به وسیله بیت العدل اعظم هدایت شده است، برآستی کاری دشوار خواهد بود. اگرچه تفحص ما از توسعه مؤسسه مشاورین مسلماً کامل نبود، اما همراه با مثال‌هایی که به طور مختصر در بخش قبلی آمده بود، به ما کمک نموده است تا شمه‌ای از وسعت دست‌آوردهای آن مؤسسه - از جمله قابلیت‌های تشکیلاتی ایجاد شده، روابط برقرار شده، فرایندهای به حرکت درآمده، و میزان پیچیدگی اداری کسب شده - حتی در خلال

مدت نسبتاً کوتاه اولین پنجاه سال به وجود آمدن آن را درک نماییم، هیئتی که به فرموده حضرت ولی امرالله "بها تتحقق آمال اهل البهَاء بها تستحکم دعائم الأمر علی وجه الغبراء بها تظهر خفیاته و تتجلی آثاره و تتموج ریاته و تسطع انواره علی الخلائق اجمعین." (مضمون: به وسیله آن آمال اهل بهاء تحقق خواهد یافت، اساس امرالله بر روی زمین مستحکم خواهد شد، قوای مکنونه آن ظاهر خواهد گشت، آثار آن جلوه‌گر خواهد شد، رایت آن به اهتزاز در خواهد آمد، و نور آن بر جمیع مخلوقات خواهد درخشید.)

قبل از ترک این موضوع، ضروری به نظر می‌رسد که توسعه نظم اداری را در بستر وسیع تری از پیشرفت امر مبارک بررسی کنیم. برای اینکه آنچه را که بیت العدل اعظم در این خصوص انجام داده‌اند و آنچه را که نسل‌های آتی بطور حتم شاهد انجام آن در آینده خواهند بود درک کنیم، باید بر این موضوع تأمل نماییم که تا چه حد نظم اداری برای امر حضرت بهاءالله ضروری است. تشکیلات اداری امری جزئی ضروری از مجموعه‌ای منسجم یعنی حیات جامعه بهائی است. حضرت ولی امرالله در این خصوص چنین توضیح فرموده‌اند:

"تفکیک اصول اداری امرالله از تعالیم صرفاً روحانی و انسان‌دوستانه این آئین به منزله ناقص کردن پیکر امر الهی است، تفکیکی که فقط می‌تواند به از هم پاشیدن اجزاء مرکبه آن و اضمحلال اساس امرالله منجر شود."^{۶۱}

جامعه بهائی یک جامعه سازمان‌یافته است. این جامعه صرفاً متشکل از یک گروه از افراد متعهد نیست که با هماهنگی و محبت با یکدیگر در حال کارند، بلکه توسط مؤسساتی اداره می‌شود که طوری طرح ریزی شده‌اند تا به ایفای وظایف خاصی پردازند که انرژی اعضای جامعه را جهت می‌دهد. وجود اصول اداری‌ای که با تعالیم روحانی کاملاً منسجم است، به جامعه قدرت می‌بخشد. برای اینکه بصیرت بیشتری در ماهیت این انسجام کسب نمایید، به شما توصیه می‌کنیم که تمرین زیر را انجام دهید. ابتدا لیست زیر شامل برخی از تعالیم روحانی و بشردوستانه مقتبس از آثار امری را بخوانید:

ا. "لا قوه الا بالاتحاد ولا خیر ولا سلامه الا بالمشورة" (مضمون: قوه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر با اتحاد و خیر و صلاحی نمی‌تواند حاصل شود مگر به مشورت)

ب. "غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند"

ج. "غافلترین عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر برادر خود تفوق جوید"

د. "انّ الانسان مرّة يرفعه الخضوع الى سماء العزّة و الاقْتدار و اخرى ينزله الغرور الى اسفل مقام الدّلة و الانكسار" (مضمون: انسان را یک بار خضوع به آسمان عزّت و اقتدار می‌رساند و بار دیگر غرور او را به پائین‌ترین درجات ذلّت و سرشکستگی می‌کشاند)

ه. "هل عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ وَاحِدٍ لَيْلًا يَفْتَخِرُ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ" (مضمون: آیا درک کرده‌اید که چرا شما را از یک خاک خلق کردیم، برای اینکه فردی بر فرد دیگر فخرفروشی نکند)

و. "كَلِمَةُ اللَّهِ فِي وَرْقٍ شَشْمٍ مِنْ فَرْدُوسٍ أَعْلَى سِرَاجِ عِبَادٍ دَادَ اسْتِ أَوْ رَا بِيَادِهِ مَخَالَفَ ظَلَمٍ وَ اعْتِسَافَ خَامُوشٍ مَنَّمَايِدٍ وَ مَقْصُودٍ مِنْ ظُهُورِ اتِّحَادٍ اسْتِ بَيْنَ عِبَادٍ"

ز. "آنچه سبب ائتلاف و تجاذب و اتحاد بین عموم بشر است حیات عالم انسانیت و آنچه سبب اختلاف و تنافر و تباعد است علت ممت نوع بشر است"

ح. "مَنْ فِي النِّعْمَةِ مُنْفَقًا وَ فِي فَقْدِهَا شَاكِرًا" (مضمون: در نعمت انفاق کن و در فقدان آن شاکر باش)

ط. "همه باریک‌دارید و برگ یکشاخسار"

ی. "لَا نِ الْاَللّٰهُ كَتَبَ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِيغَ اَمْرِهِ وَ جَعَلَهُ اَفْضَلَ الْاَعْمَالِ" (مضمون: براستی خداوند تبلیغ امرش را بر کل امر فرموده و آن را شایسته‌ترین کار قرار داده است)

ک. "قَرِيْبَتِ الْهَيْبَةِ بِهٖ اِنْفَاقِ جَانٍ وَ مَالٍ وَ عَزَّتِ وَ مَنَصَّبِ اسْتِ."

ل. "چون حقیقت یکیست تعدّد قبول نمی‌کند لهذا افکار مختلفه منتهی ب فکر واحد گردد."

م. "حیات خویش را فدای یکدیگر نمایید و مصلحت عموم را بر مصلحت خویش ترجیح دهید." (ترجمه)

حال به اصول اداری زیر نگاه کنید. برای هر کدام یک یا چند فقره از تعالیم روحانی‌ای را که بدان مربوط می‌شود، مشخص نمایید. شاید مایل باشید به برخی دیگر از تعالیم روحانی غیر از موارد بالا نیز فکر کنید.

از شخصیت‌ها نباید محورهایی ساخت که جامعه حول آنها بچرخد.

هیچ یک از احباء حائز مقامی نیست که او را خارج و یا بالاتر از حیطة اختیارات مؤسّسات امری قرار دهد.

تصمیم‌گیری جمعی باید از طریق فرایند مشورت از دیدگاه‌های متنوع بهره‌مند گردد.

اعضای مؤسّسات باید به کلی خواسته‌ها و امیال خود و علائق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعه بهائی را در بر دارد و مصالح عمومی را ترویج می‌نماید.

اعضای مؤسّسات نباید چنین گمان کنند که زینت اصلی پیکر امر الهی هستند و از نظر توانایی و شایستگی ذاتاً بر دیگران برتری دارند و یا تنها مروجین تعالیم و اصول این امر اعظم می‌باشند.

بعد از مشورت بین اعضای یک محفل، آنچه که رأی اکثریت بر آن قرار گیرد باید با روح اتحاد به اجرا درآید. هیچ یک از اعضاء نباید روحیه مخالفت به خود گیرد.

بر همه اعضای جامعه واجب است که قرارهای محفل را قلباً و روحاً اطاعت نمایند.

اگر یکی از احباء از مشکل و یا موقعیتی اطلاع یابد که ممکن است به امر مبارک ضرر رساند، باید به یکی از مؤسّسات امری مراجعه نماید و سپس موضوع را به عهده آنان واگذارد.

شرکت در تبرّعات، امری صرفاً و کاملاً سرّی است.

انتخابات بهائی در هر سطحی با رأی سرّی انجام می‌شود؛ نامزد انتخاباتی وجود ندارد، همچنین نه تبلیغات انتخاباتی و نه دسته‌بندی جایی در جریان انتخابات ندارد.

نیاز به تخصص در فعالیت‌های اداری امر مبارک به این معنی نیست که بعضی از پیوستن به دوستان بهائی خود در صف اول خدمات تبلیغی معاف هستند.

بحشی را که در بخش ۱۱ در باره توسعه نظم اداری آغاز کردیم، با آنکه محدود به چند نمونه بود، به طول انجامیده است. بیایید آن را با تأمل بر بیان زیر از بیت العدل اعظم خاتمه دهیم:

”مؤسّسات نظم اداری حضرت بهاءالله که از تمهیدات نازله از قلم اعلی نشئت گرفته‌اند، به تدریج و بطور طبیعی به موازات رشد و توسعه جامعه بهائی تحت تأثیر نفثات قدسیّه‌ای که در این عصر نورانی بر نوع بشر دمیده شده، پدید آمده‌اند. خصوصیات و وظایف هر یک از این مؤسّسات و همچنین روابط بین آنها تکامل یافته و هنوز نیز در حال تکامل است. توقیعات حضرت ولیّ عزیز امرالله عناصر اصلی این نظم افخم را تشریح نموده و تصریح می‌نماید که نظم اداری گرچه از بسیاری جهات از نظم جهانی بدیعی که ظهور آئین بهائی مقدّر است آن را به عرصه وجود درآورد متفاوت می‌باشد ولیکن در عین حال هم ’هسته مرکزی‘ و هم ’الگوی‘ آن نظم جهانی است. به این ترتیب، تکامل مؤسّسات نظم اداری هرچند برای مواجهه با شرایط در حال تغییر در زمانها و مکانهای مختلف عوامل متغیّری را دنبال می‌کند، اما باید دقیقاً از اصول اساسی نظامات بهائی مصرّحه در آثار مقدّسه و مندرجه در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله پیروی نماید.“^{۶۲}

بخش بیست و ششم

هدفی را که در این واحد برای خود تعیین کرده‌ایم در واقع بسیار مختصر است: تنها چند نمونه کوچک از مکاتبات وسیع و متعدّد بیت العدل اعظم را مرور می‌کنیم به امید اینکه — در بطن منظور کلی خود برای کسب بصیرت در بیان مبارک ”محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس“ — درک خود را از اهمّیت وصول هدایات الهی و مصون از خطای آن مؤسسه برای بشر امروز بیافزاییم. پس با توجه به این هدف، بیایید چند بخش را به مسئله زندگی نیایشی اختصاص دهیم. مکتوبی را که برای این منظور انتخاب کرده‌ایم نامه مؤرخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ خطاب به بهائیان عالم است. در این نامه، بیت العدل اعظم تصمیم خود مبنی بر اجرای عمومی برخی از احکام کتاب مستطاب اقدس را اعلان می‌نماید:

”در هر سرزمین عطشی روزافزون برای حیات روحانی و برای شفافیت اخلاقی مشاهده می‌کنیم. عدم کارایی نقشه‌ها و برنامه‌های طرح شده برای اصلاح نوع بشر که از زندگی مزین به آگاهی روحانی و فضائل اخلاقی منشاء نگرفته‌اند امری شناخته شده است. برای اغنای این اشتیاق چه کسانی می‌توانند مجهّزتر از نفوسی باشند که هم‌اکنون از تعالیم حضرت بهاءالله الهام گرفته‌اند و مؤیّد به قوای ملکوتی او می‌باشند؟

”لذا به این نتیجه رسیده‌ایم که امری بسیار مهم و ضروری برای جمیع احبای الهی آنست که آگاهی خود را از مواهب مبذوله آن احکام الهی که مستقیماً زندگی نیایشی فرد و در نتیجه حیات جامعه را تقویت می‌کنند افزایش دهند. همه بهائیان مبانی این احکام را می‌دانند اما کسب بینش بیشتر در اهمیّت آنها باید شامل اجرای تمام جنبه‌های به جا آوردن آنها به نحو نازله در آثار الهی باشد، احکامی که به نماز، روزه و ذکر نود و پنج مرتبه ’الله ابهی‘ در هر روز مربوط می‌شوند.“^{۶۳}

شاید بدانید که قبل از سال ۱۹۹۹، همه عناصر احکام مربوط به نماز و روزه — مانند آنچه که به وضوء، سفر و قضای نماز فوت شده مربوط است — بطور عموم واجب‌الاجراء نبودند. آنچه برای بهائیان حائز اهمیّت خاص بود، تصمیم بیت العدل اعظم بود که در همان نامه از مؤمنین در همه نقاط عالم دعوت نمودند که حکم کتاب مستطاب اقدس مبنی بر ذکر نود و پنج مرتبه تکبیر الله ابهی در روز را رعایت کنند. پاراگراف مربوطه را در زیر ملاحظه کنید:

”همچنین مطمئن هستیم وقت آنست که بهائیان عالم در هر مرز و بوم این آیات کتاب مستطاب اقدس را به جان و دل بپذیرند که می‌فرمایند: ’قد کتب لمن دان بالله الدیان ان یغسل فی کلّ یوم یدیه ثمّ وجهه و یقعد مقبلاً الی الله و یذکر خمساً و تسعین مرّة الله ابهی کذلک حکم فاطر السّماء اذ استوی علی اعراش الأسماء بالعظمة و الاقتدار‘. (مضمون: بر هر کس که به داور کردگار معتقد است فرض شده که پس از شستن دست و صورت به سوی خداوند روی آورده بنشیند و نود و پنج بار تکبیر ’الله ابهی‘ را تکرار نماید). باشد که همه غنایی معنوی را که اجرای این عمل ساده دعا و توجّه نصیب روحشان می‌کند احساس نمایند.“^{۶۴}

نامه مؤرخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ شامل هدایات دیگری نیز بود و توجّه یاران را نسبت به رابطه بین نیایش فردی و حیات جامعه معطوف می‌نمود:

”ترقی روحانی حاصله از عبادات فردی با مؤانست صمیمانه در بین احباء در هر محلّ، با عبادت جمعی جامعه، و با خدمت به امر مبارک و به همنوعان تقویّت می‌گردد. این جنبه‌های جمعی حیات روحانی به حکم نازله در کتاب مستطاب اقدس در باره مشرق‌الاذکار مرتبط می‌شود. گرچه وقت ساختن مشرق‌الاذکارهای محلی هنوز فرا نرسیده و لیکن برگزاری جلسات مرتّب دعا که به روی همگان باز است و مشارکت جوامع بهائی در پروژه‌های خدمات بشردوستانه جلوه‌هایی هستند از این عنصر حیات بهائی و قدمی است دیگر به سوی اجرای این حکم الهی.“^{۶۵}

در این مورد، در نامه‌ای به تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء، همین نکته مدّت‌ها پیش مورد تأکید قرار گرفته بود:

”همان‌طور که به درستی درک می‌کنید، هدف اساسی جمیع ادیان الهی ترقّی روحانی نفوس انسانی است. این نکته در صلوة صغیر بیان شده است . . .

”علاوه بر این هدف بنیادین که زیربنای جمیع ظهورات الهی است، برای هر دور الهی یک هدف مرکزی خاص نیز وجود دارد. هدف این دور مقدّس تأسیس وحدت عالم انسانی است؛ و یکی از تعالیم بهائی اینست که لازمهٔ ترقّی روحانی نفوس تنها دعا و مناجات نیست بلکه خدمت فعّالانه به همنوع خود بر طبق اصول و احکام ظهور الهی است. بازسازی اجتماع بشری و ترقّی روحانی فردی نفوس دست در دست هم به پیش می‌روند.“^{۶۶}

حال بیایید قدری مکث کنیم و در مورد بیانات متنوعی که قرائت نموده‌ایم تفکّر نماییم. بسیار واضح است که هدایات واصلهٔ عالم بهائی از پیام بیت العدل اعظم مؤرّخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بر رسوم و تکالیف خشک مذهبی، یعنی بر شکل ظاهری عبادت که متأسّفانه برداشت عصر حاضر بسیاری از شعب مذهبی است، تمرکز نمی‌کند. برعکس بیت العدل اعظم بر نکات بسیار عمیق‌تری تأکید می‌نمایند و به ما کمک می‌کنند تا رویکردمان به احکام، مثلاً به ذکر نود و پنج مرتبه اسم اعظم با فهم بیشتری همراه باشد. در زیر، برخی از مفاهیم مندرج در بیانات مذکور در اینجا راجع به عبادت شخصی که ما را از مقتضیات گستردهٔ روحانی و اجتماعی آن آگاه می‌سازند ذکر می‌شود. یک یا دو عبارت از بیانات بالا را که به هریک مربوط می‌شود انتخاب کنید:

۱. مقتضیات اصل وحدت عالم انسانی: _____

۲. هدف از ظهور حضرت بهاء‌الله: _____

۳. وضعیّت اجتماع: _____

۴. پیشرفت فرد و توسعهٔ اجتماع: _____

۵. روابط انسانی: _____

۶. ماهیت حیات جامعه ما: _____

۷. رابطه بین عبادت و خدمت: _____

۸. پیشرفت روح: _____

۹. ماهیت وجود انسان: _____

بخش بیست و هفتم

بیان مذکور در بخش قبل در مورد عبادت جمعی نیاز به توجه بیشتری دارد. به کمک آن ما می‌توانیم نکته‌ای را که از اهمیت خاصی برخوردار است بررسی کنیم: با اجابت هدایات بیت العدل اعظم، قابلیت ما به عنوان یک جامعه افزایش می‌یابد و به مدنیّت مورد نظر حضرت بهاء‌الله نزدیک‌تر می‌شویم.

یکی از مختصات منحصر به فرد امر حضرت بهاء‌الله، مؤسسه مشرق‌الاذکار است که بطور مختصر در واحد قبل به آن پرداختیم. کتاب مستطاب اقدس تأسیس این مؤسسه عظیم "فی المدن والقری" (در شهرها و قریه‌ها) را مقرر می‌کند. همان‌طور که در پیام ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ به آن اشاره شده، ترویج این حکم ضرورتاً به تدریج پیش رفته است. در اوائل تاریخ امر مبارک در ایران، گرچه شرایط موجود امکان بنای مشرق‌الاذکار را برای احباء فراهم نمی‌کرد، آنان با توجه به این حکم در دهکده‌ها و شهرهای سراسر کشور برای تلاوت دعا و مناجات دور هم جمع می‌شدند. اولین مشرق‌الاذکار در شهر عشق آباد واقع در ایالت روسی ترکمنستان آن زمان تحت هدایات حضرت عبدالبهاء بنا گردید، اما کار ساختمان دومین مشرق‌الاذکار کمی بعد در حومه شهر شیکاگو در ایالات متحده آغاز شد. با اتمام بنای مشرق‌الذکار شیکاگو، حضرت ولی‌امرالله برنامه بنای معابد قاره‌ای را شروع کردند. اولین آنها مشرق‌الاذکارهای کامپالا، سیدنی و فرانکفورت بود که در پاسخ به اهداف نقشه ده‌ساله ساخته شدند. بیت العدل اعظم با ساختن معابد شهر پاناما، آپیا و دهلی‌نو، کار در این مسیر را ادامه دادند. نقشه شروع بنای آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو در سال ۲۰۰۱ اعلام گردید.

ولی تأسیس مشارق اذکار در سطح ملی و محلی مدّت مدیدی در حال تعلیق بوده است. با این حال اگر به مکاتبات بیت العدل اعظم مراجعه نماییم می‌توانیم مشاهده کنیم که معهد اعلی جامعه بهائی را بطور سیستماتیک و با حکمت و عنایت تامّ، بسوی تحقّق این هدف سوق داده و می‌دهند. بیایید بررسی مختصری به عمل آوریم.

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۹۶، ویژگی‌های حیات جامعه را تشریح نموده و فرمودند که:

”... مستلزم دعا و تبتّل جمعی یاران است. بنابراین برای حیات روحانی جامعه لازم است که احبّاً جلسات منظّمی برای دعا و مناجات در حظیره القدس‌های محلی (اگر وجود داشته باشد) یا در محلّ‌های دیگر، حتّی در منازل خود، تشکیل دهند.“^{۶۷}

در همان حال، بیت العدل اعظم تأسیس مؤسّسات آموزشی در سراسر جهان را خواستار شدند، مؤسّساتی که مقرر بود ”گروه‌های فزاینده‌ای از احبّاً را برای خدمت به امر الله از طریق دوره‌هایی که دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای انجام وظایف متعدّد مربوط به تسریع ترویج و تحکیم ارائه می‌نماید یاری دهند.“ با اجرای این هدایات احبّاء وارد یک فرایند یادگیری سیستماتیک در باره این مسئله شدند که چگونه منابع انسانی برای کار ترویج و تحکیم را پرورش دهند. و هم‌چنان که از این طریق فرایند مؤسّسه آموزشی در تعداد کمی از کشورها مستقر گردید، در نامه‌ای به تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی ملی چنین آمده است:

”از آنجایی که اولین دوره در این سلسله کلاس‌ها بر هویت روحانی و عبادت تأکید می‌کند، بیت العدل اعظم تصمیم شما عزیزان را مبنی بر اینکه به موازات تشکیل حلقه‌های مطالعه تعداد جوامع محلی برگزارکننده جلسات منظّم دعا را افزایش دهید، تحسین می‌نمایند. حتّی در جوامعی که محفل روحانی محلی وجود ندارد، باید این امکان وجود داشته باشد تا این جلسات از طریق ابتکار افرادی که در حلقه‌های مطالعه شرکت می‌کنند، تشکیل گردد.“^{۶۸}

همانطور که در پیامی به تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ تشریح شده، تا به آن سال جلسات دعا که یکی از فعّالیّت‌های ”اساسی“ جامعه بهائی شده بود، بطور مداوم در محدوده‌های جغرافیایی دارای فرایند قوی مؤسّسه آموزشی در حال ازدیاد بود:

”هم‌چنان که از طریق دوره‌های مؤسّسه آموزشی آگاهی از بُعد روحانی وجود انسانی در بین مؤمنین یک ناحیه افزایش می‌یابد، جلسات دعا آغاز شکوفایی می‌کنند.“^{۶۹}

به این ترتیب در پیام مؤرخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵، با تشریح فرایند رشد در محدوده‌های جغرافیایی ای که آمادۀ فعالیت فشرده بودند، بیت العدل اعظم به نقشی که جلسات دعا در پی‌ریزی پایه‌های روحانی حیات جامعه ایفا می‌کنند، اشاره نمودند:

”مطالعه دقیق محدوده‌های جغرافیایی که به این مرحله از تکامل رسیده است مؤید آن می‌باشد که انسجام حاصله، جوانب مختلف حیات جامعه را دربر می‌گیرد. مطالعه و اجرای تعالیم الهی عادت‌ی معمول و فراگیر می‌شود و روحیهٔ عبادت دسته‌جمعی منبعث از جلسات دعا تدریجاً در مجاهدات گروهی جامعه رسوخ می‌نماید.“^{۷۰}

جامعهٔ بهائی تا رضوان ۲۰۰۸، قابلیت‌های خود را بطور قابل ملاحظه‌ای پرورش داده بود به نحوی که جلسات دعا بطور منظم برگزار می‌گردید، جلساتی که در آنها از همهٔ طبقات مردم دعوت می‌شد تا به راز و نیاز با خالق خود پردازند.

”هزاران هزار نفوس که نمایانگر تنوع نوع بشر هستند در محیطی جدی و در عین حال روح‌افزا به مطالعهٔ سیستماتیک آیات خلاقه الهیه مشغولند. در حالی که می‌کوشند تا بینشی را که بدین سان کسب کرده‌اند از طریق فرایندی متشکل از عمل، تفکر و مشورت به کار بندند، مشاهده می‌کنند که قابلیت‌شان برای خدمت به امر الهی به سطح تازه‌ای افزایش می‌یابد. این نفوس در شرایط گوناگون، در پاسخ به آن اشتیاق قلبی که هر انسان برای راز و نیاز با خالق خود دارد به عبادت همگانی قیام می‌نمایند، در دعا و مناجات به دیگران می‌پیوندند، استعدادهای روحانی را بیدار می‌کنند و روشی از زندگی را در پیش می‌گیرند که به خصیصهٔ نیایش و عبادت متمایز است.“^{۷۱}

بیت العدل اعظم در پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خویش، به تعدادی ”بیش از ۳۵۰،۰۰۰ نفر در سراسر عالم“ که اولین دورهٔ مؤسسه را به پایان رسانده بودند و به ازدیاد مشابهی در قابلیت ”برای ایجاد یک الگوی زندگی ممتاز به خصلت نیایش“ اشاره نموده و در ادامه فرمودند:

”در محیط‌های گوناگون و در همهٔ قارّات، احباً در دعا و مناجات با دیگران متحد شده با تضرع و ابتهال به درگاه حضرت پروردگار توجه نموده و از قوای روحانی‌ای که کارایی مساعی فردی و جمعی‌شان منوط به آن می‌باشد مدد می‌گیرند.“^{۷۲}

از این لحاظ بود که در رضوان ۲۰۱۲، با مسرت از ملاحظهٔ شکوفایی حیات نیایشی جامعه و پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای در قابلیت اجرای خدمات در سطح مردمی، بیت العدل اعظم چنین مرقوم فرمودند:

”در پیام رضوان سال ۲۰۰۱ اشاره نمودیم که در کشورهایی که فرایند دخول افواج به حد کافی پیشرفت کرده و شرایط جوامع ملی مساعد باشد، تأسیس مشرق‌الاذکار ملی را تصویب خواهیم نمود و شروع این کار یکی از ویژگی‌های عهد پنجم عصر تکوین امر بهائی خواهد بود. اکنون با شغفی بی‌پایان اعلان می‌داریم که مقرر است دو مشرق‌الاذکار ملی یکی در کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of the Congo) و دیگری در پاپوآ گینه نو (Papua New Guinea) بنا شود. در این دو کشور ملاک‌هایی که تعیین نمودیم به نحوی آشکار تحقق یافته و پاسخ مردم به امکاناتی که سلسله نقشه‌های کنونی به وجود آورده خارق‌العاده بوده است. با پیشرفت ساختمان آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو (Santiago)، شروع پروژه‌هایی برای تأسیس مشرق‌الاذکارهای ملی نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است.

”مشرق‌الاذکار که حضرت عبدالبهاء آن را یکی از ’اعظم تأسیسات عالم انسانی‘ توصیف فرموده‌اند دو جنبه اساسی و تفکیک‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت را به هم می‌پیوندند. پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعالیت‌های جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلی است و فرایند آموزشی که توان‌مندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد می‌نماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرک و اشتغال به فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیر می‌باشد. بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامه نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند. همان‌طور که اخیراً اشاره کرده‌ایم توان‌مندی برای تداوم بخشیدن به برنامه نوجوانان موجب توسعه حلقه‌های مطالعه و کلاس‌های کودکان نیز می‌گردد. بدین ترتیب جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیه‌اش تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید. در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی است که می‌توان طی سال‌های آینده تأسیس یک مشرق‌الاذکار محلی را مورد تأمل قرار داد. با قلبی مملو از سپاس به آستان جمال قدم و در نهایت سرور به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم که مشورت با محافل روحانی ملی مربوطه در باره بنای اولین مشرق‌الاذکار محلی در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی زیر در شرف آغاز است: باتامبانگ (Battambang) در کامبوج (Cambodia)، بیهار شریف (Bihar Sharif) در هندوستان (India)، ماتوندا سوی

(Matunda Soy) در کنیا (Kenya)، نورت دل کائوکا (Norte del Cauca) در کلمبیا
(Colombia)، و تانا (Tanna) در وانواتو (Vanuatu).^{۷۳}

بیانات فوق‌گویای آنست که هم‌چنان که ما می‌کوشیم هدایات بیت العدل اعظم را به اجرا درآوریم، قابلیت جمعی ما برای مشارکت در بنای تمدنی جدید به همان نسبت افزایش می‌یابد، و به همان نحو قابلیت‌مان برای دریافت هدایات بیشتری فزون‌تر می‌شود. اجابت این هدایات جدید، قابلیت ما را حتی به سطوح بالاتری ارتقاء می‌دهد، و این چرخه مرتباً تکرار می‌شود. در نامه‌ای به تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۲ مرقوم از طرف بیت العدل اعظم توضیح داده شده است که چالش پیش‌روی احباء در همه‌جا اینست که "از جهتی هدایات واصله از بیت العدل اعظم را مطالعه نمایند و از جهت دیگر، هم‌چنان که می‌کوشند این هدایات را به اجرا گذارند از تجربیات خود نیز آموزش یابند." در نتیجه تأثیرات متقابل هدایات بیت العدل اعظم و پاسخ ما به آنها، الگویی از حیات جامعه مرتباً تنیده می‌شود که می‌کوشد اصل وحدت عالم انسانی را تجسد بخشد.

حال بیایید بکوشیم تا در مورد تحرکات قدرتمندی که به وسیله این تأثیرات متقابل به وجود آمده و جامعه ما را قادر ساخته که به چنین پیشرفت سریعی در توسعه خود نایل گردد، قدری بیشتر تفحص نماییم. یک تمرین ساده ممکن است به ما کمک کند تا در باره اینکه چگونه پاسخ ما به هدایات بیت العدل اعظم باعث ازدیاد قابلیت جمعی می‌شود بیاندیشیم. در زیر لیست بعضی از فعالیت‌هایی را می‌بینید که پیام‌های اخیر بیت العدل اعظم ما را به انجام آن در زمان حاضر فرا می‌خوانند. در دنباله لیست، چندین قابلیت، چنان‌که در این پیام‌ها تعیین شده، آمده است که جامعه باید آنها را پرورش دهد. کدام یک از فعالیت‌ها در پیشبرد هر یک از قابلیت‌های مذکور مؤثر است؟

ا. مشارکت در مطالعه دوره‌های مؤسسه
آموزشی

ز. ملاقات مؤمنین جدید در منازل برای
تزیید معلومات امری آنان

ب. برگزاری منظم جلسات دعا
ح. مساعدت به دیگران برای ورود به میدان
خدمت

ج. خدمت به عنوان معلم کلاس کودکان
ط. خدمت به عنوان هماهنگ‌کننده مؤسسه
آموزشی

- د. خدمت به عنوان مشوق گروه نوجوانان ی. شرکت در ضیافت نوزده روزه
- ه. مشارکت در مرحله ترویج ادوارسه ک. گفتگو با یک فرد مستعد در باره مطالب ماهه فعالیت در ارتباط با یک برنامه روحانی و صحبت راجع به نفس رشد حضرت بهاءالله و ظهور آن حضرت
- و. خدمت به عنوان راهنمای یک حلقه ل. مشارکت در اقدام اجتماعی در سطح مطالعاتی مردمی در محله خود
- م. مشارکت در مشورت‌های جلسات تأمل و بازنگری

_____ قادر ساختن هزاران بل میلیونها نفر که آثار الهی را در گروه‌های کوچک با هدف مشخص تحقق بخشیدن به تعالیم بهائی و پیشبرد فعالیت‌های امری مطالعه نمایند

_____ پاسخ به آرمان‌های کودکان جهان و برآوردن نیازشان به تعلیم و تربیت روحانی

_____ مساعدت به جوانان در عبور از یک مرحله حساس زندگی‌شان و در توانمند شدن برای سوق دادن انرژی خود در مسیر پیشبرد تمدن

_____ تماس با تعداد کثیری از نفوس مستعد و ابلاغ پیام حضرت بهاءالله به آنان و عمیق ساختن ادراکشان نسبت به اصول اساسی دیانتی که پذیرفته‌اند

_____ پیوند دادن اعضای جامعه به یکدیگر از طریق روابط دوستانه

_____ قادر ساختن گروه‌های فزاینده‌ای از مردان و زنان به رها ساختن خود از زندان خمودت و زنجیرهای ظلم و ستم تا به فعالیت‌هایی اشتغال ورزند که موجب پیشرفت روحانی، اجتماعی و فکری آنان است

_____ استمرار بخشیدن به محیطی که در آن افرادی که مایلند قوه ابراز مافی‌الضمیر خود را مسئولانه و در جهت مصالح عمومی و بر طبق نقشه‌های مؤسسات بکار برند، توانایی‌شان در اقدام مشترک مضاعف شود

_____ گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف در محیطی دور از خطر مداوم نفاق و اختلاف، محیطی که به روح ستایش و نیایش متمایز است، ترك ذهنیت تفرقه‌اندازی را تشویق می‌کند، موازین بالاتری از وحدت فکرو عمل را ترویج می‌دهد و صمیمیت و همکاری قلبی را سبب می‌گردد

_____ ایجاد فضایی که در عین حال هم باعث مشارکت عمومی و هم مساعدت متقابل می‌گردد

_____ اداره کردن امور جامعه‌ای که در آن طبقه روحانیونی که بتواند مدعی برتری و امتیاز شود وجود ندارد

_____ ایجاد استراتژی‌هایی بر اساس بینشی متحد از رشد و ارزیابی واقع بینانه امکانات و منابع، ابداع و اجرای نقشه‌های عمل متناسب با قابلیت موجود، اعمال تعدیلات لازمه با حفظ تداوم عمل، و بنا کردن بر اساس موفقیت‌های حاصله

_____ پیاده کردن عناصری از ظهور حضرت بهاء‌الله، همراه با مطالب و روش‌های علمی، در واقعیت اجتماعی با کارایی روزافزون

_____ برآوردن احتیاجات مادی و معنوی‌ای که با بزرگتر و بزرگتر شدن جامعه به نحو فزاینده‌ای پیچیده می‌شوند

_____ حفظ محیطی که در آن تفاهم حقیقی می‌تواند پرورش یابد

بخش بیست و هشتم

گرچه در دو بخش گذشته هدف ما این نبود که ماهیت دعا و اثر پر قدرت آن را بررسی کنیم، تأملات ما بر هدایات واصله از بیت العدل اعظم در بارهٔ زندگی نیایشی ناقص خواهد ماند اگر اذعان نکنیم که مساعی ما در راه تبلیغ و در میادین اداری در اثر دعاهاى معهد اعلیٰ مستمراً تأیید و تقویت می‌گردد. اطمینان به دعای بیت العدل اعظم که در انتهای پیام‌هایشان خطاب به بهائیان عالم و همچنین در ذیل نامه‌های مرقومه از جانب آن هیئت به افراد احباء و محافل روحانی ملی مشاهده می‌شود، شمه‌ای از عواطف معهد اعلیٰ نسبت به جامعهٔ بهائی، نسبت به مؤسّسات امری و نسبت به هریک از ما را به مشام می‌رساند. وقتی که قوای قدسیه‌ای را به مدد می‌طلبیم که کارایی مساعی فردی و جمعی ما متکی بر آنهاست، با به خاطر آوردن اینکه ادعیهٔ بیت العدل اعظم در اعتاب مقدّسه به دعاهاى ما می‌پیوندند، قوّت قلب می‌یابیم. در زیر نمونه‌هایی از بیانات معهد اعلیٰ، و یا از جانب آن جمع، که افراد مؤمنین، محافل روحانی ملی و بهائیان عالم را به ادعیهٔ خویش اطمینان می‌دهند ارائه شده است:

”مطمئن باشید که بیت العدل اعظم در اعتاب مقدّسهٔ علیا برایتان دعا خواهند کرد و از آستان جمال اقدس ابهی مسئلت خواهند نمود تا مواهب و هدایات الهی را در سال‌های آینده به شما عزیزان عطا فرماید.“^{۷۴}

”مطمئن باشید که بیت العدل اعظم در اعتاب مقدّسهٔ علیا دعا می‌نمایند که حضرت بهاءالله همواره خانوادهٔ شما را در خدمت به امر مبارکش مؤیّد و موفق بدارد.“^{۷۵}

”به ادعیهٔ صمیمانهٔ بیت العدل اعظم برای شمول مواهب دائمهٔ الهیه و موقّیّت مساعی جامعهٔ شما در ازدیاد آگاهی در بارهٔ امر الهی در آن سرزمین مطمئن باشید.“^{۷۶}

”بیت العدل اعظم مایلند به شما اطمینان دهیم که در اعتاب مقدّسهٔ علیا دعا خواهند نمود تا مذاکرات آتی شما با مشاورین قرین هدایات و تأییدات الهیه گردد.“^{۷۷}

”بیت العدل اعظم از چالش‌هایی که در اجرای مسئولیت‌های متنوع خود در ... با آن مواجه هستید مطلع‌اند، اما از توانمندی شما برای غلبه بر مشکلات پیش رو کاملاً مطمئن‌اند و شما را به ادعیهٔ صمیمانهٔ خود در اعتاب مقدّسهٔ علیا برای تقویت مساعی خالصانه‌تان اطمینان می‌دهند.“^{۷۸}

”احباً با ورود مجدّانه به چهارمین سال نقشهٔ پنج ساله، باید مطمئن باشند که ادعیهٔ مبتهلائهٔ این جمع در اعتاب مقدّسهٔ علیا این است که حضرت بهاءالله مجهوداتشان را در راه خدمت به امر مبارک مشمول عنایات لانهایهٔ خویش فرماید.“^{۷۹}

”فرموده‌اند به شما اطمینان دهیم که بیت العدل اعظم در اعتاب مقدّسهٔ علیا دعا می‌کنند که تأییدات الهیهٔ شما عزیزان را در جمیع اقداماتتان در راه پیشرفت امر الهی احاطه نماید.“^{۸۰}

”آن عزیزان با قیام به اجرای وظائف خویش باید مطمئن باشند که بیت العدل اعظم در اعتاب مقدّسهٔ علیا به نیابت از طرف آنان دعا می‌کنند تا قوّت و هدایت یابند و با عزمی راسخ و انجذابی شدید با چالش‌های پیش روی خویش مقابله نمایند.“^{۸۱}

”در اعتاب مقدّسهٔ علیا به کمال تضرّع و ابتهال دعا می‌کنیم که هر یک از شما حاملان این شعله جاودانی در مساعی خود برای اشتعال بارقهٔ ایمان در قلوب دیگران مشمول تأییدات لاریبیهٔ جمال قدم گردید.“^{۸۲}

”امید و طید این جمع آنست که احبّاء فوج فوج قیام کنند و با بصیرتی روشن منبعث از تجربیات و با توکلی کامل بر تأییدات الهیهٔ، پیام جان‌بخش جمال ابهی را به هر نفس مشتاق و به هر جمع مستعدّ ابلاغ نمایند. ادعیهٔ این جمع در عتبهٔ مقدّسهٔ علیا همواره با کوشش‌های آنان برای استفاده از فرصت‌های فراوان موجود همراه خواهد بود.“^{۸۳}

”آرزوی قلبی و ادعیهٔ مشتاقانهٔ این جمع در آستان مقدّس آنست که پیروان پر شوق و شور جمال ابهی در همهٔ جوامع با از خودگذشتگی و شهامت و عزم جزم برای پیشبرد امر حضرتش قیام نمایند.“^{۸۴}

”استدعای قلبی این مشتاقان در عتبهٔ مقدّسهٔ علیا از جانب همهٔ اهل بها آنست که تأییدات الهیهٔ و توفیقات لانهایهٔ ربّانیهٔ در آنچه برای تحقّق اهداف فوری نقشهٔ الهی در لحظاتی چنین سرنوشت‌ساز از تاریخ بشری انجام می‌دهیم، شامل حال همه گردد.“^{۸۵}

”به شکرانهٔ قابلیت جمعی خدمت که جمال اقدس ابهی به وفور به پیروان جوانش عطا فرموده سر سپاس به آستان مقدّسش فرو می‌آوریم و از ساحت اقدسش می‌طلبیم که این قابلیت در راه پیشبرد مصالح عالم بشری به عرصهٔ شهود درآید.“^{۸۶}

”با اقبال تعداد روزافزونی از نفوس مستعده به امر الهی و پیوستن آنان به دیگر خادمین و شرکت‌کنندگان مشروع جهانی جاری، فعالیت‌ها و تکامل افراد، مؤسسات و جامعه مطمئناً با جهشی چشم‌گیر به پیش خواهد رفت. امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل پرورش و گسترش می‌دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد. در اعتاب مقدسه علیا برای تحقق این امید صمیمانه دعا می‌کنیم.“^{۸۷}

”باگذشت هر روز تعداد بیشتری از نوآگاهان غیور دست دعا و مناجات به سوی روضه مبارکه‌اش بلند می‌کنند و این مستمندان نیز در همان مقام اطهر به یاد آن یوم فرخنده و به شکرانه جمیع مواهبی که حضرتش به جامعه اسم اعظم عطا فرموده، در نهایت تضرع و تبتل سر تعظیم به عتبه مقدسش فرو می‌آوریم.“^{۸۸}

”ای یاران محبوب، مطمئن باشید که در عتبه مقدسه علیا دست نیاز بلند کنیم و مسئلت نماییم که جمال اقدس ابهی از مقام رفیع لایزالش نفتات جان‌بخش قدرت ملکوتی‌اش را در روح و روان جمیع شما عزیزان بدمد.“^{۸۹}

بخش بیست و نهم

موضوع بعدی مطالعه ما بطور طبیعی موضوع قبلی را دنبال می‌کند. از جمله اختیارات و وظایف مفوضه به بیت العدل اعظم، همان‌طور که در قانون اساسی آن مؤسسه آمده است ”اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله؛ اتساع و استحکام مؤسسات نظم اداری الهی؛ بسط نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی؛ همت در تحسین اخلاق و اتصاف به صفات و کمالات رحمانیه“ می‌باشد. دو فقره مکاتبات مرتبط به یکدیگر به عنوان مثال در اینجا ذکر می‌شود تا به درک ما کمک کند که چگونه مقتضیات روحانی و اجتماعی احکام بهائی توسط بیت العدل اعظم تشریح می‌گردد. نامه اول مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ است که از طرف معهد اعلی خطاب به چند نفر از احباء مرقوم گردیده و نامه دوم مؤرخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ خطاب به یکی از محافل روحانی ملی است. ما هریک از دو نامه را جداگانه طی بخش‌های مختلف مطالعه خواهیم کرد و سپس در آخرین بخش به بررسی مفهوم روشن شدن احکام بهائی با هدایات بیت العدل اعظم می‌پردازیم.

با نامهٔ خطاب به چند نفر از احبّاء شروع می‌کنیم. این نامه همان‌طور که در آن اشاره شده، جوابی است به نگرانی‌های آن افراد در بارهٔ مشکلاتی که احساس می‌کنند دامن‌گیر دختران و پسران جوان بهائی در کشورهای غربی برای تمسک به برخی از تعالیم حضرت بهاء‌الله است. نگرانی‌های عمدهٔ این چند نفر احبّاء در اوّل نامه چنین خلاصه شده است: شکاف فزاینده بین عادات جنسی در جامعهٔ غربی معاصر و موازینی که در آثار بهائی مقرر شده چالش بزرگی برای نسل کنونی جوانان بهائی ایجاد می‌کند؛ امروزه در بسیاری از کشورها، به علل تاریخی، به امتناع از روابط جنسی قبل از ازدواج با نظری منفی نگاه می‌شود؛ در بسیاری از موارد، کسانی که از عفت و عصمت دم می‌زنند، مانند طبقهٔ روحانیون، خود، نه به ندرت، در دام اعمال نامشروع گرفتار می‌شوند؛ غالباً ازدواج تا سنین سی‌سالگی که جوانان تحصیلات‌شان را به اتمام رسانده و توانسته‌اند پولی برای خرید مسکن پس‌انداز کنند به تأخیر می‌افتد؛ و زندگی مشترک نسبت به قبل به مراتب پیچیده‌تر شده است چون اغلب زن و شوهرها هر دو کار می‌کنند.

نامه‌ای که از طرف بیت العدل اعظم مرقوم شده، چالشی را که جوانان بهائی در اروپا در این خصوص با آن مواجه هستند تصدیق می‌نماید و چنین بیان می‌کند که ”جهان غرب با پشت‌گرمی به پیشرفت‌های مادی و فکری، و جسور از روایت توفیقات و تفوق فرهنگی‌اش، به طرق مختلف خود را به عنوان سرمشق و معیاری برای دیگران ارائه می‌دهد“. در این رابطه اشاره‌ای شده است به تجزیه و تحلیلی که حضرت عبداله‌اء در مقالهٔ رسالهٔ مدنیّه در بارهٔ محدودیت‌های تمدن اروپایی فرموده‌اند و نیز به بسیاری از نصایح آن حضرت در همان کتاب در مورد اینکه فرد باید مصدر فضایل اجتماعی باشد. بیت العدل اعظم تأکید می‌فرماید که از بهائیان خواسته شده است که نه تنها نباید به خود اجازه دهند که هم‌رنگ فرهنگ‌ها و معیارهای اجتماع گردند بلکه باید پیشروان و پرچم‌داران یک تمدن جدید باشند.

نامه سپس، مواضع اساسی مربوطه را در سطح اصول مورد بحث قرار می‌دهد: وضعیت کنونی جامعه را بررسی می‌نماید، ماهیت احکام و تعالیم حضرت بهاء‌الله را توضیح می‌دهد و مسئولیت‌هایی را که در این ارتباط بر دوش هریک از پیروان او و همچنین بر دوش جامعه و مؤسسات امری است، تشریح می‌کند. ما در بررسی بیانات مربوط در این بخش و در شش بخش بعدی همان رشتهٔ نظرات را دنبال می‌کنیم. بعضی از بیاناتی را که مطالعه خواهیم کرد تا حدی طولانی هستند اما در طول راه مکث خواهیم کرد و تمرین‌هایی را که به ما کمک می‌کند تا در بارهٔ هدایات بیت العدل اعظم تفکر کنیم، انجام خواهیم داد. با پاراگراف زیر که به مفهوم اوّل، یعنی وضعیت کنونی جامعه مربوط است، شروع می‌کنیم.

”ما در زمانی زندگی می‌کنیم که نقش دین در شکل دادن به افکار بشری و در هدایت رفتار فردی و جمعی به نحو فزاینده‌ای مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد و دامنهٔ نفوذ دین سازمان‌یافته در

اجتماعاتی که تسلیم فشارهای مادی‌گرایی شده‌اند محدودتر و اغلب به قلمرو تجارب شخصی منحصر می‌شود. احکام دینی غالباً قواعدی مستبدانه شمرده می‌شود که از طرف افراد فاقد تفکر مستقل کورکورانه اطاعت می‌شود و یا به عنوان مقررات زاهدانه و منسوخه‌ای به شمار می‌آید که توسط مدعیانی که خود آن را رعایت نمی‌کنند با تزویر و ریا بر دیگران تحمیل می‌گردد. اخلاقیات در چنین جوامعی تعریف دیگری می‌یابد و فرضیات، ارزش‌ها و رسوم مادی‌گرایانه مربوط به طبیعت بشر و حیات اقتصادی و اجتماعی انسان به عنوان حقیقت غیر قابل انکار جلوه می‌نمایند.^{۹۰}

برای تأمل در اهمیّت پاراگراف فوق، توصیه می‌شود که تمرین‌های زیر را کامل کنید:

۱. بیت العدل اعظم به ما می‌گویند که ما در زمانی زندگی می‌کنیم که نقش دین در شکل دادن به افکار بشری و در هدایت رفتار فردی و جمعی _____

۲. بیت العدل اعظم در پاراگراف فوق اشاره می‌نمایند که در اجتماعاتی که تسلیم فشارهای مادی‌گرایی شده‌اند، دامنه نفوذ دین سازمان‌یافته _____

۳. یک لحظه به خصوصیات اجتماعی فکر کنید که تسلیم فشارهای مادی‌گرایی شده است. کدام یک از مشخصات زیر می‌تواند به آن نسبت داده شود؟

ا. از جوانب مادی زندگی تجلیل می‌شود. ب ن

ب. فعالیت‌های اقتصادی در کانون هستی انسان قرار داده می‌شود. ب ن

ج. ارزش اشیاء مبتنی بر آنست که تا چه حد می‌توانند به ثروت و رفاه مادی کمک کنند. ب ن

د. موفقیت مترادف با ثروت مادی است. ب ن

۵. علم، نوعی صنعت محسوب می‌گردد، مانند صنایعی که به تولید کالا و خدمات اختصاص دارند، و همانگونه با آن برخورد می‌شود.
- ب ن
- و. انسان به عنوان یک مصرف‌کننده کالا و خدمات توصیف می‌شود.
- ب ن
- ز. آزاد بودن در پیگیری ارجحیت‌های شخصی عالی‌ترین ایده‌آل به حساب می‌آید.
- ب ن
- ح. از قوای پرفدرتی که در روح انسان فعال‌اند، مانند کشش به زیبایی، برای سود اقتصادی بهره‌برداری می‌شود.
- ب ن

۴. بیت العدل اعظم اشاره می‌فرماید که در اجتماعاتی که تسلیم فشارهای مادی‌گرایی شده‌اند، احکام دینی غالباً قواعدی ... شمرده می‌شود.

۵. بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند که اخلاقیات _____ و فرضیات، ارزش‌ها و رسوم مادی‌گرایانه مربوط به طبیعت بشر و حیات اقتصادی و اجتماعی انسان _____

۶. کدام یک از جمله‌های زیر نشان‌دهنده اخلاقیاتی است که با فرضیات مادی‌گرایانه به عنوان حقیقت غیرقابل انکار جلوه می‌نماید؟

_____ اگر مرا خوشحال می‌کند، پس خوب است.

_____ هیچ کس نمی‌تواند به من بگوید چه چیزی درست و یا غلط است. این منم که تصمیم می‌گیرم.

نسخهٔ پیش از چاپ - نسخهٔ ۱.۲.۲.PP.PV - برای توزیع نیست

_____ تا جایی که به کسی آزاری نرسانم، می‌توانم هر آنچه را که می‌خواهم انجام دهم.

_____ اگر احساس خوبی به من می‌دهد، پس درست است.

_____ اولین و مهم‌ترین چیز این است که باید دنبال منافع شخصی خودم باشم. اگر ندانم

چطور این کار را بکنم، چگونه می‌توانم به دیگران کمک کنم.

_____ شرافت و صحت عمل مهم‌تر از منفعت شخصی است.

_____ اگر می‌توانم کاری را از چشم دیگران بپوشانم، چرا نباید آن کار را انجام دهم.

_____ امانت بهترین سیاست‌گذاری است.

_____ وقتی که نظام فاسد است، چرا من نباید تقلب کنم.

_____ خصوصی بودن مربوط به گذشته است؛ همه باید بتوانند همه چیز را بشنوند و بخوانند.

_____ حرف زدن وقتی و سکوت وقتی دارد.

_____ نام نیک بهتر از ثروت و مال است.

_____ هدف وسیله را توجیه می‌کند.

_____ هرچه پیش آید مهم نیست، لبخند بزن و تظاهر کن که خوشحالی.

۷. امروز مادی‌گرایی خود را در عادات اجتماع مصرف‌گرا جلوه‌گر می‌سازد. چند فرضیه که زیربنای

اجتماع مصرف‌گرا است کدامند؟ دو مثال برای کمک به شما آورده شده است.

_____ اگر چیزی خوب است، بیشترش بهتر است.

_____ هرچه بیشتر مصرف کنی، خوشحال‌تری.

بخش سی ام

بیائید پاراگراف بعدی از نامه نوشته شده از طرف بیت العدل اعظم را بخوانیم. این پاراگراف بینش بیشتری در باره وضعیت کنونی اجتماع به ما می دهد.

”براستی، صرف انرژی فراوان و منابع وسیع مالی برای تحریف حقیقت به منظور سازگار کردن آن با امیال شخصی اکنون از خصوصیات بسیاری از جوامع معاصر است. پیامد این کار پیدایش فرهنگی است که ماهیت و مقصد نوع انسان را واژگون و افراد را اسیر تخیلات و تصورات باطل نموده و به بازیچه‌ای در دست قدرت‌مندان تبدیل می‌نماید. در حالی که سعادت و رفاه نوع بشر منوط به مسئله‌ای درست برعکس آنست یعنی پرورش خصوصیات انسانی و تنظیم نظم اجتماعی در توافق با حقیقت. تعالیم الهی بر حقیقت نور می‌افشاند و هر نفسی را قادر می‌سازد تا آن را به خوبی بررسی و تحقیق نماید و از طریق انضباط شخصی صفاتی را کسب کند که وجه تمایز نوع انسان است. حضرت بهاءالله می‌فرمایند ’طراز اول... در معرفت انسانست به نفس خود و به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزت و ثروت و فقر است.“^{۹۱}

تمرین‌های زیر شاید در اندیشیدن به نظرهای مطروحه از طرف بیت العدل اعظم به شما کمک کند:

۱. طبق بیان بیت العدل اعظم، _____ از خصوصیات بسیاری از جوامع معاصر است.
۲. در مورد جنبه‌های متعدد زندگی و اینکه چگونه تحریف حقیقت برای همسو نمودن آن با تمایلات شخصی بر این جنبه‌های زندگی اثر می‌گذارد بیاندیشید. دوستی، زندگی زناشویی، رفتار شخصی، تجلیات هنری، و معاملات تجاری تنها چند نمونه از این جوانب است.

۱. وقتی که تمایل مفرط برای جوان ماندن معیار رفتار شخصی را تعیین می‌کند، چه الگوهای رفتاری حاصل می‌شود؟

ب. بعضی از خصوصیات رفاقتی که هدف از برقرار کردن آن داشتن احساس خوب است کدامند؟

ج. وقتی که به همسر به عنوان فردی نگاه شود که باید برای شریک زندگی‌اش این امکان را فراهم سازد که هرآنچه می‌خواهد و میل دارد انجام دهد، چه مشکلاتی در زندگی زناشویی به وجود می‌آید؟

د. وقتی که آرزوی کسب شهرت و محبوبیت معیار جلوه‌های هنری قرار می‌گیرد، چه مفهومی از زیبایی ترویج می‌گردد؟

ه. وقتی که کسب سود بیشتر و بیشتر به عنوان اصل عمل تجارت پذیرفته شود، چه بی‌عدالتی‌هایی رخ می‌دهد؟

و. وقتی که آرزوی آزادی نامحدود ارتباط فرد را با مرجعیت توصیف می‌کند چه نوع طرز فکری پرورش می‌یابد؟

ز. وقتی که میل به بیشتر و بیشتر داشتن رابطهٔ بشر با طبیعت را توصیف کند، چه اثری بر روی محیط زیست و سلامت مردم جهان خواهد داشت؟

ح. چگونه منابع اخبار و اطلاعات برای تودهٔ مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرند وقتی که ترکیبی از خواسته‌ها از جمله سرگرم کردن و برانگیختن احساسات، فروختن کالا و عقاید، و ترویج منافع گروه‌های قدرتمند اجتماع بر این منابع حکم فرما باشد؟

۳. حال به جواب‌هایی که در بالا داده‌اید نگاه کنید و لیستی از ویژگی‌های اجتماعی که انرژی و منابع خود را صرف کوشش برای تحریف حقیقت برای هم‌سو کردن آن با تمایلات شخصی می‌کند، تهیه کنید. دو مثال برای کمک به شما داده شده است:

اجتماع تَمَرّد و سرپیچی را ترویج می‌کند.

طمع، یک فضیلت محسوب می‌شود.

۴. بیت العدل اعظم می‌فرمایند که در چنین اجتماعی، فرهنگی بروز نموده است که

۵. برای تفکر در بارهٔ اهمّیت بیان بیت العدل اعظم، به جملات زیر نگاه کنید. هریک بعضی از جوانب منظور از وجود انسان و طبیعت او را منعکس می‌کند. با استفاده از عبارات زیر برای تکمیل جملات، بعضی از راه‌هایی را که فرهنگ بسیاری از جوامع معاصر از آن طریق طبیعت و هدف

انسانی را منحرف می‌کنند، در نظر بگیرید: دارایی‌های دنیوی، افیون مصرف‌گرایی، تسلیم شدن به تمایلات پست، عشق به تجملات و زرو زیور مادّی، خود محوری.

۱. انجذاب به زیبایی، که باید به زیبایی خالق عالمیان سوق داده شود، در عوض _____

_____.

ب. اشتیاق روح بشری به رهایی از قید و بندها و کشمکش‌های جهان مادّی با _____ اشتباه گرفته می‌شود.

ج. به جای اینکه قلب انسان که برای محبت آفریده شده به خداوند تعلق داشته باشد، _____ دل‌بسته است.

د. اشتیاق هر نفسی برای یافتن معنی وجود خود _____ خموده شده است.

ه. تلاش برای خود شناسی، که باید منجر به درک آنچه انسان را به ترقی و عزت می‌رساند، در عوض او را به _____ رهنمون می‌شود.

۶. نامه‌ای که از طرف بیت العدل اعظم مرقوم گردیده شرح می‌دهد که به جای رفتن به دنبال تمایلات شخصی، سرور و رفاه بشریت منوط به _____ است.

۷. بیت العدل اعظم سپس به ما یادآور می‌شوند که تعالیم الهی _____ نور می‌افشاند.

۸. بیت العدل اعظم اشاره می‌کنند که نوری که به واسطهٔ تعالیم الهیه منتشر می‌شود، هر نفسی را قادر می‌سازد تا _____

_____.

بخش سی و یکم

قبل از آنکه مطالعهٔ نامهٔ بیت العدل اعظم را ادامه دهیم، شاید مایل باشید قدری در اینجا مکث نمایید و در مورد آنچه که تا به حال انجام داده‌ایم، تأمل کنید. ما برخی از شرایط جامعهٔ کنونی را بررسی

کردیم و در بارهٔ اینکه چگونه این شرایط، طبیعت و هدف بشر را تخیل نموده است تفکر نمودیم. مقادیر کلانی از منابع و انرژی زیادی صرف این می‌شود که انسان‌ها را متقاعد نماید که سعادت و رفاه او بستگی به دنبال کردن تمایلات شخصی‌اش دارد. دستگاه عظیمی در همهٔ دنیا در کار است که به تداوم بخشیدن به این فرضیه — در واقع به اشاعه عقاید جزمی مادی‌گرایی — اختصاص داده شده است و گروه‌های ذی‌نفع مسیر وقایع را کنترل می‌کنند. سخت نیست تصور کنیم که چگونه به مرور زمان، نسل‌های پیاپی کمالاتی را که شاخصهٔ وجود انسانی است بطور روزافزونی فراموش می‌کنند و "اسیر تخیلات و تصورات باطل" می‌شوند و "بازیچه‌ای در دست قدرتمندان" می‌گردند. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: "کدام ضیق و تنگی است که ازید از مراتب مذکوره باشد که اگر نفسی طلب حقیقی یا معرفتی بخواهد نماید نمیداند نزد کدام رود و از که جویا شود."^{۹۲} ممکن است این را مفید بیابید که راجع به اینکه چگونه این تعدی بطور سیستماتیک در عالم کنونی استمرار یافته است و چگونه بشریت می‌تواند از یوغ آن خود را رها سازد، یک یا دو پاراگراف بنویسید. در مورد قسمت دوم این تمرین، علاوه بر بیانی که در بخش ۳۰ آمده است از کلام حضرت بهاء‌الله، در زیر الهام خواهید گرفت:

"كُنْتُ فِي قَدَمِ ذَاتِي وَ أَزَلِيَةِ كَيْنُونِي عَرَفْتُ حُبِّي فِيكَ خَلْقَتِكَ وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مِثَالِي وَ أَظْهَرْتُ لَكَ جَمَالِي"^{۹۳} (مضمون: در ذات جاودانی و وجود ازلی خود بودم، از حب خودم نسبت به تو آگاه شدم، تو را خلق کردم و مثال خودم را در تو القا نمودم و جمال خودم را برای تو ظاهر کردم)

"مَثَلِ تُو مِثْلِ سَيْفِ پَر جَوْهَرِ يَسْتِ كِهْ دَرِ غَلَا فِ تِيْرِهْ پَنْهَانْ بَاشْدْ وَ بَايْنِ سَبَبِ قَدْرِ آنْ بَرِ جَوْهَرِيَانْ مَسْتَوْر مَانْدِ پَسْ اَزْ غَلَا فِ نَفْسِ وَ هُوِيْ بِيْرُونِ آيْ تَا جَوْهَرِ تُو بَرِ عَالَمِيَانْ هُوِيْدَا وَ رُوْشْنِ آيْدِ."^{۹۴}

"طُوبَى لِلَّذِينَ طَارُوا بِأَجْنَحَةِ الْإِنْقِطَاعِ إِلَى مَقَامِ جَعَلَهُ اللَّهُ فَوْقَ الْأَبْدَاعِ وَ اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَمْرِ عَلَى شَأْنٍ مَا مَنَعَتْهُمْ أَوْهَامُ الْعُلَمَاءِ وَ لَا جُنُودُ الْأَفَاقِ"^{۹۵} (مضمون: خوشا به حال کسانی که ببال انقطاع به مقامی که خداوند آن را بالاتر از کل مخلوقات قرار داده پرواز کردند و به نحوی در این امر استقامت نمودند که اوهام علما و لشکرهای جهان آنان را منع نمود)

"اعلم أن العالم من اعترف بظهورى و شرب من بحر علمى و طار فى هواء حُبِّى و نبذ ماسوائى و اخذ ما نزل من ملكوت بيانى البديع"^{۹۶} (مضمون: بدان که شخص عالم کسی است که به ظهور من اعتراف کند، از بحر علم من بیاشامید، در هوای حب من پرواز کند، غیر من را به دور افکند و آنچه را از ملکوت بیان جدید من نازل شده اخذ نماید)

و این کلمات حضرت عبدالبهاء نیز شما را بیشتر الهام خواهد بخشید:

”خداوند شما را برای حب و عرفان خویش برگزیده است؛ خداوند شما را برای خدمت برجسته‌ای
بوحدت عالم انسانی برگزیده است؛ خداوند شما را برای تحرّی حقیقت و انتشار صلح عمومی
برگزیده است؛ خداوند شما را برای ترقّی و تعالی بشر، برای انتشار و اعلان تعلیم حقیقی، برای
ابراز محبت به هم‌نوع خود و برای زایل کردن تعصبات برگزیده است؛ خداوند شما را برگزیده است
تا قلوب بشر را به یکدیگر الفت دهید و عالم انسانی را نورانی نمائید. ابواب فضلش مفتوح است؛
اما ما باید مراقب باشیم، هشیار و بیدار باشیم، به خدمت عالم انسانی پردازیم، نعمای الهی را
شاکر باشیم و متابعت ارادهٔ او نماییم.“^{۹۷} (ترجمه)

بخش سی و دوم

نامه‌ای که هم اکنون آن را مطالعه می‌کنیم، به دنبال تحلیلی مختصر از وضعیّت فعلی اجتماع نکاتی را در بارهٔ ماهیّت احکام و تعالیم حضرت بهاءالله مطرح می‌کند.

”آن حضرت اعلام می‌دارند که ’مقصود از هر ظهور ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً. ظهور حضرت بهاءالله سرآغاز پیدایش نسلی از نوع انسان است که ’خلقاً ما اطلع بهم احد الا نفسه المهيمن القيوم‘ است، نسلی که از ’دنس الوهم و الهوی‘ پاک خواهد بود و ’آثار عزّ سلطانه فی الأرض‘ را ظاهر خواهد ساخت. تعالیم حضرت بهاءالله ’آنچه سبب علوّ و سموّ و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض است‘ را فراهم می‌سازد. بنا بر این در ظهور حضرت بهاءالله، الگویی برای اجتماع آینده مندمج است که با آنچه که در گذشته تأسیس شده اساساً متفاوت بوده و ترویج احکام و نصایحش جزء لاینفکی از کوشش برای پی‌ریزی چنین اجتماعی می‌باشد.

”برای حفظ سلامت جسمانی و عقلانی بدیهی است که نمی‌توان قوانینی را که بر عالم مادی حکم فرماست نادیده گرفت. همان‌طور نیز همگان می‌پذیرند که برای هر ملّتی که بخواهد به نحو مطلوب به امور خود پردازد قوانین و سنن اجتماعی خاصی وجود دارد که باید از آنها پیروی شود. به همین نحو، قوانین و اصولی وجود دارد که بر حیات روحانی ما حاکم است و برای اینکه فرد و اجتماع کلاً به نحوی سالم و هماهنگ پیشرفت نمایند توجّه به آنها حائز اهمّیتی حیاتی است. فرد بهائی با شناسایی مظهر ظهور الهی برای عصر حاضر تصدیق می‌نماید که قوانین و نصایح نازلّه حقایق مربوط به ماهیّت انسان و منظور از عالم هستی را بیان می‌کند، بر آگاهی و ادراک انسان می‌افزاید، معیار رفتار شخصی را بالا می‌برد و موجبات ترقّی اجتماع را فراهم می‌سازد. به این ترتیب تعالیم حضرت بهاءالله سبب توان‌دهی نوع بشر است، منادی سعادت انسان است و بدون اصرار به اطاعت کورکورانه از مقرّراتی خودکامه و مستبدانه، او را به سرمنزل آزادی حقیقی رهنمون می‌گردد. حضرت بهاءالله می‌فرماید ’لو اتّبع النّاس ما نزلناه لهم من سماء الوحي لیجدنّ انفسهم فی حرّیه بحتة طوبی لمن عرف مراد الله فیما نزل من سماء مشیّته المهيمنة علی العالمین‘ (مضمون: اگر مردم از آنچه برای آنها از آسمان وحی فرستادیم پیروی می‌کردند، به یقین به آزادی کامل نائل می‌شدند). هم‌چنین می‌فرماید ’لا تحسبنّ انا نزلنا لکم الأحکام بل فتحنا

ختم الرّحیق المختوم بأصابع القدرة و الاقتدار،^{۹۸} (مضمون: گمان مبرید که برای شما احکام نازل کرده‌ایم بلکه مَهر شراب ناب را با انگشتان قدرت و اقتدار برایتان گشوده‌ایم. آنچه از قلم ظهور نازل شده به این امر گواهی می‌دهد.)

در پاراگراف بالا، بیت العدل اعظم بعضی از مفاهیم اساسی امر مبارک را که در دوره‌های قبلی این سلسله از مواد درسی به آن اشاره شده، مفاهیمی که قبلاً هم موضوع تأملات شخصی شما بوده‌اند، به ما یادآوری می‌کنند: منظور از ظهور حضرت بهاءالله؛ تحوّل عمیق مورد نظر حضرت بهاءالله در سطح فردی و در ساختار اجتماع؛ ماهیت قوانین مادی، اجتماعی و روحانی؛ فرایض دوگانه و تفکیک ناپذیر عرفان و اطاعت؛ و وظیفه ما در مورد تمسک به اوامر الهی. البته منظور ما در اینجا این نیست که ماهیت احکام بهائی را مطالعه کنیم، بلکه می‌خواهیم ببینیم چگونه هدایات بیت العدل اعظم به ما کمک می‌کند تا از اهمیت آنها آگاه شویم. با توجه به این مسائل، شاید مایل باشید تمرین‌های زیر را انجام دهید:

۱. بیت العدل اعظم الهی در پاراگراف فوق می‌فرمایند که با عرفان مظهر ظهور، فرد مؤمن همچنین مقروّ معترف است که احکام و نصایح او

ا. _____ بیان می‌کند.

ب. _____ می‌افزاید.

ج. _____ تعالی می‌دهد.

د. _____ متعالی می‌سازد.

ه. _____ فراهم می‌سازد.

۲. بیت العدل اعظم اشاره می‌فرمایند که تعالیم حضرت بهاءالله _____

۳. بیت العدل اعظم با اشاره به تعالیم حضرت بهاءالله می‌فرمایند که آنها _____ انسان است و بدون اصرار به اطاعت _____ از _____ و مستبدانه، او را _____ رهنمون می‌گردد.

۴. توضیح بیت العدل اعظم در مورد تعالیم حضرت بهاءالله، با مطالب بخش ۲۹ در توصیف نگرش جامعه گسترده به احکام دینی، بی‌نهایت متفاوت است. برای اینکه ببینیم چقدر این تفاوت شدید

است، شاید مایل باشید جملات زیر را با استفاده از این کلمات و عبارات کامل کنید: درک، وسایل ترقی اجتماعی، آزادی حقیقی، تواندهی، سعادت عالم انسانی، بیان حقیقت.

۱. احکام دینی غالباً قواعدی مستبدانه شمرده می‌شود در حالیکه آنها در واقع _____

ب. احکام دینی غالباً به عنوان مقررات خشک زاهدآبانه و منسوخ به شمار می‌آیند، در حالی که در حقیقت _____ فراهم می‌کنند فراهم می‌سازد.

ج. اغلب کسانی که احکام دینی را متابعت می‌کنند افرادی فاقد تفکر مستقل به شمار می‌آیند، در حالی که در واقع این احکام _____.

د. احکام دینی کورکورانه اطاعت نمی‌شوند بلکه بشر را _____.

ه. این احکام با تزویر و ریا بر دیگران تحمیل نمی‌گردد بلکه _____ رهنمون می‌گردد.

و. احکام الهی مقرراتی خودکامه و مستبدانه نیست بلکه _____.

آنچه که می‌تواند در اینجا برای ما مفید باشد این است که یکی از دستورات حضرت بهاءالله را بررسی کنیم تا ببینیم چگونه آگاهی ایجاد می‌کند، فهم را افزایش می‌دهد، موازین کردار و رفتار شخصی را ارتقاء می‌بخشد و جامعه را قادر به پیشرفت می‌سازد. آن حضرت در کتاب مستطاب اقدس می‌فرماید ”تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یندکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتخذوه لانفسکم معیناً“^{۹۹}. (مضمون: ای مردم ازدواج کنید تا از شما فردی بوجود آید که من را در بین بندگانم ذکر نماید. این امر من است به شما، آن را برای کمک به نفس خود بپذیرید.) این حکم چه حقیقتی را در باره ماهیت انسان و منظور از وجود او بیان می‌کند؟ چه حقیقتی را در باره نظام صحیح اجتماع بیان می‌دارد؟ بعضی از تأثیراتی که این حکم بر روی کردار و رفتار شخصی می‌گذارد، چیست؟ بعضی از مقتضیات آن برای پیشرفت اجتماع چیست؟ شاید مایل باشید افکار خود را در زیر بنویسید.

بخش سی و سوم

حال بیابید به مطالعهٔ نامهٔ بیت العدل اعظم باز گردیم. پاراگراف‌هایی که در بخش‌های ۲۹ و ۳۰ مطالعه کردیم، برخی از شرایط جامعهٔ کنونی را برای ما توصیف نمود، بخصوص اینکه چگونه گسترش مادی‌گرایی بر اخلاقیات تأثیر می‌گذارد. در بخش قبل، دو پاراگراف شامل نظرهایی در مورد ماهیت احکام و تعالیم حضرت بهاء‌الله را بررسی کردیم. در پاراگراف زیر، این نامه به سؤال یکی از احباء می‌پردازد و مسئولیت‌هایی را که در مواجهه با انحطاط اخلاقی روزافزون بر دوش هر یک از پیروان آن حضرت گذارده شده است، مورد بحث قرار می‌دهد.

”بهائیان در سراسر جهان در فرهنگ‌های متنوع، با ارزش‌ها و با روش‌هایی مواجه می‌شوند که با تعالیم امری شدیداً در تضاد است و بعضی از آنها مانند تعصب نژادی، تبعیضات جنسی، استثمار اقتصادی و فساد سیاسی در بطون ساختارهای اجتماعی نهادینه شده‌اند. برخی دیگر به رفتار شخصی مربوط می‌شوند علی‌الخصوص در مورد مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، رفتار جنسی و بطور کلی ارضای امیال نفسانی. اگر بهائیان تسلیم آداب و رسوم اجتماع شوند این شرایط چگونه تغییر خواهد کرد؟ در پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم توضیح داده شده که ’نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به ستوه آمده است‘ و ذکر شده که ’یک فرد به تنهایی می‌تواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد‘. جوانان بهائی بخصوص باید مواظب باشند که مبادا گمان برند که می‌توانند بر طبق رویهٔ معمول اجتماع معاصر زندگی کنند و در عین حال به خاطر آرامش وجدان خود و یا برای جلب رضایت جامعه، آرمان‌های بهائی را به حد اقل لازم

رعایت نمایند زیرا به زودی خود را در تلاش برای اطاعت از حقیقتی ابتدایی‌ترین مبادی اخلاقی بهائی و برای مقابله با چالش‌های نسل خود ناتوان خواهند یافت. حضرت بهاء‌الله هشدار می‌دهند که 'اجنحه آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود.' شادی درونی که هر فردی جوید آن است برخلاف احساسات و هیجانات زودگذر، مشروط به تأثیر عوامل بیرونی نیست بلکه کیفیتی است منبث از ایقان و معرفت آگاهانه ناشی از قلبی پاک که قادر است آنچه را که دائمی و جاودانی است از آنچه سطحی و زودگذر است تمیز دهد. حضرت بهاء‌الله ما را با این عبارات متذکر می‌فرمایند 'ارکض فی برّ العماء ثم اسرع فی میدان السماء لن تجد الراحة الا بالخضوع لأمرنا و التواضع لوجهنا.'^{۱۰۰} (مضمون: اگر فضای بیکران را با سرعت بپیمایی و به سرعت از وسعت آسمان بگذری، باز هم هرگز راحت را نخواهی یافت مگر در اطاعت از امر ما و تواضع در برابر وجه ما.)

پاراگراف فوق شامل نکات ضروری بسیاری است که شاید بخواهید در باره آنها تعمق کنید. ولی در اینجا باید بر روی یکی از این نکات بررسی بیشتری انجام دهیم. بیت العدل اعظم افراد جوان را به خصوص علیه تمسک به موازین امری به حد اقل ممکن، صرفاً به خاطر آرامش وجدان خود یا برای راضی کردن جامعه، هشدار می‌دهند. این هشدار به این معنی است که اگر اجازه دهیم موازین دلخواهمان متزایداً رو به تنزل گذارد و تلاشمان را متوالیاً تقلیل دهیم، بزودی خود را عاجز و ناتوان خواهیم یافت. راهی که ظاهراً کمتر سهمگین و دشوار به نظر می‌رسد مآلاً قوای ما را به تحلیل می‌برد و توان‌های ذهنیمان را، که شاید قدرت احساس شادمانی پایدار یکی از آنها باشد، کاهش می‌دهد. بیایید این افکار را با نگاهی به یکی از آرمان‌های بهائی — یعنی یکی از نصایح حضرت بهاء‌الله — بررسی کنیم: "براستی می‌گویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت می‌آلاید عفا الله عما سلف از بعد باید کلّ بما ینبغی تکلم نمایند از لعن و طعن و ما یتکدر به الانسان اجتناب نمایند."^{۱۰۱} ببینید کدام یک از موارد زیر صحیح و کدام یک غلط است:

۱. اگر واقع بینانه بنگریم، غیر ممکن است که ما بتوانیم از الگوهای فکری مرتبط با غیبت و شایعه‌پردازی فرار کنیم، زیرا بسیاری از وسایل ارتباط جمعی — حتی رسانه‌های خبری — ما را به تمرکز بر زندگی اطرافیانمان تشویق می‌کنند. □ ص □ غ

ب. اگر راه میانه‌ای در پیش گیریم و گاهی به غیبت و شایعه‌پردازی گوش دهیم، ولی عملاً در آن شرکت نکنیم، دوستان

- و همکارانمان ما را خشک مقدّس و خودبرحقّ بین فرض
نمی‌کنند. □ ص □ غ
- ج. اگر بگذاریم دوستان و همکارانمان هر از چندی دلخوری‌های
خود از دیگران را پیش ما خالی کنند، این می‌تواند وسیله‌ای
باشد برای تقویت پیوند دوستی و اعتماد. □ ص □ غ
- د. تهمت و افترا، جوّی از سوءظن و عدم اعتماد به وجود می‌آورد.
□ ص □ غ
- ه. در محیطی از سوءظن و عدم اعتماد، مردم توان‌شان را از دست
می‌دهند. □ ص □ غ
- و. در محیطی از سوءظن و عدم اعتماد، افراد انگیزهٔ خود را برای
بذل کوشش در جهت خیر دیگران از دست می‌دهند. □ ص □ غ
- ز. در فرهنگی که تهمت و غیبت رایج است، به آسانی می‌توان
احساس صحیح و غلط بودن را از دست داد. □ ص □ غ
- ح. در عین حال که باید از بدزبانی بپرهیزیم، بیان مطلبی طعنه‌آمیز
به حالت شوخی، روش درستی برای رسانیدن یک نکته است،
بدون اینکه عملاً حرفی انتقادی دربارهٔ کسی زده باشیم. □ ص □ غ
- ط. می‌توان زبانی طعنه‌آمیز و در عین حال چشمی خطاپوش داشت.
□ ص □ غ
- ی. طعنه زدن قابل قبول است اگر متوجه افراد نباشد، بلکه
متوجه موجودیّت‌های انتزاعی مانند نظام‌های اجتماعی،
مؤسّسات و یا مسئولین امور باشد. □ ص □ غ

- ک. قابلیت ما برای بالا بردن سطح گفتگو در محیطی که افراد دائماً یکدیگر را تحقیر می‌کنند با بکار بردن زبانی طعنه‌آمیز افزایش می‌یابد. □ ص □ غ
- ل. قابلیت ما برای شادکردن دیگران از طریق بکار بردن زبانی طعنه‌آمیز زیاد می‌شود. □ ص □ غ
- م. اگر به طعنه‌زنی عادت کنیم، بسادگی به درشت‌گویی هم خواهیم پرداخت. □ ص □ غ
- ن. اگر این عادت را در خود پرورش دهیم که با زرنگی زبان درشت را با زبان نرم ولی گزنده ترکیب کنیم، بسادگی به زبان توهین‌آمیز نیز خواهیم پرداخت. □ ص □ غ

بخش سی و چهارم

پاراگراف بعدی از نامه از طرف بیت العدل اعظم به مسئله اطاعت می‌پردازد.

”پس وظیفه اطاعت از احکامی که حضرت بهاء‌الله برای عصری جدید آورده‌اند در مرحله اول بر عهده شخص مؤمن است. این اطاعت در کانون روابط بین حبيب و محبوب جای دارد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند ‘اعملوا حدودی حباً لجمالی.’ و لکن آنچه در این رابطه مورد نظر می‌باشد سعی و کوشش مبتنی بر اشتیاقی صمیمانه است نه حصول کمال فوری و آنی. صفات و عادات فکری و کرداری که وجه تمایز حیات بهائی است از طریق کوشش روزمره حاصل می‌شود. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: ‘حاسب نفسک فی کلّ یوم’ و توصیه می‌فرمایند که ‘اجعلوا اشراقکم افضل من عشیکم و غدکم احسن من امسکم.’ احبای عزیز نباید در تلاش‌ها و مساعی شخصی خود برای نیل به موازین الهی دل‌سرد گردند، و نیز نباید فریب این استدلال را بخورند که چون اشتباه اجتناب‌ناپذیر و رسیدن به کمال غیر ممکن می‌باشد، پس کوشش در این راه

بیهوده است. از طرفی باید از دام ریاکاری، یعنی گفتن یک چیز و عمل به چیز دیگری بر حذر باشند و از طرف دیگر از غفلت یعنی بی‌اهمیت شمردن قوانین و نادیده گرفتن لزوم و یا بحث در باره عدم نیاز پیروی از احکام، بپرهیزند. همچنین لازم است از فلج اراده ناشی از احساس گناه اجتناب کنند زیرا که نگرانی مفرط در مورد یک ضعف اخلاقی خاص برآستی می‌تواند در مواقعی غلبه بر آن را مشکل‌تر سازد.“^{۱۰۲}

تمرین‌های زیر شاید در تفکر در باره نکاتی که بیت العدل اعظم در این پاراگراف بسیار مهم که خصوصیات معنوی اطاعت را توصیف می‌نماید مطرح نموده‌اند، به شما کمک کند.

۱. وقتی که بر طبق موازین بهائی رفتار نمی‌کنیم، باید

۱. قبول کنیم که رسیدن به کمال غیر ممکن است و دست از تلاش برداریم. □ ب □ ن

ب. قبول کنیم که اگر به کوشش خود ادامه دهیم، بر ضعف‌های خود غلبه خواهیم کرد. □ ب □ ن

ج. آشکارا در مورد شکست‌های خود با مردم صحبت کنیم تا ثابت نماییم که ریاکار نیستیم. □ ب □ ن

د. موضوع را پیش خودمان نگه داریم و در عین حال، ظاهر آراسته خود را در جامعه حفظ کنیم. □ ب □ ن

ه. از روی شرم خود را از حیات جامعه کنار بکشیم. □ ب □ ن

و. اطمینان داشته باشیم که خداوند بر ضعف‌های ما آگاه است و کوشش‌های خالصانه ما را به فضل خود قبول خواهد کرد. □ ب □ ن

۲. وقتی که اشتباهی را مرتباً تکرار می‌کنیم، نشان‌دهنده این است که

- ا. ما به حد کافی سعی نمی‌کنیم. ب ن
- ب. ما غفلت می‌کنیم. ب ن
- ج. ما بی‌دقتیم. ب ن
- د. موضوعی هست که ما آن را نمی‌فهمیم. ب ن
- ه. خودمان را همان‌طوری که هستیم قبول کرده‌ایم. ب ن
- و. ترسی از شکست نداریم. ب ن

۳. تمرکز زیاد بر قصور اخلاقی مان و احساس گناه در مورد آنها

- ا. نشان می‌دهد که چقدر به حضرت بهاء‌الله عشق می‌ورزیم. ب ن
- ب. نشان می‌دهد که بهائیان خوبی هستیم. ب ن
- ج. نشان می‌دهد که ما پشیمانیم. ب ن
- د. به ما کمک می‌کند تا بکشیم بار دیگر نلغزیم. ب ن
- ه. ما را به خودمان مشغول می‌دارد. ب ن
- و. مانع مشارکت ما در حیات جامعه می‌شود و قابلیت ما را برای خدمت کاهش می‌دهد. ب ن

- ز. می‌تواند بهانه‌ای برای سستی و بی‌تحرکی باشد، ولو بطور ناخودآگاه. ب ن
- ح. نشان می‌دهد که نفس اماره ما را به بازی گرفته است. ب ن
۴. با تلاش برای اطاعت از احکام حضرت بهاء‌الله و پای‌بندی به موازین مقررۀ آن حضرت
- ا. تأییدات و توفیقات الهی را به مجهودات خویش جلب می‌کنیم. ب ن
- ب. یاد می‌گیریم تا از قوایی مدد‌گیریم که در مجاری پاک جریان می‌یابد. ب ن
- ج. مواهب یک زندگی مزین به پاکی و تقوا را درک می‌کنیم. ب ن
- د. بینش روحانی خود را شدت می‌بخشیم و از زیبایی موازین مقررۀ الهی بیشتر آگاه می‌شویم. ب ن
- ه. بیشتر در می‌یابیم که همه چیز بستگی به قبول و رضایت خداوند دارد. ب ن

شاید مایل باشید در مورد اینکه چگونه توصیه حضرت بهاء‌الله، یعنی ”حاسب نفسک فی کلّ یوم“ (مضمون: هر روز نفس خود را بسنج)، به وظیفۀ ما در اطاعت از احکامی که آن حضرت برای ما آورده مرتبط می‌باشد، یک یا دو پاراگراف بنویسید.

بخش سی و پنجم

نامه بیت العدل اعظم با پاراگراف‌های زیر به انتها می‌رسد که در آنها رابطه بین کوشش‌های فردی برای رعایت موازین بهائی، و مساعی ما در سطح مردمی برای ایجاد یک جامعه پویا توضیح داده شده است.

”آنچه احباً باید در این مورد به خاطر داشته باشند این است که آنان در مساعی خود برای نیل به رشد فردی و برای رعایت تعالیم بهائی، افراد تک‌افتاده‌ای نیستند که به تنهایی در برابر حمله نیروهای فساد اخلاقی عامل در اجتماع مقاومت می‌کنند. آنان اعضای جامعه‌ای هدف‌مند هستند، جامعه‌ای که دامنه‌اش پهنه جهان است و مأموریتی روحانی و عظیم را دنبال می‌کند یعنی کوشش برای استقرار یک الگوی عمل و ساختاری اداری که مناسب نوع بشری است که پا به عصر بلوغ خود می‌گذارد. آنچه به مجهودات جامعه شکل می‌دهد چارچوب عمل تعیین شده در نقشه‌های جهانی آیین بهائی است. این چارچوب تقلیب فردی را هم‌گام با تقلیب اجتماعی به عنوان دو فرایند جدایی‌ناپذیر ترویج می‌نماید. دوره‌های مؤسسه آموزشی اختصاصاً بدین منظور طراحی شده‌اند که فرد را در مسیری قرار دهند که در آن، خصایل و گرایش‌ها، و مهارت‌ها و توانمندی‌ها تدریجاً از طریق خدمت کسب می‌شوند، خدمتی به قصد غلبه بر نفس اماره، کمک به رهانیدن انسان از حدود و قیود خویش و قرار دادن او در یک فرایند پویای جامعه‌سازی.

”در این بستر هر فرد خود را غرق در فضای جامعه‌ای می‌یابد که به نحوی فزاینده به منزله محیطی عمل می‌کند که موجب پرورش خصایلی است که باید زندگی بهائی را متمایز سازد، محیطی که در آن روح یگانگی به همگان زندگی و تازگی می‌بخشد؛ محیطی که در آن علقه دوستی و

الفت افراد را به هم پیوند می‌دهد؛ محیطی که در آن با اشتباهات با بردباری معامله می‌شود و ترس از شکست کاهش می‌یابد؛ محیطی که در آن از تنقید دیگران پرهیز می‌شود و غیبت و بدگویی جای خود را به تشویق و حمایت متقابل می‌سپارد؛ محیطی که در آن پیر و جوان دوش به دوش هم فعالیت می‌کنند، کلام خلاق الهی را مطالعه می‌نمایند و در مسیر خدمت‌شان یکدیگر را همراهی می‌کنند؛ محیطی که در آن کودکان از طریق فرایندی آموزشی که سعی در تقویت قوای روحانی آنان دارد و روح ایمان را در آنان می‌دمد پرورش می‌یابند؛ محیطی که در آن به جوانان کمک می‌شود تا مفاهیمی نادرست را که اجتماع اشاعه می‌دهد دریابند، مشغولیت‌های بیهوده آن را تشخیص دهند، در برابر فشارهای آن مقاومت کنند و در عوض قوای خود را صرف بهبود آن نمایند. مؤسسات امری به نوبه خود می‌کوشند تا چنین محیطی پرورش یابد. مؤسسات نه در زندگی شخصی افراد کنجکاوی می‌کنند و نه با کینه‌توزی و تنقید مشتاق مجازات افرادی هستند که در رعایت موازین امری کوتاهی می‌کنند. این مؤسسات به جز در موارد حادّ بی‌اعتنایی فاحش و گستاخانه به احکام الهی که احتمالاً ممکن است به امر مبارک لطمه زند و احیاناً تشکیلات را وادار به اعمال مجازات‌های اداری نماید، توجه‌شان را به تشویق، مساعدت، نصیحت و تعلیم و تربیت معطوف می‌دارند.

”یک چنین محیطی، پویایی و تحرّکی به وجود می‌آورد که با آنچه به خصوص در اجتماعات فردگرای امروزی یافت می‌شود بسیار متفاوت است. مثلاً ازدواج لازم نیست زیاد به تأخیر افتد مانند آنچه در برخی از مناطق جهان معمول است، مناطقی که در آن به اعتبار مجوزی اجتماعی برای طولانی کردن دوران نوجوانی، قبول مقتضیات و مسئولیت‌های دوران بلوغ به تعویق می‌افتد. برای فردی که به ایجاد محیطی که جامعه بهائی است، هم کمک می‌کند و هم از آن نیرو می‌گیرد رعایت احکام بهائی کوششی است مشحون از معنا و مفهوم و گرچه این تلاش شاید در بعضی مواقع مشکل هم باشد ولی چالشی فایق‌نشدنی که شما از آن بیم دارید نیست.“^{۱۰۳}

با این سه پاراگراف، نامه وارد مبحث جامعه و مؤسسات امری و مسئولیت‌های آنها در قبال حمایت از کوشش افراد در رعایت آرمان‌های بهائی می‌شود. بسیاری از نکات مطرح شده در اینجا را با مطالعه نامه خطاب به یکی از محافل روحانی ملی در بخش بعدی باز بررسی خواهیم کرد. پس عجلتاً شاید مایل باشید نکات مطرح شده در بیان بالا را با کامل کردن جملات زیر صرفاً مرور نمایید:

۱. در بیان اول، با اشاره به مساعی فردی احباء، بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند: آنچه احباً باید در این مورد به خاطر داشته باشند این است که آنان در مساعی خود _____ و _____ ، افراد تک‌افتاده‌ای نیستند _____ در برابر حملهٔ _____ عامل در اجتماع مقاومت می‌کنند. آنان _____ جامعه‌ای _____ که دامنه‌اش پهنهٔ جهان است _____ روحانی و عظیم _____ کوشش برای استقرار _____ مناسب نوع بشری است که پا به _____ . آنچه به _____ چارچوب عمل تعیین شده _____ . این چارچوب _____ هم‌گام با _____ به عنوان دو فرایند _____ می‌نماید. _____ اختصاصاً بدین منظور طراحی شده‌اند که فرد را در _____ که در آن، _____ ، و _____ تدریجاً از طریق _____ کسب می‌شوند، خدمتی به قصد _____ ، کمک _____ انسان از _____ و _____ اودر _____ .

۲. در پاراگراف بعدی، بیت العدل اعظم فرایند جامعه سازی را توضیح می‌دهند که ما در سطح مردمی به آن مشغولیم، و اشاره می‌کنند که هر فرد خود را _____ جامعه‌ای می‌یابد _____ به منزلهٔ محیطی عمل می‌کند که موجب _____ باید زندگی بهائی را متمایز سازد، محیطی که در آن _____

- _____ روح یگانگی _____
- _____ علقهٔ دوستی _____
- _____ اشتباهات _____
- _____ ترس از شکست _____
- _____ تنقید دیگران _____
- _____ غیب و بدگویی _____
- _____ پیرو جوان _____

- کودکان

- جوانان

۳. پاراگراف دوم چنین ادامه می دهد: مؤسسات امری _____ می کوشند تا چنین _____ .
مؤسسات _____ شخصی افراد _____ و نه _____ و _____ مشتاق
_____ افرادی _____ که _____ موازین امری _____ . این مؤسسات به جز در موارد
_____ و _____ که احتمالاً ممکن است به امر _____
و احیاناً _____ ، _____ به _____ ، _____ ،
_____ و _____ معطوف می دارند.

۴. در پاراگراف آخر نامه چنین آمده است: یک چنین محیطی، _____ به وجود می آورد که با
آنچه به خصوص در _____ . مثلاً _____ لازم
نیست _____ مانند آنچه در برخی از مناطق جهان _____ ، مناطقی که در آن به
اعتبار مجوزی اجتماعی _____ .
برای فردی _____ که جامعه بهائی است، هم _____ و هم _____
_____ رعایت احکام بهائی _____ مشحون از _____ و _____ و گرچه این
تلاش شاید _____ مشکل هم باشد _____ که شما _____ .

بخش سی و ششم

در طی چند بخش قبلی، در نامه مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ نوشته شده از جانب بیت العدل اعظم و
هدایات ارائه شده به یکی از افراد احباء در باره مواضعی مرتبط به احکام بهائی، تأمل کردیم. حال
آماده ایم تا به مطالعه مختصری از نامه مؤرخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ خطاب به یکی از محافل روحانی ملی در
اروپای غربی پردازیم که در آن سؤال شده بود چگونه محفل می تواند اعضای جوان جامعه خود را در راستای
رعایت موازین اخلاقی مقرر در تعالیم مبارک کمک نماید. این نامه بعداً با دیگر محافل روحانی ملی در
میان گذارده شد. ما پژوهش مان را به چند مفهوم محدود خواهیم کرد و با قرائت فقط دو یا سه گزیده، چند
تمرین مرتبط را انجام خواهیم داد.

این نامه با اشاره به نامه مؤرخ ۱۹ آوریل - که نسخه‌ای از آن به صورت ضمیمه به محفل ملی ارسال شده بود - آغاز می‌شود و نکات مندرج در آن را شرح و بسط می‌دهد. در واقع این نامه گویی از جایی شروع می‌کند که نامه قبلی با آن خاتمه یافت. در این رابطه، در نامه اشاره شده است که

”... بررسی نکات مورد نظر به بهترین وجه می‌تواند در پرتو روابطی صورت گیرد که نظم اداری بهائی سعی در برقراری آن بین فرد، مؤسّسات و جامعه دارد. در عین حال که مسئولیت رعایت موازین بهائی در وهله اول بر عهده فرد مؤمن است ولی مؤسّسات وظیفه دارند که افراد را، عمدتاً از طریق مجهودات آموزشی، حمایت نمایند و الگویی از حیات جامعه را ترویج دهند که موجب ترقی و تعالی روحانی اعضا باشد. این نکته نیز البته قابل درک است که مؤسّسات بهائی با بر عهده داشتن این وظایف و دیگر وظایف مقدّسه، ممکن است گاه به گاه اقدام خاصی را برای صیانت جامعه و جامعیت احکام بهائی لازم بدانند.“^{۱۰۴}

اولین موضوع مورد بحث روشی است که مؤسّسات امرالهی مسئولیت‌های آموزشی خویش را در قبال احبّاء به اجرا می‌گذارند. هدف این نیست که ”هشدارهای مکرر“ یا ”تعلیماتی خشک و بی‌روح“ راجع به رفتار صحیح ارائه دهند بلکه باید به ”ازدیاد آگاهی و افزایش درک احبّاء“ پردازند. از این نظر، نامه خطاب به محفل ملی، بطور مختصر، فرایند آموزشی‌ای را که بدان طریق مؤسسه آموزشی سعی می‌کند افراد را به آن جذب کند، شرح می‌دهد. محور این فرایند، که متمرکز بر قابلیت‌سازی برای خدمت می‌باشد، ”تماس با کلام الهی است که قدرتش تداوم بخش مساعی هر فرد در تطهیر قلب خویش و پیمودن مسیری از خدمت با ”قدم انقطاع“ می‌باشد.“ پس ”اعمال حسنه و انضباط نفس“ در میدان عمل پرورش می‌یابد.

این نامه با این بحث ادامه می‌یابد که چگونه پرورش اخلاقی فرد با حیات جامعه ارتباط دارد. در این بحث، چند فقره از توقیعاتی را که از جانب حضرت ولی‌امرالله مرقوم گردیده و افراد مؤمنین را تشویق می‌کند که از طریق ”مشارکت فعالانه و صمیمانه و مستمر“ در فعالیت‌های جامعه تعلیم یابند و ”جزئی واقعی از آن موجود زنده“ گردند، بازگو شده است. بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند که ”یک چنین مشارکت مشتاقانه در فعالیت‌های امری“ زمینه‌ای برای مساعی فرد فراهم می‌سازد ”تا حیات خود را با تعالیم حضرت بهاءالله تطبیق دهند.“ ”هنگامی که علاقه حفظ موازین بهائی از طریق خدمت به مصالح عمومی در محیطی سرشار از عشق بی‌دریغ و تشویق صمیمانه پرورش یابد“، افرادی که با مشکلات مواجه‌اند، ”از فرط شرمساری احساس نخواهند کرد که راهی جز کناره‌گیری از فعالیت‌های جامعه ندارند و یا حتی بدتر از آن، خود را مجبور نخواهند یافت که چالش‌های خویش را با پوششی از ادب و نزاکت بپوشانند و حیاتی را پیش گیرند که در آن گفتارشان نزد عموم با رفتارشان در خلوت در تباین و تضاد باشد.“

در اینجا بیت العدل اعظم مستقیماً به موضوع جامعه می‌پردازند و توجه محفل ملی را به نامه مؤرخ ۱۹ آوریل که قبلاً مطالعه کردیم جلب می‌نمایند و اشاره می‌فرمایند که این نامه "بعضی از ویژگی‌های حیات جامعه‌ای را که بهائیان با راهنمایی مؤسّسات امری برای ایجاد آن در تلاش هستند" شرح می‌دهد. "محیط مورد نظر در اصل محیطی است مملوّ از محبّت و حمایت که در آن مؤمنین، همگی در عین تلاش برای نیل به موازین بهائی در رفتار شخصی خود، نسبت به یکدیگر شکیبایی و احترام نشان می‌دهند و در مواقع لزوم از نصایح حکیمانه و مساعدت بی‌دریغ برخوردار می‌شوند." سپس هشدار داده می‌شود:

"در این رابطه، هر محفل ملی لزوماً باید قبول نماید که اگر محبّت و حمایت متقابل تنها نکته مورد توجه در درون جامعه باشد، اگر چه به تنهایی از اهمّیت خاصی برخوردار است، ولی این مسئله باعث خواهد شد که محیطی را که ناشی از ذهنیتی محدود ایجاد شود. جامعه جهانی بهائی رسالتی تاریخی بر عهده دارد و هم‌گام با گسترش روزافزون خود باید قابلیت پرداختن به نیازهای روحانی و مادی را که دائماً پیچیده‌تر می‌شوند کسب کند. پیام بیت العدل اعظم مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ به این نکته اشاره می‌نماید که: 'یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا و ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد - یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سر و کار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید.' سلسله نقشه‌های جهانی کنونی تمهیداتی برای ایجاد تدریجی قابلیت فردی و جمعی برای این مأموریت جامعه فراهم می‌سازد. هر یک از مؤسّسات جامعه بهائی که به وضع موجود خود قانع باشد، در حفظ جوانان از قوای مادی‌گرایی بی‌حدّ و انحطاط اخلاقی ملازم آن که اجتماع را مورد حمله قرار داده‌اند با مشکلاتی مواجه خواهد شد. نکات فوق به ماهیت فرایند قابلیت‌سازی که هر مؤسسه بهائی باید با جدّیت به آن اشتغال ورزد اشاره می‌کند."^{۱۰۵}

در زیر چند تمرین ارائه شده که ممکن است در تأمل در باره برخی از نکاتی که بیت العدل اعظم در این بیان مطرح نموده‌اند، و نیز در باره مطالب پاراگراف‌های بخش ۳۵، که همچنین به پرورش اخلاق فردی و حیات جامعه مربوط می‌شوند، به شما کمک کند. شاید مایل باشید قبل از تکمیل این تمرین، به آن بیانات برگردید و دوباره آنها را بخوانید.

۱. بیت العدل اعظم اشاره می‌فرمایند که ما اعضای جامعه‌ای هدفمند هستیم که مأموریت روحانی عظیمی را دنبال می‌کند، جامعه‌ای که به بطور فزاینده‌ای محیطی را به وجود می‌آورد که در آن قادریم صفات و خصوصیات را پرورش دهیم که شاخصه حیات بهائی است. بعضی از ویژگی‌های محیطی که بیت العدل اعظم در نامه‌هایی که مطالعه می‌کنیم ذکر نموده‌اند، چیست؟

۲. چگونه یک محیط با ویژگی‌هایی که در بالا ذکر کرده‌اید، به افراد کمک می‌کند تا در مأموریتی که حضرت بهاء‌الله به آنان محول فرموده‌اند، توفیق یابند؟

۳. بیت العدل اعظم به محیطی که در جامعه‌ای با ذهنیتی محدود به وجود آمده است، اشاره می‌فرمایند. در حالی که یک چنین جامعه در بسیاری از ویژگی‌های جامعه‌ای که شما در بالا توصیف کرده‌اید مشترک است، اما هر دو به یک طریق بر اعضایشان تأثیر نمی‌گذارند. چه ویژگی‌هایی در یکی دیده می‌شود که در دیگری موجود نیست؟

۴. چگونه خودخوشنودی، اعضای جامعه را در مقابل نیروهای مادی‌گرایی آسیب پذیر می‌سازد؟

۵. در محیطی که شاخصه‌اش یک حس قوی هدفمندی برای ایجاد تغییر است، اخلاقیات و روحانیات با بی‌تفاوتی و بی‌ارادگی ارتباط ندارد بلکه با انرژی و فعالیت مرتبط است. برای تفکری کوتاه در باره مقتضیات این مفهوم اخلاقیات، پنج جمله زیر را کامل کنید:

ا. در حالیکه خوب بودن غالباً به معنی آزار نرساندن به دیگران تعریف شده است، محیط جامعه بهائی سعی در ترویج نوعی از خوبی دارد که _____

ب. اگرچه تواضع گاهی با عدم قابلیت و عدم اعتماد به نفس مرتبط است، محیط جامعه بهائی سعی در ترویج نوعی از تواضع دارد که _____

ج. اگرچه پاکی و خلوص غالباً با ضعیف بودن و سادگی مرتبط است، محیط جامعه بهائی سعی در ترویج نوعی از پاکی و خلوص دارد که _____

د. اگرچه صداقت و راستگویی غالباً فقط به نگفتن دروغ‌های واضح تعریف می‌شود، محیط جامعه بهائی سعی در ترویج نوعی از صداقت و راستگویی دارد که _____

ه. اگرچه عدالت غالباً به عدم تجاوز به حقوق دیگران تعریف می‌شود، محیط جامعه بهائی سعی در ترویج نوعی از عدالت دارد که _____

حال، در پرتو تمرین‌های بالا، در گروه خود بحث کنید که معنی تمسک به معیارهای بهائی در خلال این دوران گذر از طفولیت بشر به مرحله بلوغ او چیست و چگونه شرکت در حیات جامعه کمک می‌کند تا فضائل اخلاقی مناسب این عصر پرورش یابد، فضائلی که ما را قادر می‌سازد تا با نیروهای انحطاط اخلاقی که امروزه عالم را فرا گرفته، مبارز کنیم.

بخش سی و هفتم

مؤسسات امری علاوه بر مسئولیت‌های خود در راستای حمایت افراد احباء و تقویت الگوی پویای حیات جامعه، ممکن است لازم باشد تا اقدامات خاصی در جهت صیانت جامعه و اصالت احکام بهائی اتخاذ نمایند. بعضی از نکاتی که در این رابطه در نامه از طرف بیت العدل اعظم خطاب به محفل ملی مطرح گردیده، در زیر آمده است.

شرایطی که در آن ممکن است احتیاج به اقدام مؤسسات باشد، واضحاً بیان شده است: وقتی که ”احکام بهائی در انظار عمومی و به نحوی فاحش نقض گردد و احتمالاً به اعتبار و حسن شهرت امر مبارک لطمه زند“، یا ”وقتی که فردی جسورانه نسبت به تعالیم و مؤسسات امری بی‌اعتنایی نموده عواقب زیان‌بخشی در امور جامعه بهائی به بار آورد.“ به چنین مواردی باید با ”نهایت دقت و رعایت حکمت“ توجه شود. از طرفی محافل روحانی نباید ”برخوردی بی‌تفاوت داشته باشند که به مثابه اغماض از رفتار مغایر با تعالیم الهی تلقی شود و ضرورت اطاعت از احکام بهائی را در انظار اعضای جامعه تضعیف نماید“، و از طرف دیگر، نباید ”با شتاب و یا با عدم انعطاف‌پذیری به تنفیذ احکام و تحمیل مستبدانه محدودیت‌های اداری مبادرت ورزند.“

اگر وضعیت و یا رفتار فردی آنقدر بی‌پرده باشد که توجه محفل را به خود جلب نماید، محفل معمولاً "فرد مربوطه را با لحنی محبت‌آمیز ولی جدی نصیحت" می‌نماید، البته بعد از به دست آوردن "تصویر نسبتاً روشنی از مسائل [ی]" که در دست است. شاید اول باید معلوم شود که "فرد مؤمن تا چه حد امر الهی و موازین آن را درک می‌کند"، و محفل باید آماده باشد که او را بی‌طرفانه و "غالباً برای مدتی طولانی" نصیحت کند تا درک او را نسبت به "مقتضیات احکام الهی" افزایش دهد. ممکن است لازم باشد که محفل، اغلب با مساعدت مشاورین و یا اعضای هیئت معاونت، به شخص کمک کند تا "در بارهٔ وضع خاص خود تفکر و تعمق نماید، اصول مربوطه را به مرحلهٔ عمل در آورد و امکانات مختلفی را که در دسترس دارد مورد تفحص قرار دهد." به مؤسسات توصیه شده است که صبر و شکیبایی بکار برند و به فرد مربوطه "فرصت کافی داده شود تا بتواند در رفتارش تغییراتی حاصل نماید". همچنین باید مواظب باشند تا مشکل فرد "سبب غیبت و اختلاف در جامعه نشود". دیگر اعضای جامعه "موظفند قوای خویش را در جهت ترقی روحانی و غلبه بر نقایص خود سوق دهند."

در همه حال، "توجه محفل باید به این نکته معطوف باشد که در تصمیم‌گیری در خصوص نحوه برخورد با این مشکل، هدف کمک کردن به احباً برای نزدیک‌تر شدن به امر الله و در عین حال حفظ و صیانت جامعهٔ بهائی از تأثیرات سوء نفوسی است که به هیچ وجه قصد تمسک به موازین امری را ندارند." صبر مستمر و هدایت همراه با محبت وقتی به‌جا خواهد بود که "فرد مؤمن، وفاداری خود را نسبت به امر مبارک و علاقه‌اش را به اصلاح وضعیت خویش نشان دهد."

"فقط در صورتی که فرد با نادیده گرفتن همهٔ نصایح و اندازات، عالماً و مستمراً در سوء رفتار خود پافشاری نموده احکام را نقض کند لازم خواهد بود که محفل پس از هشدار دادن به او از عواقب ادامهٔ بی‌توجهی به تعالیم الهی، اعمال بعضی محدودیت‌های اداری را در نظر گیرد. اخذ تصمیم در چنین مسائلی با محفل روحانی ملی است که با نهایت مواظبت و احتیاط عمل نماید. آنچه در اجرای چنین محدودیتی مورد نظر خواهد بود مشارکت فرد در جنبه‌هایی از حیات جامعه است که منحصر به جمع پیروان تعالیم حضرت بهاء الله می‌باشد نه حقوق مدنی وی. در بعضی موارد ممکن است اعمال یک یا چند محدودیت کافی باشد و به محفل روحانی امکان دهد که با انعطاف‌پذیری با مسئله‌ای برخورد کند. مثلاً اگر امید این است که علاقهٔ مجدد به شرکت در حیات جامعه در فرد زنده شود، محدودیت‌های کامل ممکن است نتیجهٔ معکوس داشته باشد؛ یک محدودیت مناسب مانند تعلیق حق انتخاب شدن به عضویت محفل ممکن است کافی باشد زیرا در هر حال منطقی نخواهد بود که شخصی که علناً احکام بهائی را زیر پا می‌گذارد

مسئولیت ادارهٔ امور جامعه را به عهده داشته باشد. محدود کردن فرد از انجام خدمات دیگری مانند راهنمایی حلقه‌های مطالعه و یا معلّمی کلاس‌های درس اخلاق را نیز می‌توان در نظر گرفت. سلب تمام حقوق اداری باید در موارد بسیار شدید و غیر قابل حلّ اعمال شود به خصوص هنگامی که مسئلهٔ صیانت جامعه در میان باشد. بدین ترتیب استفادهٔ حکیمانه از اعمال یک یا چند محدودیت وسیلهٔ دیگری برای تقویت فرد و جامعه در اختیار محفل می‌گذارد. در نامه‌هایی که از طرف حضرت ولی‌امرالّٰه برای هدایت محافل در چنین مواردی مرقوم گردیده توضیح داده شده است که 'هرچند در بعضی موارد نظر به ملاحظات انضباطی لازم است حقّ رأی یکی از احبّا سلب گردد'، (ترجمه) این اختیار محفل ملّی 'باید تنها در موارد حادّ به کار برده شود.'^{۱۰۶} (ترجمه)

حال بیایید در مورد معنی محدودیت‌های اداری در امر الهی فکر کنیم ولو به اختصار. همان‌طور که در بیان فوق واضح است، منظور از محدودیت‌ها، به دور از تنبیه یا مجازات، کمک به فرد مؤمن، حفظ نام نیک امر مبارک، و صیانت جامعه است. درک این مفهوم از "محدودیت‌ها" احتیاج به تأمل دارد. به بیانات زیر بنگرید. اگر هر یک از این جملات توسط یکی از اعضای جامعه ابراز شود، آیا با روح محدودیت‌های اداری سازگار است؟ طبق معمول در این نوع از تمرین‌ها، در عین حال که تصمیم‌گیری در بعضی موارد شاید واضح به نظر برسد، جملات زیر مجموعاً به شما کمک خواهد کرد تا در بارهٔ یک سری از نظرها تفکر کنید:

_____ این برایش درس خوبی خواهد بود! او همیشه باید درس‌هایش را با سختی بیاموزد.

_____ او به آنچه که حقّش بود رسید.

_____ گاهی اوقات باید از فرد، درس عبرتی برای دیگران ساخت.

_____ در راه منافع عالی‌تر، کسانی که قانون شکنی می‌کنند باید مجازات شوند.

_____ چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان.

_____ عدالت کور است.

_____ هیچ‌کس ورای قانون نیست.

_____ قانون استثنا نمی‌پذیرد.

نسخهٔ پیش از چاپ - نسخهٔ ۱.۲.۲.PP.PV - برای توزیع نیست

_____ هرکس مقصّر شناخته شود، باید هزینهٔ آن را بپردازد.

_____ به گناهات اعتراف کن و مجازات را بپذیر.

_____ او باید از کاری که کرده خجالت بکشد؛ چطور می‌تواند به خودش در آئینه نگاه کند؟

_____ تا گناه شخص ثابت نشده، او بی‌گناه است.

_____ همه بر ضد او جبهه گرفتند؛ او حقش نبود که محدودیت بگیرد.

_____ تنها قاضی حقیقی خداست، نه مؤسّسات، تا چه رسد به هر یک از ما افراد.

_____ کردار و رفتار شخصی هر فرد، امری است بین خود او و خداوند.

_____ مهمّ این است که ظاهرمان درست باشد؛ آنچه که دیگران از آن اطلاع ندارند به انسان

ضرری نم‌زند.

_____ بگذارید کسی که گناهی نکرده اولین سنگ را پرتاب کند.

_____ به بشر اراده و اختیار داده شده؛ باید او را آزاد گذاشت تا هر طور که دوست دارد

اراده‌اش را بکار برد.

_____ مردم از اشتباهات خود درس می‌گیرند؛ باید به آنها اجازه داد تا واقعیت خود را بیابند و

از طریق تجربه بهترین راه زندگی خود را کشف کنند.

_____ مردم رفتار صحیح را از آنچه در اطراف خود می‌بینند یاد می‌گیرند؛ اگر اجتماع محیطی

را برای مردم فراهم نکرده باشد تا رفتار صحیح را بیاموزند، چطور می‌توان آنان را به

خاطر سوء رفتارشان ملامت کرد؟

_____ با اعمال محدودیت‌های اداری بر افراد، مؤسّسات ما باعث ایجاد اختلاف و بیگانگی

در جامعه می‌شوند.

_____ امر بهائی کلاً برای اتّحاد است؛ اعمال محدودیت‌ها، مخالف روح محبّت و پذیرشی

است که امر الله سعی در ترویج آن دارد.

جملات فوق، که هر یک مفروضات خاصی را در باره ماهیت نوع بشر و هدف اجتماع به همراه دارد، نشان می دهند که چقدر بی ثمر است که بگذاریم معیارهای جهان امروز بر مسئله محدودیت های اداری بهائی اثر گذارد. حتی یک فرد بهائی که احتمالاً مورد نوعی محدودیت اداری قرار می گیرد، آن را فرایندی لازم برای سلامت جامعه و برای ترقی فرد و اجتماع می شمرد.

نکته آخری که در اینجا سزاوار ذکر است اینکه: مسئله محدودیت های اداری را، که یک جنبه از فرایند محبت آمیز تعلیم و تربیت است، نباید به هیچ وجه در ذهن خود، با نیاز به حمایت جامعه از نفوذ کسانی که آرزوی تضعیف وحدت امر مبارک را دارند و یا از ظلّ عهد و میثاق قدم بیرون نهاده اند، اشتباه گرفت. مشاورین و معاونین و همچنین محافل روحانی همواره آماده اند تا هرگاه ایجاب کند با هماهنگی با یکدیگر اقدام نمایند. مسئولیت بر دوش آنان است که افرادی را که این چنین منحرف شده اند و تعدادشان بوضوح اندک است، راهنمایی نمایند و در صورت لزوم توطئه های آنان را خنثی کنند. و با آگاهی از اینکه مؤسسات امری مراقب حراست تمامی جامعه می باشند، هر یک از ما — با مطالعه آثار مبارکه، با تلاوت دعا و مناجات روزانه، از طریق پیوندهایی که ما را به جامعه و مؤسسات آن مرتبط می سازد و با مراجعه مستمر به هدایات بیت العدل اعظم — آماده ایم تا چنانچه زمانی هدف چنین دسیسه هایی قرار گیریم از خود محافظت نماییم.

بخش سی و هشتم

اگرچه مبحثی که در بخش ۲۹ شروع کردیم به ما بینش های زیادی در باره مسئله احکام بهائی داد ولی بررسی احکام هدف اصلی نبود. کنکاش اصلی ما، راجع به ترویج و اجرای احکام توسط بیت العدل اعظم به عنوان مرجع امر بهائی بود. با توجه به این موضوع، در باره دو پیامی که اخیراً مطالعه کردیم برای لحظه ای تأمل کنید و به این بیاندشید که بیت العدل اعظم با چه عشق و محبتی افراد را مخاطب قرار می دهند. آیا در صحت و دقتی که توضیحات خود را بیان می کنند، نمی توان احترام و احساسات رقیبی را که نسبت به هر یک از ما دارند ملاحظه نمود؟ بنگرید چگونه با مؤسسات امر مبارک گفتگو می کنند و چه زبانی برای توضیح احکام بهائی به کار می برند. در حالی که بسیاری از نهادهای صاحب اختیار و مرجعیت، از صدور لیست های طولانی از بایدها و نبایدها لذت می برند، بیت العدل اعظم مسئله احکام را در بستری جامع مطرح می فرمایند. و در حالی که مراجع صاحب اختیار اغلب متهم می کنند، بیت العدل اعظم ما را به اصالت و شرافت خودمان یادآور می شوند. معهد اعلی ما را یاری می دهند تا روابط را مشاهده نماییم و بین مسائل ارتباط ذهنی برقرار کنیم — در مورد احکام بهائی، ارتباط بین تمدن سازی و تقلیب فردی و اجتماعی را به ما نشان می دهند. در مکاتبات بیت العدل اعظم مفهوم جدید و در حال بسطی از فرد، مؤسسه، و جامعه

و روابطی که آنها را به هم پیوند می‌زند می‌توان مشاهده کرد - روابطی که قوای تمدن‌سازی را به عرصه وجود خواهد آورد که تنها با پیروی از تعالیم مبارک شکوفا می‌شود. حال تأمل نمایید که بیت العدل اعظم با چه لطافت و ظرافتی و با چه جلال و شکوهی این و بسیاری دیگر از بیانات مندرج در آثار مبارکه را برای مشاهده تمام بشریت حفظ می‌کنند.

”لا تحسبنّ انا نزلنا لکم الاحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم باصابع القدرة و الاقتدار یشهد بذلك ما نزل من قلم الوحي تفکروا یا اولی الافکار“^{۱۰۷} (مضمون: گمان مبرید که برای شما احکام احکام نازل کرده‌ایم بلکه مهر شراب ناب را با انگشتان قدرت و اقتدار برایتان گشوده‌ایم. آنچه از قلم ظهور نازل شده به این امر گواهی می‌دهد).

مقصد اصلی و مطلب کلی از بسط قوانین اعظم و وضع اصول و اساس اقوام جمیع شئون تمدن سعادت بشریه است و سعادت بشریه در تقرب درگاه کبریا و راحت و آسایش اعلی و ادنی از افراد هیئت عمومی است و وسایل عظیمه این دو مقصد اخلاق حسنه انسانیت است.^{۱۰۸}

”کیست که بتواند شک نماید که وصول به چنین نقطه کمالی یعنی تحقق بلوغ عالم انسانی باید به نوبه خود آغاز مدنیته جهانی باشد که نظیرش را چشم احدی ندیده و به تصور احدی در نیامده است؟ کیست که بتواند عظمت معیار مقدر این مدنیته در حال شکوفایی را چنانکه باید و شاید در نظر مجسم نماید؟ کیست که بتواند بلندی اوج اعلائی را که طیر از قفس رسته فکر انسانی بسوی آن پرواز خواهد نمود تقدیر کند؟ کیست که بتواند فضای جانفزائی را که روان آدمی در پرتو انوار درخشنده حضرت بهاءالله، کشف خواهد نمود در صفحه ضمیرش مرتسم سازد؟“^{۱۰۹} (ترجمه)

بخش سی و نهم

بحث ما در مورد احکام بهائی، بار دیگر، ما را از جهتی که تاریخ به آن سمت و سو در حال حرکت است و مدنیته که حضرت بهاءالله نوع انسان را به آن فرا می‌خوانند، آگاه ساخته است. ماهیت ظهور حضرت بهاءالله جهان‌شمول است، به همه نوع بشر تعلق دارد و مختص گروه خاصی از مردم نیست. هر فردی و هر یک از اقوام بشری می‌تواند از لالی حکمت نهفته در آن بهره‌مند شود. بیت العدل اعظم می‌فرماید ”ذرات

ارض از تموجات ظهور جمال اقدس ابهی به اهتزاز می‌آیند. بنا بر این، ما این بخش و دو بخش بعدی را به موضوعی اختصاص خواهیم داد که بسیار مهم است: دسترسی بشر به کلام الهی.

از جمله وظایف و اختیاراتی که به بیت العدل اعظم تخصیص یافته، هم‌چنان که در قانون اساسی آمده است، "نگهداری و مراقبت از نصوص مقدسه و حفظ آنها از تصرف و تحریف" و "تجزیه و تحلیل، تفکیک و تنظیم، و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه" است. در این دور جدید، بشر نه تنها از برکت کلام الهی نازله از کلک مظهر امر الهی مستفیض است بلکه از مجموعه وسیعی از آثار کتبی دو مبین منصوص کلمات الهی، حضرت عبدالبهاء، و پس از ایشان حضرت ولی امرالله برخوردار می‌باشد، تبییناتی که بیانگر "معنای حقیقی و حقیقت معانی و سر اسرار" آیات منزله است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم، کلمات و خطابات حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی جزء لاینفک «کتاب» الهی است.

ظهور حضرت بهاءالله شامل بیش از یک صد مجلد از آثار به زبان‌های اصلی فارسی و عربی است. آثار کتبی حضرت عبدالبهاء نیز به زبان‌های فارسی و عربی و تعداد کمی هم به زبان ترکی است. و در حالی که بسیاری از توقیعات حضرت ولی امرالله به انگلیسی مرقوم گردیده، درصد قابل توجهی از آن نیز به یاران در شرق فرستاده شده است. اگر قرار باشد که مردم جهان به آثار حضرت بهاءالله دسترسی داشته باشند تا تعالیم آن را مطالعه کنند و آنها را در زندگی فردی و جمعی خود پیاده نمایند، این آثار باید به ده‌ها و ده‌ها زبان ترجمه گردد. این کار مشروع بسیار عظیمی است. بیایید در اینجا به برخی از مقتضیات آن بیاندیشیم.

برای شروع، باید متذکر باشیم که بسیاری از نصوص مبارک به زبان‌های اصلی فارسی و عربی مدت زیادی است که در اختیار عموم قرار دارد. حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هر دو الواحی را خطاب به افراد نازل فرمودند و در طی این سال‌ها تقریباً همه آنها، به همراه توقیعات حضرت ولی امرالله، در مرکز جهانی بهائی جمع‌آوری شده است. به علاوه، می‌دانیم تا چه حد حضرت ولی امرالله به امر ترجمه اهمیت می‌دادند، زیرا خود ایشان در سنین جوانی با مطالعه زبان انگلیسی آرزو داشتند از طریق این خدمت، پدر بزرگ محبوب خویش را یاری نمایند. زمانی که به عنوان ولی امرالله بلافاصله شروع به ترجمه الواح وصایای حضرت عبدالبهاء نمودند، آن حضرت فرایندی را آغاز کردند که بسط و گسترش آن در تحت راهنمایی و هدایت بیت العدل اعظم ادامه دارد. بسیاری از فقرات و الواحی که آن حضرت به انگلیسی ترجمه فرمودند، طبق توصیه ایشان، امروزه به عنوان میزانی جهت تهیه ترجمه‌ها به تعداد کثیری از زبان‌های دیگر به کار می‌روند.

بیت العدل اعظم دفاتری را در مرکز جهانی برای کمک به تجزیه و تحلیل و رده‌بندی و تنظیم نصوص فارسی و عربی و انگلیسی و تسهیل امور مربوط به ترجمه به زبان انگلیسی تأسیس فرموده‌اند. چنین کار دقیقی، همان‌طور که می‌دانیم، نه تنها تسلط به زبان‌های مربوطه را ایجاب می‌کند، بلکه درک عمیقی از

مقصد و خصوصیات ظهور حضرت بهاءالله و اوضاع و احوال تاریخی ای را که امر مبارک به تدریج طیّ نموده است، می‌طلبد. برای ترجمه حتیّ یک آیه، اگر قرار باشد که ترجمه نهایی در قلوب و افکار خوانندگان آن طنین اندازد و در عین حال به متن اصلی وفادار بماند، مستلزم بهره‌مند بودن از اطلاعات و تجارب وسیعی است.

بدین ترتیب، بیت العدل اعظم هر از چندگاه اتمام مجموعه جدیدی از آثار به زبان انگلیسی و یا انتشار ترجمه مصوّب منتخباتی از آثار مبارکه، که اختصاصاً از جانب آن معهد از طیف وسیعی از آثار موجود که "بر اساس ارتباط نزدیک آن با امر مبارک در این مرحله از پیشرفت آن" انتخاب شده‌اند، اعلان می‌دارند. سپس هر یک از منتخبات، از زبان انگلیسی به زبان‌های دیگر برگردانده می‌شود، البته، در صورت لزوم، با مراجعه به اصل فارسی و یا عربی آنها. تنها چند استثناء وجود دارد و آن در موردی است که ترجمه مستقیماً از اصل انجام می‌شود، مثلاً به زبان‌های ترکی و اردو که به زبان‌های فارسی و عربی بسیار نزدیک‌اند. امور ترجمه معمولاً زیر نظر و اشراف محافل روحانی ملّی انجام می‌شود اما برای بعضی از زبان‌ها که بطور گسترده در جهان رایج است و از مرزهای ملّی فراتر می‌رود، بیت العدل اعظم هیئت‌هایی بین‌المللی برای نظارت بر ترجمه آثار بهائی تأسیس کرده‌اند. همچنین بودجه بخصوصی در اختیار مشاورین و محافل روحانی ملّی قرار داده‌اند تا آثار اصلی بهائی را به زبان‌های مختلف در دسترس عموم قرار دهند. در حال حاضر کار ترجمه در کمال نظم و ترتیب در سراسر جهان با سرعتی پیش می‌رود که در دهه‌های گذشته تصوّرش هم ممکن نبود.

بخش چهارم

جهت روشن‌تر شدن آنچه که در بخش قبل مطالعه کردیم، بیایید نظری بر مراحل بیاندازیم که ترجمه کتاب مستطاب اقدس طیّ نموده است. بحث ما اساساً، ولی نه اختصاصاً، مبتنی خواهد بود بر مقدمه‌ای که بیت العدل اعظم بر اولین ترجمه مصوّب انگلیسی کتاب مستطاب اقدس از اصل عربی که در سال ۱۹۹۲ تکمیل گردید، مرقوم نموده‌اند.

نخست باید به خود یادآور شویم که "کتاب مستطاب اقدس نیز در حدود سنه ۱۸۷۳، یعنی بیست سال بعد از اظهار امر خفی که در سیاه چال طهران واقع شد، از قلم اعلیّ عزّ نزل یافت" و نهایتاً "نسخی از آن را برای احبّای ایران ارسال و در اواخر ایّام مبارک یعنی سنه ۱۳۰۸ (۱۸۹۱ - ۱۸۹۰) امر فرمودند که نصّ آن کتاب مبارک در بمبئی به طبع رسد." حضرت عبدالبهاء انتشار آن را به زبان‌های مختلف پیش‌بینی

نمودند و حضرت ولی‌امرالله خود قسمت‌های زیادی از آن را به انگلیسی در ضمن توقیعاتشان و نیز در منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ترجمه فرمودند. بعلاوه

”... تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس را یکی از اهداف نقشه ده ساله معین فرموده شرط لازم برای ترجمه کتاب اقدس به لسان انگلیسی مقرر داشتند. آن حضرت بنفسه به این مشروع جلیل اقدام فرمودند ولی قبل از اتمامش صعود مبارک واقع شد. لذا متعاقباً بر اساس همان تلخیص کار تدوین ادامه یافت و آن جزوه در سنه ۱۹۷۳ طبع و منتشر گردید.“^{۱۱۰}

سپس در پیام رضوان ۱۹۸۶، بیت العدل اعظم دستاوردهای نقشه جهانی در حال اختتام را مرور نمودند، به خروج امر مبارک از مرحله مجهولیت و بلوغ مؤسسات امری اشاره فرمودند و تصمیم خود را مبنی بر تهیه ترجمه انگلیسی کامل متن کتاب مستطاب اقدس اعلان کردند. بیت العدل اعظم این اقدام را ”میسر بلکه ضروری“ دانستند.

مقدمه نسخه نهایی منتشر شده توضیحی در مورد اقدامات متعاقب این امر خطیر ارائه می‌دهد. طبعاً سبک ترجمه البته می‌بایستی که مطابق ترجمه قسمت‌های معتناهی از کتاب مستطاب اقدس توسط حضرت ولی‌امرالله باشد که ”در ترجمه آثار به این مسئله اساسی توجه مخصوص فرمودند که در زبان انگلیسی اسلوبی را اتخاذ فرمایند که هم معنای بیانات مبارکه را دقیقاً برساند و هم در خواننده حالت توجهی را بوجود آورد که معمولاً از تلاوت آیات اصلیه حاصل میگردد.“ بیت العدل اعظم می‌فرمایند که حضرت ولی‌امرالله ”در این مقام شیوه کلامی را اختیار فرمودند که... علو سیاق آثار جمال اقدس ابهی به زبان عربی را حفظ می‌کند و در عین حال برای خوانندگان معاصر قابل درک است.“ بیان زیر بینشی ارزشمند در باره ماهیت فرایند ترجمه‌ای که تحت هدایت بیت العدل اعظم تکامل و بسط یافته است، ارائه می‌دهد.

”گرچه زبان‌های عربی و انگلیسی از لحاظ لغوی هر دو وسیع و قادر به اداء مطالب به صور متنوعه‌اند ولی اصولاً ترکیب و بنای دو زبان با یکدیگر اختلاف فاحش دارد. لحن آیات کتاب مستطاب اقدس به لسان عربی مبتنی بر بیان جوهر کلام در نهایت ایجاز است. از خصوصیات این طرز بیان آنکه امور بدیهیه به تلویح ذکر می‌گردد نه به تصریح و چنین شیوه‌ای برای خوانندگانی که سابقه فرهنگی و دینی و ادیبشان متفاوت است مشکلاتی ایجاد می‌نماید. ترجمه تحت اللفظی فقره‌ای که در عربی واضح است در انگلیسی ممکن است مبهم باشد. بنابراین در این گونه موارد لازم است که آنچه در اصل عربی مستتر است در ترجمه انگلیسی تصریح شود. در عین حال باید مراقب بود که استنباطات زائده به اصل مطلب اضافه نشود و

بسط معانی محدود نگردد. یکی از مسائل مهمه‌ای که مترجمین با آن مواجه بوده‌اند و آنان را مجبور می‌ساخت که در ترجمه بعضی از عبارات مکرراً تجدید نظر نمایند این بود که بین زیبایی کلام و وضوح بیان از یک طرف و مطابقت معانی الفاظ با اصل از طرف دیگر توازنی ایجاد گردد. مسئله مهم دیگر آنکه مفاهیم حقوقی و شرعی بعضی از اصطلاحات عربی موارد استعمال متعددی دارد که با اصطلاحات مشابهش در زبان انگلیسی متفاوت است.

”مسلم است که ترجمه کتب و آثار مقدسه مراقبت خاص لازم دارد و باید کاملاً با اصل مطابق باشد. این امر به خصوص در مورد کتاب احکام اهمّیت تامّ دارد که مبادا خواننده را از حقیقت مطلب منحرف سازد و یا به مجادلات بی‌ثمر مشغول دارد. به نحوی که پیش بینی می‌شد ترجمه کتاب مستطاب اقدس کاری بسیار مشکل بود و مستلزم آن گردید که با افراد متبحر و خبره در بلاد عالم مشورت شود. چون تقریباً یک ثلث را حضرت ولی‌ام‌الله ترجمه فرموده بودند، لازم بود که حتی المقدور بقیه کتاب با رعایت این موازین سه‌گانه ترجمه گردد، یعنی صحت معنی، زیبایی کلام و هم‌آهنگی با اسلوب ترجمه حضرت ولی‌ام‌الله.

”می‌توان گفت که ترجمه این سفر جلیل از لحاظ تطابق با اصل فی الجمله به مرحله‌ای رسیده که حال قابل انتشار است.“^{۱۱}

ترجمه کتاب مستطاب اقدس حتی دشوارتر از ترجمه اکثر مجلدهای دیگر بود چرا که به فرموده حضرت شوقی افندی باید ”همراه با حواشی و توضیحات مفصله باشد.“ لذا نه تنها قسمت‌های باقیمانده کتاب اقدس باید ترجمه می‌شد بلکه حواشی و فهرست راهنمای همراه آن نیز باید آماده می‌گردید که این کار با دقت تحت هدایت بیت العدل اعظم انجام شد. نسخه نهایی، تحت عنوان کتاب مستطاب اقدس *The Kitáb-i-Aqdas: The Most Holy Book*، همچنین شامل ملحقاتی از آثار حضرت بهاء‌الله، فقرات رساله سؤال و جواب، یعنی مجموعه سئوالاتی که توسط مؤمنین اولیه به حضورشان معروض گردید و جواب‌هایی که نازل فرمودند، و تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس می‌شود. بر اساس گزارشات، کل کتاب تا به امروز به سی و هفت زبان ترجمه گردیده است و این امکان را، طبق آنچه که در جدول صفحات ۱۱۷ و ۱۱۸ آمده است، برای حداقل چهار میلیارد انسان فراهم می‌آورد تا آنها را به زبان محلی خود مطالعه کنند.

بخش چهل و یکم

در مثالی که در مورد انتشار ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس آوردیم مشاهده کردیم که مساعی فزاینده‌ای تحت هدایت بیت العدل اعظم در حال انجام است تا آثار امری ترجمه گردد و در دسترس همه نوع بشر قرار گیرد، کوششی که در کانون مشروع عظیم "تجدید بنای عالم" جای دارد. آنچه که باید حال انجام دهیم این است که الزامات این کوشش را برای مجهودات فردی مان بررسی کنیم تا معلوماتمان را از تعالیم حضرت بهاء الله عمیق تر سازیم.

البته وقتی که کتاب‌های مؤسسه آموزشی را مطالعه می‌کنیم و خدمات مربوطه آن را به مرحله اجرا می‌گذاریم، دانش ما از تعالیم امر مبارک و نیز درک ما از اهمیت آن تعالیم در زندگی فردی و جمعی مان بطور مداوم ازدیاد می‌یابد. علاوه بر انتقال دانش و تحکیم مهارت‌ها، صفات و گرایش‌ها، دوره‌های مؤسسه می‌کوشند در شرکت‌کنندگان بسیاری از عادات‌های مطلوب را تقویت نمایند که شامل عادت به مطالعه جدی و روشمند آثار مبارکه است. تلاوت "آیات الله" در هر صبح و شام یکی از این عادات است. لحظه‌ای بر این تأمل نمایید که وقتی عادت خواندن روزانه به وجود آید، در طول زندگی چقدر می‌تواند مطالعه شود و سپس بعضی از افکار تان را در مورد اینکه چگونه می‌خواهید وقت خود را تنظیم کنید تا اطمینان یابید که مواهبی را که از این حکم مشفقانه جمال مبارک جاری و ساری می‌گردد، دریافت می‌کنید.

یکی دیگر از عادت‌هایی که دوره‌های مؤسسه امیدوارند هر یک از شرکت‌کنندگان در خود به وجود آورند، شرکت در مطالعه شخصی و سیستماتیک آثار مبارکه است. در دو واحد قبلی این کتاب، پیشنهاد شد تا یک برنامه شخصی برای مطالعه آثار و خطابات حضرت عبداله‌اء و مراسلات و توقعات حضرت ولی امرالله ترتیب دهید. اگرچه بدون شک تعالیم حضرت بهاء الله همواره مورد تعمق مستمر شما است، ولی شاید مایل باشید از این فرصت استفاده نمایید و اگر تا به حال این کار را انجام نداده‌اید، حال برنامه مشابهی متمرکز بر آثار آن حضرت، طرح نمایید.

زبان‌هایی که کتاب اقدس به آنها موجود است^۱

کل سخنگویان (به میلیون)	سخنگویان به زبان‌های بومی (به میلیون)	زبان
۷۸	۷۶	۱۱. کره‌ای
۷۹	۷۶	۱۲. تلوگو
۸۰	۷۶	۱۳. ویتنامی
۱۱۸٫۵	۷۴	۱۴. فرانسوی
۷۶٫۸	۷۰	۱۵. تامیل
۱۶۷٫۴	۶۶	۱۶. اردو
۱۱۰	۶۵	۱۷. فارسی ^۲
۹۰	۶۳	۱۸. ترکی
۶۱٫۱	۵۹	۱۹. ایتالیایی
۶۰	۵۶	۲۰. تایلندی

کل سخنگویان (به میلیون)	سخنگویان به زبان‌های بومی (به میلیون)	زبان
۱۰۲۶	۹۵۵	۱. چینی (ماندرین)
۴۶۶	۴۰۷	۲. اسپانیایی
۷۶۵<	۳۵۹	۳. انگلیسی
۳۸۰	۳۱۱	۴. هندی
۴۵۲	۲۹۳	۵. عربی (اصلی)
۲۱۷	۲۱۶	۶. پرتغالی
۲۵۰	۲۰۶	۷. بنگالی
۲۷۲	۱۵۴	۸. روسی
۱۱۱٫۸	۸۹	۹. آلمانی
۱۴۰<	۷۷	۱۰. اندونزیایی

۱۰	۹,۱	بلغاری	۳۰.
-	۷,۴	آلبانیایی	۳۱.
۶	۵,۶	دانمارکی	۳۲.
۱۰	۵,۳	عبری	۳۳.
۶	۵	فنلاندی	۳۴.
۵	۵	نروژی	۳۵.
-	۵	اسلواکی	۳۶.
-	۰,۰۵۷	گرینلندی	۳۷.
-	۴۰۰۹,۴۵۷	جمع کل	

-	۳۸	مالایالام	۲۱.
۴۲	۳۳	برمه‌ای	۲۲.
-	۳۳	اورپا	۲۳.
۶۵	۲۸	تاکالوگ	۲۴.
۲۸	۲۴	رومانیایی	۲۵.
۲۸	۲۱	هندی	۲۶.
۲۰	۱۹	لاتو	۲۷.
۱۳	۱۳	مجارستانی	۲۸.
۱۱	۱۰	چک	۲۹.

لیست بر اساس اطلاعات موجود تا فوریه ۲۰۱۴ در دفتر آمار مرکز جهانی بهائی تهیه شده است. ارقام جمعیتی از معتبرترین مراجع موجود جمع‌آوری گردیده است.

۲. طبق فرموده حضرت ولی‌ام‌الله، متن بر اساس نسخه اصلی عربی باقی می‌ماند. برخی از ملحقیات و همچنین رساله سؤال و جواب^۲ به زبان فارسی نازل شده‌اند؛ مقدمه، جزوه^۲ تخصیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس^۲ و یادداشت‌ها و توضیحات به فارسی ترجمه شده‌اند.

علاوه بر چنین برنامه‌ای مسلماً اوقاتی پیش می‌آید که تعداد خیلی از دوستان در محله‌ای گرد هم جمع می‌شوند و به عنوان قسمتی از مجهودات فردی خود برای ازدیاد معلوماتشان از امر مبارک، کتاب بخصوصی را در گروه کوچکی مطالعه می‌کنند. عادات نوع دیگری که مؤسسه به پرورش آنها کمک می‌کند طبیعتاً در چنین گروه کوچکی ایجاد خواهند شد - مثلاً عادات فکری که در حمایت متقابل دوستان به یکدیگر، در سروری که از بینش‌های یکدیگر به دست می‌آورند و در احترام به دانشی که هریک در هر مقطع زمانی دارا می‌باشند بدون اینکه به گروه‌بندی دوستانشان به با معلومات و بی‌معلومات فکر کنند، مشاهده می‌شود. این دوستان همچنین مراقبند نگذارند چنان مجذوبِ کوشش در ازدیاد معلومات خود شوند که از ضرورت خدمت غافل مانند آنان به خوبی آگاهند که چه آسان عادت درون‌گرایی می‌تواند شکل گیرد و چه سریع تحرک کار ترویج و تحکیم می‌تواند از دست برود.

یک نکتهٔ دیگر در اینجا سزاوار ذکر است: در نوعی از زندگی که در آن رشد فردی و تعهد به رفاه دیگران یک کلیت منسجم دیده می‌شود و نه اهدافی مجزاً و گاهی متضاد، در میان گذاشتن دانشی که فرد کسب می‌کند امری ضروری است. برای بسیاری از ما، ملاقات مؤمنین جدید در منازلشان برای مذاکره در بارهٔ برخی مسائل - خدمتی که در کتاب ۲ به آن اشاره شد - ما را در ایفای این امر مهم کمک می‌کند. از این جمله کلاس‌های محلی تزیید معلومات، کنفرانس‌ها، و مدارس زمستانه و تابستانه هستند که در آنها از کسانی که در زمینهٔ خاصی مطالعه کرده و در بارهٔ آن تأملات زیادی نموده‌اند دعوت می‌شود تا کلاس یا کارگاهی ترتیب دهند و یا سخنانی ایراد نمایند. اینکه تا چه حد می‌توانید چنین فرصت‌هایی را پی‌گیری کنید بستگی به تمایل و امکانات شما دارد. عجلتاً، شاید بخواهید برنامهٔ شخصی خود را برای مطالعهٔ سیستماتیک تعالیم حضرت بهاء‌الله بر اساس مرور کلی زیر طرح نمایید:

کتاب مستطاب اقدس، مسلماً جایگاه بخصوصی در بین آثار بهائی دارد و همانند الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، شما در طول حیات خود بکرات به آن رجوع خواهید نمود. حضرت ولی‌امرالله تأکید فرموده‌اند که کتاب مستطاب اقدس و الواح وصایا "نه تنها در معنا و مفهوم با یکدیگر ناموافق و متضاد نیستند بلکه بر عکس مکمل و مؤید یکدیگر و اجزای لایتجزای یک واحد کامل می‌باشند." حضرت شوقی افندی مرقوم نمودند که الواح وصایا "همراه با کتاب مستطاب اقدس مهم‌ترین گنجینه‌ای است که عناصر گران‌بهای مدنیّت الهیه‌ای را که تأسیس‌اش مقصد اصلی آئین بهائی است"^{۱۱۲} در بر می‌گیرد و دوستان را تشویق فرمودند تا نکات مندرج در هردوی این اسناد مهم را مطالعه نمایند.

در مورد دیگر ترجمه‌های حضرت ولی‌امرالله، گرچه عناوین آنها در واحد گذشته ذکر شد، باید چند کلمه‌ای در اینجا بیان کنیم. شما با ترجمهٔ کلمات مکنونه و کتاب ایقان آشنا هستید که هردوی آنها همان‌طور که در کتاب چهارم این دوره‌ها اشاره شد، از قلم حضرت بهاء‌الله در ایام تبعید ایشان در بغداد نازل شدند.

حضرت شوقی افندی اثر اول را در سال ۱۹۲۳ - با مرورهای متعاقب - و دیگری را در سال ۱۹۳۱ ترجمه فرمودند. چهار سال بعد در سال ۱۹۳۵، کتاب *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh* (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله) که آن را *"a selection of the most characteristic and hitherto unpublished passages from the outstanding works of the Author of the Bahá'í Revelation"* (منتخباتی از شاخص‌ترین آیات منتشر نشده از آثار مهم مؤسس آئین بهائی) توصیف فرموده‌اند به اكمال رسید. به دنبال آن در سال ۱۹۳۸ مجلد دیگری با همان اهمیت تحت عنوان *Prayers and Meditations of Bahá'u'lláh* (ادعیه و مناجات‌های حضرت بهاء الله) ترجمه و منتشر شد. ترجمه لوح ابن ذئب که در سال ۱۹۴۱ منتشر گردید، پنجمین و آخرین مجلدی بود که از حضرت ولی امر الله به خوانندگان غربی اهداء گردید. این لوح خطاب به یکی از روحانیون اسلام که تزییقات فراوانی بر بهائیان ایران وارد آورده بود نازل شد و آخرین اثر عمده حضرت بهاء الله و شامل منتخباتی از آثار آن حضرت است که شخصاً در اواخر حیاتشان انتخاب فرموده بودند.

در دوران قیادت حضرت ولی امر الله، ترجمه هفت *وادی و چهار وادی* نیز به انگلیسی انتشار یافت. این مجلد شامل دو لوح مجزا است که هر یک از جانب حضرت بهاء الله هنگام اقامت‌شان در بغداد برای دو مخاطب مختلف نازل گردید. هر دوی این آثار جنبه عرفانی دارند و به مراحل مختلف سلوک سالک در سفر روحانی خویش اشاره می‌کنند. ترجمه انگلیسی آن توسط دو نفر از مؤمنین اولیه تهیه گردیده بود و از طرف محفل روحانی ملی ایالات متحده با اطلاع حضرت ولی امر الله انتشار یافت.

در میان مجلداتی که تا به حال تحت نظارت بیت العدل اعظم تهیه گردیده است، *الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض (The Proclamation of Bahá'u'lláh)*، در سال ۱۹۶۷ است که شامل الواح و فقراتی خطاب به ملوک و سلاطین عالم در ایام تبعید حضرت بهاء الله در ادرنه و سال‌های اولیه تبعید آن حضرت به عکا است و هم‌زمان با جشن صدمین سال اظهار امر مبارک و در ارتباط با مجهودات جهانی نقشه نه‌ساله جهت اعلان وسیع امر مبارک منتشر شد. در سال ۱۹۷۸ مجموعه‌ای از الواح *جمال اقدس ابهی* که بعد از کتاب *اقدس نازل شده* انتشار یافت. این اثر شانزده فقره از الواح حضرت بهاء الله را که در اواخر حیات مبارک نازل شده بود، شامل می‌شود. همان‌طور که در مقدمه آن مجموعه آمده است، حضرت بهاء الله در این الواح، فرایض و اصولی را که در کنه آئین بهائی جای دارد صراحتاً اعلان می‌نمایند، حقایقی را که از قبل اظهار داشته بودند مجدداً تأکید می‌فرمایند، بعضی از احکامی را که قبلاً مقرر فرموده بودند تفصیل و تشریح می‌نمایند، بشارت و اندازات بیشتری نازل می‌فرمایند و احکامی فرعی را برای تکمیل کتاب مستطاب اقدس تعیین می‌کنند.

بخش چهل و دوم

با تهیهٔ یک برنامهٔ شخصی برای مطالعهٔ آثار حضرت بهاءالله، تأمل‌مان را در بارهٔ دسترسی بشر به کلام الهی و در مورد برخی از وظایف و اختیاراتی که در این رابطه به بیت العدل اعظم تفویض شده، خاتمه داده‌ایم. در اینجا، مناسب به نظر می‌رسد که چند لحظه به خود یادآور شویم که به‌غیر از مطالعهٔ مستمرمان از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و همچنین حضرت ولی‌امرالله، ما در یک تعامل مستمر با هدایات بیت العدل اعظم هستیم. لذا پیام‌های معهد اعلیٰ به عالم بهائی و به دیگران که بطور وسیعی در دسترس می‌باشند نیز موضوع مطالعهٔ سیستماتیک و فشردهٔ ما هستند. در میان آنها پیام‌های رضوان و پیام‌های عمومی است که بیت العدل اعظم در رابطه با نقشه‌های جهانی امر مبارک صادر می‌فرمایند. هر بار که یکی از این پیام‌ها صادر می‌گردد چه شور و هیجانی در عالم بهائی حاصل می‌شود و ما را قادر می‌سازد تا شمه‌ای از بینش بیت العدل اعظم، از منظری چنان عالی را، از دستاوردهایی که کسب شده و از آنچه که می‌تواند با ایجاد الگویی از زندگی به دست آید که اصل وحدت عالم انسانی را جلوه‌گر می‌سازد و بی‌شبهت به مشاهدهٔ گشوده شدن تدریجی دلپذیرترین تصویر جهان نیست. گاهی اوقات مجموعه‌ای از این‌گونه پیام‌های بیت العدل اعظم در مجلداتی که دوره زمان معینی را در بر می‌گیرد منتشر می‌شود که می‌توانیم آنها را نیز مطالعه کنیم. پس بیایید قسمتی از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای را بخوانیم که در آن بیت العدل اعظم روحیه‌ای را وصف می‌کنند که امیدوارند ما در مطالعهٔ هدایات آن معهد به منظور بکار بستن آنها در مجهوداتمان داشته باشیم:

”اطلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعهٔ پیام‌های بیت العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحله عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشمگیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احباً می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احباً کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات پرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن

با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به
فعالیت‌های گوناگون تعمیم یابد. ۱۱۳

شاید مفید بیاید که بعضی از عاداتی را که بیت العدل اعظم در بیان بالا به آن اشاره می‌کنند، از جمله عاداتی که در حلقه مطالعاتی کسب کرده‌اید و به شما کمک می‌کند تا بر هدایات آن معهد تأمل نمایید و آنها را به مرحله عمل درآورید، در اینجا بنویسید.

بخش چهل و سوم

پژوهش‌هایمان در طول این واحد ما را به موضوعی هدایت کرده است که در اوائل مطالعه خود بدان پرداختیم: مؤسسه بیت العدل اعظم نهادی است زنده که مهبط الهام مستقیم از نفس حضرت بهاء‌الله در عالم وجود می‌باشد و از این طریق جریان هدایات الهی به سوی نوع بشر ادامه خواهد یافت و تحقق مقصد این ظهور مبارک تضمین می‌شود. از مقر خود بر تارک قوس در دامنه کوه کرمل که در سال ۱۹۸۳ به آن نقل مکان کرد، بیت العدل اعظم به وظایف خود قائم و مراسلات خود را صادر می‌فرماید. پس چنین است که معهد اعلائی امر مبارک از مرکز روحانی و اداری امر الهی که بطور دائم در دو شهر عکا و حیفا مستقر می‌باشد — با تالار مشورتش به سوی بهجی، مقدس‌ترین نقطه روی کره زمین، و با استقرارش در جوار مقام مقدس حضرت ربّ اعلیٰ — به ایفای وظایف و اختیاراتی که به آن تفویض شده، مشغول است.

یکی از این وظایف و اختیارات البتّه "اتّسع و استحکام مؤسّسات نظم اداری الهی" است. همان‌طور که در واحد قبلی اشاره شد، سیر تکاملی مرکز جهانی بهائی، بطور نزدیکی با پیشرفت جامعه جهانی بهائی مرتبط است؛ تعداد در حال تزایدی از دفاتر در این مرکز تحت نظارت بیت العدل اعظم به انجام

وظایف خود مشغولند. در این رابطه، در نامه‌ای از طرف معهد اعلیٰ چنین آمده است: ”نظر به اینکه کارهای مرکز جهانی پیوسته رو به افزایش است، بیت العدل اعظم به منظور تمرکز در اموری که نیازمند توجه مستقیم معهد اعلیٰ است، اموری را که می‌تواند به طرق دیگری رسیدگی شود به تدریج به دوائر مختلف واگذار می‌فرماید.“^{۱۴} دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی و دفتر گفتمان‌های عمومی، که به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۳ و ۲۰۱۲ تأسیس شدند، تنها دو نمونه از این دفاتر است. هم‌چنین، دفاتری وجود دارند که ارتباط خود را با دوائر حکومتی در اسرائیل برای تأمین احتیاجات هزاران نفر از زائرین که هر ساله به منظور ستایش و نیایش در عتاب مقدسه به ارض اقدس سفر می‌کنند، حفظ می‌نمایند.

علاوه بر این، دفاتر دیگری نیز وجود دارند که مستقیماً به بیت العدل اعظم در اقداماتشان یاری می‌دهند که از مهم‌ترین آنها دارالانشاء است که از آن طریق مکاتبات معهد اعلیٰ به عالم جریان می‌یابد. دارالانشاء هم‌چنین به دستور بیت العدل اعظم و از طرف آن معهد نامه‌هایی خطاب به افراد و مؤسسات مرقوم می‌نماید. حجم این مکاتبات به قدری افزایش یافته که در سال ۱۹۹۹ چنین مقرر داشتند که قسمتی از این ارتباطات را که بیشتر ماهیتی معمولی و یکنواخت دارد، به یک دفتر کمکی به نام اداره مراسلات موکول نمایند که بر طبق مقررات تعیین شده به تمشیت امور پردازد.

از پیام‌های بیت العدل اعظم هم‌چنین می‌دانیم که در هر مقطع زمانی ممکن است تعدادی پروژه برای توسعه، تعمیر و زیباسازی اماکن مقدسه در مرکز جهانی در حال اجرا باشد. توسعه حدائق حول روضه مبارکه حضرت بهاءالله، بنای ساختمان دارالتبلیغ بین‌المللی و مرکز مطالعه نصوص مبارکه، ترمیم ساختمان دارالآثار بین‌المللی و تعمیرات ساختمانی مقام اعلیٰ، همگی از آن جمله بوده‌اند.

پس همانند مواضع دیگر، در کوشش‌مان برای کسب بینش در مقتضیات پیشرفت‌های در حال وقوع در مرکز جهانی تحت نظارت بیت العدل اعظم نیز لزوماً باید به یک نمونه کفایت کنیم. بیانیه مؤرخ ۲۲ مه ۲۰۰۱ که در مراسم افتتاحیه رسمی طبقات حول مقام اعلیٰ قرائت شد، به این منظور انتخاب شده است:

”با قلبی سرشار از سرور و شکرانه، همه دوستانی را که از دور و نزدیک برای شرکت در این رویداد فرخنده برای بهائیان عالم، به ما ملحق شده‌اند، خوش‌آمد می‌گوییم و حضور چنین تعداد زیادی از مهمانان عالی‌قدر در این مراسم را عمیقاً گرامی می‌داریم.

”یک قرن و نیم از آن واقعه دردناک، زمانی که حضرت ربّ اعلیٰ در شمال غرب ایران با شلیک گلوله‌های ۷۵۰ سرباز به شهادت رسیدند، می‌گذرد. سربازان دستور بالاترین اولیای امور آن سرزمین را اطاعت کرده بودند. پس از شهادت، جسد مطهر شرحه شرحه حضرت باب به کنار

خندقی در خارج از شهر انداخته شد تا به خیال جلّادان سنگ‌دل، مورد هتک حرمت قرار گیرد. آنان را امید چنان بود که با شهادت آن حضرت به نفوذ روزافزون تعالیم‌اش در تودهٔ مردم در سراسر کشور خاتمه دهند. این جماعات کثیر مردم، با وجود تضییقات شدید، به ادّعی مظهریت حضرت باب ایمان آورده بودند و هم‌چنان که آن حضرت آنان را، به فرموده خویش، برای طلوع عصر جدیدی که در آن تمدن جهانی بدیعی شکوفا می‌شد مهیا می‌نمودند، زندگی‌شان با روحانیت و حسن اخلاق تحوّل می‌یافت. انتظاراتی که قلوب بی‌شماری را به اهتزاز آورده بود زمانی به اوج اعلایش رسید که حضرت باب بشارت به ظهور نفس مقدّسی دادند که به فرمودهٔ آن حضرت مقامش اعظم و اکرم از خود ایشان بود؛ نفسی که مشخصات بی‌نظیر آن تمدن جهانی موعود را که نشانهٔ ورود جامعهٔ بشری به مرحلهٔ بلوغ خویش به شمار می‌آید نازل خواهد فرمود.

”ما گرد هم نیامده‌ایم که به سوگواری شهادت حضرت باب و تضییقات متعاقب آن بپردازیم، بلکه برای بزرگ‌داشت اختتام و اذعان معنای پروژهٔ بی‌مانندی جمع شده‌ایم که آغازش به بیش از یک قرن پیش برمی‌گردد. در آن زمان حضرت بهاء‌الله، که به دستور مقامات دولت عثمانی به عکا تبعید شده بودند تا ایام حیاتشان را در زندان به‌سر برند، از کوه کرمل دیدن نمودند و محلّ استقرار رمس مطهر مبشر عظیم الشان خویش را انتخاب فرمودند. ما در نهایت خضوع امیدواریم که نتیجهٔ شگفت‌انگیز حاصله از تکمیل حدائق و طبقات نوزده‌گانه‌ای که مقام حضرت ربّ اعلی در قلب آنها سر بر افراخته است، تحقّق شایستهٔ منظری باشد که حضرت بهاء‌الله آن را ابداع فرمودند.

”بلايا و مصائبی که حضرت باب برای آگاه نمودن بشر از مسئولیت‌های دورهٔ بلوغ قریب الوقوع خویش تحمل فرمودند، خود گویای شدت تلاش لازم برای رسیدن مردم جهان به دوران بلوغ جمعی آنان بود. گرچه این امر متناقض به نظر می‌رسد و لیکن در حقیقت سرچشمهٔ امید است. تشنّجات و بحران‌های عصر ما زیربنای تحوّل عظیم در شئون بشری است. فرایندهای هم‌زمان تحلیل و ترکیب به وضوح از زمان ظهور حضرت باب در ایران، در سراسر کرهٔ ارض شتاب گرفته‌اند. هیچ‌کس نمی‌تواند بطور جدی این واقعیت را انکار کند که کرهٔ زمین به یک دهکده تقلیل یافته است. جهان از نو ساخته می‌شود. سختی‌های مرگ جای خود را به فریادهای تولّد می‌دهند. درد زمانی به پایان می‌رسد که اعضای نوع بشر به کوشش برای

شناخت جمعی یگانگی اساسی خود قیام کنند. در انتهای این تونل تیره و تاریک، نور امیدی می درخشد که بشر را به سوی هدفی فرا می خواند که طبق همه کتب مقدسه برایش مقدر شده است.

”مقام حضرت اعلی نمادی است از تأثیر آن وعده دیرینه و نشانه‌ای است از فوریت و ضرورت آن. این مقام همچنین در واقع یادبودی است از غلبه محبت بر کینه. باغ‌هایی که این بنیان را احاطه می‌کنند، با تنوع فراوان رنگ‌ها و گیاه‌ها یاد آور آند که نوع انسان نیز با تمام تنوعش می‌تواند در هماهنگی زندگی کند. نور ساطع از بنای مرکزی، همچون فانوس امیدی است برای انبوه کثیری که مشتاق زندگی ای هستند که هم جسم و هم روح را خوشنود می‌سازد.

”این امید خاموش‌نشدنی از این چنین کلمات صادره از قلم حضرت بهاءالله نشئت می‌گیرد که می‌فرمایند ’امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است.‘ امید چنان است که تمام کسانی که، غالباً علی‌رغم موانع عظیم، تلاش می‌کنند تا اصول انصاف و سازگاری رعایت شود، به این کلمات اطمینان‌بخش دلگرم شوند.“^{۱۱۵} (ترجمه)

بخش چهل و چهارم

در اینجا باید اذعان کنیم که مطالعه ما از گزیده‌هایی از پیام‌ها و بیانه‌های بیت العدل اعظم که بر اساس چندین موضوع گسترده تنظیم شده، به هیچ‌وجه جامع نبوده است. اگر مجدداً نظری به بیان‌نامه قانون اساسی بیت العدل اعظم در بخش ۶ بیان‌دازیم، ملاحظه خواهیم کرد که مطالعه ما در درک ابعاد و وسعت اجراءات بیت العدل اعظم چقدر ناقص بوده است. معهد اعلی، طبق فرموده حضرت ولی‌امرالله، ”سرچشمه اقدامات و اجراءات کلیه بهائیان است.“ موضوع‌هایی که در دوره‌های آتی این سلسله به آنها خواهیم پرداخت، برآستی همه به نحوی به فرایندهایی مربوط می‌شوند که تحت هدایت آن معهد در حال شتاب‌گرفتن هستند. امیدواریم که پژوهش ما از فرایندهای بسط نقشه الهی، توسعه محافل روحانی، تهیه و تنظیم طرح‌هایی برای هماهنگی ترویج و تحکیم امر مبارک، پیشبرد اقدامات اجتماعی و مشارکت در گفتمان‌های اجتماع و دیگر فرایندها، درک ما را از مقتضیات بیان حضرت عبداله‌بهاء که می‌فرمایند ”محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس“ در زندگی فردی و جمعی مان عمیق‌تر سازد.

پس عجالاً بیاید تا این واحد را با یادآوری این مطلب خاتمه دهیم که بیت العدل اعظم، مرجع امر الله، "توضیح" دهندهٔ مسائل مبهمه، حافظ "عدل الهی"، "یگانه ضامن امن و امان" و مسئول "استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان" است. قسمت‌های ذکر شده از پیام‌ها و مراسلات در این بخش، که طبق معمول جزء کوچکی از مکاتبات بیت العدل اعظم مرتبط با این موضوع است، به ما یاری می‌رساند تا بر ماهیت هدایات آن مرجع در این خصوص تعمق نماییم.

حضرت بهاءالله رجال بیت العدل را وصیت می‌فرمایند که "باید در جمیع احوال به مصالح عباد ناظر باشند." همچنین به "جهد بلیغ در تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی؛ و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم" موظف شده‌اند. در زیر، قسمت اقتباس شده از بیانیهٔ بیت العدل اعظم مؤرخ اکتبر ۱۹۸۵ خطاب به مردم جهان، به مناسبت سال بین‌المللی صلح سازمان ملل متحد، نمونه‌ای از هدایات بیت العدل اعظم را در این خصوص به ما ارائه می‌دهد.

"ما امنای امر بهائی بنا بر احساسی عمیق از مسئولیت روحانی و وجدانی، خود را موظف می‌دانیم که در این فرصت مغتنم توجه شما را به بینش‌های نافذی معطوف داریم که حضرت بهاءالله مؤسس دیانت بهائی، بیش از یک قرن پیش برای اولین بار به فرمان‌روایان جهان ابلاغ فرمود.

"حضرت بهاءالله خاطر نشان می‌کنند که طوفان ناامیدی از هر سو می‌وزد و اختلافاتی که نوع بشر را به تفرقه و فلاکت می‌کشاند روز به روز در ازدیاد است و نشانه‌های تشنج و هرج و مرج مشاهده می‌شود زیرا نظام کنونی به نحوی اسفبار ناقص و نارسا به نظر می‌رسد. تجارب عمومی جامعهٔ بشری این قضاوت آینده‌بینانه را کاملاً تأیید نموده است. نواقص نظم رایج را می‌توان در عدم توانایی کشورهای مستقل عضو سازمان ملل متحد برای تطهیر عالم از کابوس جنگ، در استمرار خطر فرو ریختن نظم اقتصادی بین‌المللی، در شیوع هرج و مرج و تروریسم، و در مصائب شدیدی که این بلایا و دیگر عوارض بی‌شمار برای میلیون‌ها نفر از افراد بشر ایجاد کرده‌اند به وضوح مشاهده نمود. تهاجم و تعارض در حقیقت چنان تار و پود نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و دینی موجود را فرا گرفته که بسیاری به این باور تن در داده‌اند که این گونه کردار و رفتار جزء لاینفک طبیعت بشری است و ریشه‌کن کردن آن غیر ممکن می‌باشد.

"با تثبیت این باور در اذهان عمومی، تضادی فلج‌کننده در امور بشری به وجود آمده است. از یک سو مردم تمام کشورها نه تنها آمادگی بلکه اشتیاق خود را برای استقرار صلح و آشتی و برای

پایان یافتن نگرانی‌های جان‌کاهی که زندگی روزمرهٔ آنان را معذب می‌سازد اعلان می‌کنند. از سوی دیگر بی‌دریغ مهربان بر این نظر نهاده می‌شود که نوع انسان ذاتاً خودپرست، ستیزه‌جو و اصلاح‌ناپذیر است و در نتیجه قادر نیست نظامی اجتماعی بنا نهد که در عین حال هم پیشرو و صلح‌آمیز باشد و هم پویا و هماهنگ، نظامی که آزادی‌ابتکار و خلاقیت فردی را ترویج کند ولی بر تعاون و تعاضد مبتنی باشد.

”با فوریت یافتن نیاز به صلح، وجود این تضاد بنیادین که مانع حصول صلح می‌شود ایجاب می‌کند که پیش‌فرض‌هایی که مبنای نظر عامه در بارهٔ مشکلات تاریخی نوع بشر است مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. شواهد موجود نشان می‌دهد که اگر این ارزیابی به نحوی منصفانه صورت پذیرد آشکار خواهد شد که رفتار ستیزه‌جویانه نه تنها نمایان‌گر فطرت واقعی نوع بشر نیست بلکه تصویری کژنما از حقیقت انسان است. رضایت ناشی از توجه به این نکته مردم را قادر خواهد ساخت تا قوای اجتماعی سازنده‌ای را به حرکت در آورند که به خاطر هم‌خوانی‌اش با طبیعت بشری، به جای جنگ و ستیز، هماهنگی و هم‌کاری را ترویج خواهد داد...“

”اذعان صادقانه به اینکه تعصب و جنگ و استثمار جلوه‌هایی از مراحل قبل از بلوغ نوع بشر در طی یک فرایند گستردهٔ تاریخی بوده‌اند و قبول اینکه نوع انسان امروز شاهد آشوب اجتناب‌ناپذیری است که نشانهٔ فرا رسیدن مرحلهٔ بلوغ جمعی او می‌باشد، دلیلی برای یأس و ناامیدی نیست بلکه شرط لازم برای قبول مسئولیت خطیر و مهم ساختن دنیایی صلح‌آمیز است. مطلبی که بررسی‌اش را صمیمانه به شما توصیه می‌نمایم اینست که انجام چنین امر عظیمی امکان‌پذیر است، قوای سازندهٔ لازم موجود است و ساختارهای اجتماعی متحذکننده را می‌توان بنا نهاد.“^{۱۱۶}

در این بیانیه، همانند بسیاری از موارد دیگر، بیت العدل اعظم توضیحاتی در بارهٔ نقش دین در شکل دادن امور بشری ارائه فرموده‌اند. حضرت بهاء‌الله براستی به بیت العدل اعظم امر فرموده‌اند تا برای ”صیانت“ ”مقام“ دین و ”علو و حفظ آن جهد بلیغ مبذول دارند.“

”استعدادها و مواهبی که نوع انسان را از سایر موجودات زنده ممتاز می‌کند در لطیفه‌ای مکنون است که روح انسانی نامیده شده و عقل خصیصهٔ اساسی آنست. این مواهب، نوع بشر را قادر به بنیان‌گذاری تمدن‌ها و ایجاد رفاه مادی نموده است. اما این قبیل دست‌آوردها به تنهایی

هرگز سبب ارضای روح انسانی نگشته است، روحی که ماهیت اسرارآمیزش او را به سوی جهان بالا سوق می‌دهد، به سوی عالمی غیبی، به سوی حقیقتی مطلق و به سوی ذاتی منیع و لایدرک و به سوی جوهر الجواهری که خدا نامیده می‌شود. ادیانی که از طریق یک سلسله پیامبران روحانی به بشر داده شده‌اند حلقه‌های اولیه‌ی ارتباط بین انسان و آن حقیقت مطلق بوده‌اند و قابلیت نوع بشر را برای حصول به ترقیات روحانی توأم با پیشرفت‌های اجتماعی شکل بخشیده و تلطیف نموده‌اند.^{۱۱۷}

و در مقام دیگر، خطاب به رهبران ادیان جهان در پیامی به تاریخ آوریل ۲۰۰۲، بیت العدل اعظم چنین می‌فرمایند:

”دین چنان‌که همگی آگاهیم تا اعماق انگیزه‌های انسان نفوذ می‌کند. هر زمان که دین به روح تعالیم و به مثل‌اعلای هیاکل ملکوتی که نظام‌های بزرگ عقیدتی را به جهان عطا کرده‌اند وفادار بوده است قابلیت محبت، بخشش، خلاقیت، شهامت، غلبه بر تعصبات، فداکاری برای رفاه عمومی و مهار کردن غرایز حیوانی را در جمهور مردمان بیدار نموده است. بدون شک نیروی مؤثر و سرنوشت‌ساز در تلطیف طبیعت انسانی قوه نافذ این مظاهر الهی بوده است که از سپیده دم تاریخ مدون، پی در پی در عالم وجود ظاهر شده‌اند.

”همین نیرو که در ادوار پیشین با چنین اثراتی عمل نموده، هنوز هم یک خصیصه پایدار ضمیر آگاه بشری است. این نیروی الهی علی‌رغم تمام مشکلات و بدون اینکه مورد استقبال قابل توجهی قرار گیرد، هم‌چنان تلاش نفوس بی‌شماری را برای ادامه حیات تقویت می‌کند و در تمام سرزمین‌ها سبب قیام قهرمانان و قدیسینی می‌گردد که زندگانی‌شان قانع‌کننده‌ترین دلیل بر حقایق اصول مندمج در کتب مقدسه ادیان آنان است. همان‌گونه که سیر تمدن نشان می‌دهد، دین قادر است که بر ساختار روابط اجتماعی نیز عمیقاً اثر گذارد. در واقع به سختی می‌توان هیچ پیشرفت بنیادینی در تمدن را به نظر آورد که تحرک و جهش اخلاقی‌اش از این سرچشمه جاودانی نشئت نگرفته باشد. در این صورت آیا می‌توان تصور نمود که ورود به مرحله نهایی فرایند هزاران ساله نظام بخشیدن به امور این کره خاکی بتواند در یک خلاء روحانی صورت گیرد؟ اگر مرام‌های ناهنجاری که در قرن بیستم در سراسر عالم رواج یافتند هیچ اثر مثبت دیگری نداشته‌اند، لااقل بطور قطع ثابت نموده‌اند که جای‌گزین‌هایی که مخلوق ذهن بشر است نمی‌تواند این نیاز را برآورده نماید.“^{۱۱۸}

بیت العدل اعظم که "نورانیّت و تهذیب نفوس و ترقّی و اصلاح عالم" را ترویج می نمایند، مکرراً به نقش عقل و خرد در بنای تمدّن تأکید می فرمایند و اصل هماهنگی بین علم و دین را اعلام می نمایند. در پیام معهد اعلی خطاب به رهبران ادیان جهان می خوانیم:

"هم زمان با در هم شکستن سدهایی که مردم را از هم جدا می کند، عصر حاضر شاهد فروریختن دیواری است که زمانی رسوخ ناپذیر بود و در گذشته تصوّر می شد حیات آسمانی را برای ابد از حیات دنیوی جدا می سازد. کتب مقدّسه همه ادیان همواره به مؤمنین آموخته اند که خدمت به دیگران را نه تنها وظیفه ای اخلاقی بلکه راهی برای تقرّب شخص به خداوند بدانند. این اصل شناخته شده امروز تحت تأثیر بازسازی پیش رونده اجتماع معانی تازه ای به خود می گیرد. با تبدیل تدریجی وعده دیرینه استقرار جهانی پر از عدل و داد به هدفی واقع بینانه، برآوردن نیازهای روح انسان از یک سو و حوایج اجتماع از سوی دیگر بیشتر و بیشتر به منزله جنبه های متعامل یک زندگی روحانی بالغ دیده خواهند شد.

"برای اینکه رهبری دینی بتواند از عهده چالشی برآید که این بینش اخیر گویای آن است، کار باید با اذعان به این نکته آغاز گردد که دین و علم دو نظام لازم دانایی اند که به وسیله آنها ادراکات بالقوه بشری پرورش می یابد. علم و دین، این دو نحوه اساسی که ذهن از طریق آنها حقیقت را کشف می کند، نه تنها به هیچ وجه با هم در تضاد نیستند بلکه به یکدیگر متکی اند و در آن دوره هایی از تاریخ - دوره هایی کمیاب اما پرشکوه - که واقعیت مکمل بودن آنها پذیرفته شده و این دو توانسته اند با هم کار کنند بیش از هر وقت دیگر پر ثمر و اثر بوده اند. بینش ها و مهارت های حاصله از پیشرفت های علمی را باید همیشه تابع هدایت تعهدات اخلاقی و روحانی قرار داد تا بتوان از آنها به نحو صحیح استفاده نمود. اعتقادات دینی نیز هر قدر گرامی باشند باید بتوان آنها را با طیب خاطر با روش های علمی بی طرفانه بررسی کرد."^{۱۱۹}

حضرت بهاء الله بیت العدل اعظم را "بصیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال" امر می فرمایند و در پیام های متوالی آن معهد می توانیم توجه عمیق آن هیئت را به گرفتاری های نوع بشر و درد و رنج آن درک کنیم. برای نمونه، معهد اعلی خطاب به احبای ایران که در طی سال ها در معرض اذیت و آزار بوده اند، چنین مرقوم می نمایند:

"در دنیای پر آشوب امروز تنها شما قربانی بیدادگری نیستید. شمار ستمدیدگان جهان سر به هزاران هزار می زند. هر ساله دفاتر سازمان های حقوق بشر مملو از تقاضاهای جوامع مختلف

برای رسیدگی به مظالم وارده بر اقلیت‌های دینی، قومی، ملی و اجتماعی است. به فرمودهٔ حضرت بهاء‌الله: «امروز نالهٔ عدل بلند و حنین انصاف مرتفع دود تیرهٔ ستم عالم و امم را احاطه نموده». آنچه مخصوصاً سبب تشویش خاطر بعضی از ناظران آگاه و تیزبین شده این است که صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم به مراتب بیش از لطمات جسمانی و مادی آن است. بنظر ایشان هدف عاملان این گونه تعدیات و تضییقات آن که روحیهٔ فرد قربانی را تضعیف کنند، حیثیت‌اش را از بین ببرند، حقوق فردی و اجتماعی او را سلب نمایند و بدین ترتیب خود را مجاز دانند که کمترین ملاحظه‌ای نسبت به او روا ندارند. در نتیجهٔ ادامهٔ چنین شرائطی چه بسا قربانیانی که اعتماد به نفسشان را از دست دادند، از روحیهٔ ابتکار که خصیصهٔ طبیعت انسانی است عاری گشتند، عزم و ارادهٔ خود را باختند و بازیچهٔ دست حاکمانشان شدند و چه بسا افرادی چنان بآن وضع خو گرفتند که در فرصت مناسب، خود نیز همان رفتار ظالمانه را نسبت به دیگران روا داشتند.^{۱۲۰}

پیام فوق در ادامه یادآور می‌شود که این مطلب که جامعهٔ بهائی در مقابل چنین ظلمی از «این گونهٔ فرسودگی روحانی محفوظ» مانده است، از چشم جهان پنهان نیست. و در اینجا همانند موارد بسیار دیگری، بیت العدل اعظم تجربیات جامعهٔ بهائی را به عالم ستم‌دیدهٔ بشری که تشنهٔ عدالت است به عنوان «شاهد صادقی بر این مدعا» عرضه می‌کنند «که ایمان به خدا و اعتقاد به حقیقتِ تجدّد با یکدیگر سازگارند»، و «فی الحقیقه علم و دین دو نظام دانائی مستقل اما مکمل یکدیگرند و محرک پیشرفت تمدن». در این خصوص، پیام فوق تذکارزیر را می‌دهد:

«بزرگترین اشتباهی که طبقات حاکمه می‌توانند مرتکب شوند این است که تصور کنند با قدرتی که برای خود غصب کرده‌اند می‌توانند سدّ و مانعی برای قوای مستمر تغییر و تحولات تاریخی باشند. امروز چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان سیل این تحولات با سرعت و قوت در جریان است. نه وجودش را می‌توان انکار کرد و نه مسیرش را منحرف نمود و نه از شدت و قدرتش کاست. از در و دیوار می‌گذرد و به درون خانه راه می‌یابد.»^{۱۲۱}

در تمام این قبیل پیام‌ها مشاهده می‌کنیم که آنچه همانا بالاترین اولویت را برای بیت العدل اعظم دارا است «حفظ شرافت انسانی» است، چنان‌که معهد اعلیٰ موظف شده‌اند که به آن «توجه» نمایند. اگر بخواهیم نمونه‌ای بیاوریم، در پیام سال ۱۹۸۵ خطاب به اهل عالم، اوضاع اسفناک دنیای امروزی و ذلت نوع بشر را در مادی‌گرایی دانسته‌اند:

”وقت آن فرا رسیده است که مروجین عقاید خشک مادی‌گرایی — چه از شرق و چه از غرب، چه منسوب به کاپیتالیسم و چه وابسته به سوسیالیسم — به ادعای رهبری اخلاقی‌ای که از آن خود می‌دانند پاسخ دهند. کجاست آن ‘دنیای جدیدی’ که این ایدیولوژی‌ها وعده داده‌اند؟ کجاست آن صلح بین‌المللی که مدعی پای‌بندی به آرمان‌های آن هستند؟ کجاست آن پیروزی‌های عظیم در عرصه‌های تازه پیشرفت فرهنگی که با بزرگ نمایاندن این نژاد، آن کشور و یا طبقه خاصی از مردم حاصل شده است؟ چرا اکثریت عظیم مردم جهان بیش از پیش در گرسنگی و بدبختی فرو می‌روند در حالی که ثروت‌های نامحدودی که فراغنه و قیصره یا حتی امپراطوری‌های پر قدرت قرن نوزدهم در خواب هم نمی‌دیدند، اینک در دست دلالان امور بشری انباشته شده است؟

”ریشه مغدی این باور غلط را که نوع انسان خودپرست، ستیزه‌جو و غیر قابل اصلاح است، می‌توان علی‌الخصوص در تجلیل از علایق مادی که هم منشأ و هم خصیصه مشترک تمام این ایدیولوژی‌هاست یافت. اینجاست که زمینه برای ساختن جهانی جدید و درخور نسل‌های آینده بشری باید هموار گردد.

”از آنجا که تجربه نشان می‌دهد که آرمان‌های مادی در برآوردن نیازهای بشری شکست خورده‌اند، می‌بایستی صادقانه قبول کرد که برای یافتن راه حل مشکلات رنج‌آوری که کره زمین را در بر گرفته کوشش‌های تازه‌ای باید به عمل آید. شرایط تحمل‌ناپذیری که جامعه بشری را فرا گرفته همه از شکستی مشترک حکایت می‌کند و وضعی به وجود آورده است که به جای کاهش جبهه‌گیری همه‌جانبه، موجب تحریک آن می‌شود. واضح است که کوششی همگانی و فوری برای علاج دردها مورد نیاز است. مسئله عمده گرایش و طرز فکر است. آیا نوع بشر هم‌چنان به غفلت خود ادامه خواهد داد و به مفاهیم کهنه و فرضیات غیر عملی تمسک خواهد جست یا آنکه رهبران جهان، فارغ از ایدیولوژی، قدم همت پیش خواهند نهاد و با عزمی راسخ در جستجویی متحدانه برای یافتن راه حلی مناسب با یکدیگر به مشورت خواهند پرداخت؟

”کسانی که به فکر آینده نوع انسانند سزاوار است به این پند توجه کنند: ‘اگر گرامی‌ترین آمال دیرینه و مشروعات و مؤسسات جلیله قدیمه و برخی از شئون اجتماعی و قواعد دینی از ترویج منافع عمومی عالم انسانی باز مانده‌اند و اگر از عهده رفع حوایج نوع بشری که پیوسته در حال تحوّل و تکامل است بر نمی‌آیند، باید به دور انداخته شوند و در خاموش‌کده آموزه‌های منسوخ و فراموش شده سپرده شوند. چرا در جهانی که تابع قانون لایتغیر تغییر و تحلیل است این اعتقادات

و مؤسّسات باید از زوالی که ضرورتاً بر جمیع مؤسّسات انسانی غلبه می‌نماید مستثنی و معاف باشند؟ باید به خاطر داشته باشیم که موازین حقوقی و نظریه‌های سیاسی و اقتصادی صرفاً برای آن به وجود آمده‌اند که منافع عموم بشر محفوظ ماند نه آنکه به خاطر حفظ اصالت یک قانون یا یک عقیده، نوع انسان قربانی شود.“^{۱۲۲} (ترجمه)

این چنین است که بیت العدل اعظم در پیام‌های خود به پیروان حضرت بهاء‌الله در سراسر جهان، توجّه ما را به کرات به ”فروپاشی شتابنده و نامنظم ولی بی‌امان نظم عالم که شدیداً نارسا و اسفبار است“ معطوف می‌دارند. ولی در عین حال، همان‌طور که در پیام رضوان ۲۰۱۱ آمده است، همواره ما را متذکّر می‌دارند:

”ولی در مقابل این فروپاشی نیروی سازنده‌ای نیز مشهود است که به فرمودهٔ حضرت ولی‌ام‌الله مرتبط با ’دیانت نوپای حضرت بهاء‌الله‘ بوده ’مبشر نظمی جهانی و بدیع است که امر بهائی باید آن را نهایتاً تأسیس نماید‘؛ اثرات غیر مستقیم این نیروی سازنده را می‌توان در فوران احساسات به خصوص در میان نسل جوان مشاهده نمود، احساساتی که از اشتیاق به مشارکت در فرایند پیشرفت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. موهبتی که شامل حال پیروان جمال قدم شده آن است که این اشتیاقی که در سراسر عالم بی‌وقفه از روح انسانی سرچشمه می‌گیرد قادر است در مجهوداتی که جامعهٔ بهائی به منظور ایجاد توان‌مندی جهت اقدام مؤثر در بین مردم متنوع جهان انجام می‌دهد، جلوه‌ای چنین سازنده داشته باشد. کدام موهبتی است که با این برابری نماید؟“^{۱۲۳}

”بسط نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی“ که ”شعارش وحدت و یگانگی است و نیروی حیات‌بخشش عدل و انصاف، مقصد رهنمایش تسلط تقوی و حقیقت است و عظمت و جلالش سعادت کامل و مدام و جاودانی جمیع نوع بشر،“ از جمله وظایف و اختیاراتی است که بر عهدهٔ بیت العدل اعظم گذاشته شده است. البتّه ما با هدایات آن معهد در این خصوص به خوبی آشنا هستیم زیرا بسیاری از پیام‌های بیت العدل اعظم خطاب به جامعهٔ بهائی، به نحوی از انحاء، مربوط به تأسیس نظمی که حضرت بهاء‌الله آن را تأسیس فرمودند می‌شود. در میان آنها، پیام‌هایی است که بیت العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی هر از چندی صادر می‌کنند و در آن مسئولیت‌هایی را که هر نسلی باید در این مشروع درحال پیشرفت به دوش گیرد، شرح می‌دهند. با دو فقره از این پیام‌ها مطالعهٔ خود را خاتمه می‌دهیم. در زیر، بیانات آن معهد خطاب به شرکت‌کنندگان در مجموعه کنفرانس‌های جوانان که در سراسر کشورهای آمریکای لاتین در سال ۲۰۰۰ منعقد گردید، آمده است:

”در پایان قرن بیستم اکثریت جمعیت آمریکای لاتین زیر سن ۳۰ سال هستند. وقتی که این نسل جوان مسئولیت ادارهٔ امور جامعه خود را به دست گیرد با صحنه‌ای از تضادهای حیرت‌انگیز مواجه خواهد شد. از یک طرف، این منطقه از دنیا می‌تواند به دستاوردهای درخشان فکری، تکنولوژیکی و اقتصادی خود مباحث کند ولی از طرف دیگر از کاستن فقر گسترده یا جلوگیری از بحر خروشان خشونت که اکثر مردمش را تهدید می‌کند عاجز مانده است. چرا این اجتماع علی‌رغم ثروت عظیم خود نتوانسته است بی‌عدالتی‌هایی که تار و پودش را از هم می‌درد از میان بردارد؟ این سئوالی است که باید به صراحت مطرح شود.

”پاسخ به این سئوال را همان‌طور که از ده‌ها سال تاریخ ستیزه‌جویی مشهود است نمی‌توان در هیجانات سیاسی، اظهارات متضاد در بارهٔ منافع طبقاتی و یا در دستورالعمل‌های فنی یافت. آنچه مورد نیاز است احیای روحانی به عنوان پیش‌شرطی برای کاربرد موفقیت‌آمیز ابزارهای سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی می‌باشد. اما به یک عامل کارگشا نیاز است. مطمئن باشید که شما با وجود تعداد معدودتان، مجراهایی هستید که از طریق آن چنین عامل کارگشای تغییر می‌تواند فراهم گردد.

”اگر صداهایی که با هر نوع تغییر بنیادین مخالفت می‌ورزند مجهودات شما را به عنوان خیال‌پردازی و آرمان‌های واهی رد کنند ناامید نگردید. به قابلیت این نسل برای رها ساختن خود از آشفتگی‌های یک اجتماع متشتت مطمئن باشید. برای اینکه مسئولیت‌های خود را به مرحلهٔ اجرا درآورید باید از خود شجاعت نشان دهید؛ شجاعت کسانی که به موازین حسن رفتار متشبث‌اند، کسانی که زندگی‌شان به پاک‌ی افکار و خلوص اعمال متمایز است، و کسانی که اهداف زندگی‌شان با عشق و ایمان راسخ شکل می‌گیرد. با وقف زندگی خود برای درمان زخم‌هایی که مردمانتان بدان مبتلا هستند، شما قهرمانان شکست‌ناپذیر عدالت خواهید شد.“^{۱۲۴}

و در پیامی که برگزاری سلسله‌ای از کنفرانس‌های جوانان را در سال ۲۰۱۳ در حدود یکصد نقطه از کرهٔ زمین را اعلام می‌نمود، بیت العدل اعظم می‌فرمایند:

”دوستان محبوب، برای هر نسلی از مؤمنین جوان فرصتی مغتنم پیش می‌آید تا خدمتی منحصر به زمان خود به مقدرات عالم انسانی ارائه دهد. برای نسل حاضر زمان آن فرا رسیده است که به تأملی عمیق پردازد، تعهدی جدید نماید و خود را برای یک زندگی سراسر خدمت و مشمول

مواهب لاتحصای الهی آماده نماید. در ادعیه خود در اعتاب مقدسه علیا از جمال اقدس ابهی مسئلت می‌نماییم که از میان اجتماع سرگردان و پریشان بشری، نفوسی خالص و بصیر را مبعوث فرماید: جوانانی که خلوص و صداقت‌شان بر اثر توجه به عیوب دیگران مخدوش نگردد و تمرکز بر قصور و کمبودهای خود، آنان را از تحرک باز ندارد؛ جوانانی که سرمشق‌شان حضرت عبدالبهاء و سعی‌شان بر این خواهد بود که 'محرومان ناسوت را محرمان لاهوت' گردانند؛ جوانانی که وقوف‌شان بر نقایص و نارسایی‌های کنونی جامعه بشری، آنان را به کناره‌گیری از اجتماع سوق ندهد بلکه به کوشش برای تقلیب آن مصمم سازد؛ و جوانانی که به هر قیمت، از نادیده گرفتن بی‌عدالتی‌های فراوان اجتماعی به هر شکل و صورتی، امتناع ورزند و با جدیت تلاش نمایند تا 'انوار عدل عالم را احاطه نماید'." ۱۲۵

مراجع بیانات

۱. ترجمه قسمتی از تلگراف حضرات ایادی امرالله به عالم بهائی که در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۶۳ دریافت گردید.
۲. حضرت عبدالبهاء، در کتاب امر وخلق، [تتبع و تدوین فاضل مازندرانی، ۱۹۴۵]، جلد ۴، ص. ۲۹۷.
۳. بیانیه مؤرخ ۳۰ آوریل ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم، مندرج در پیام بهائی شماره ۴۰۱ ص ۲۴
۴. حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه ۱۹۲۷-۱۹۳۹، ایران: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع، صص. ۲۰۸ و ۱۳۳ (شامل آیاتی از لوح کرمل نازله از قلم حضرت بهاءالله)
۵. ترجمه قسمتی از پیام مؤرخ ۷ مه ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم خطاب به انجمن‌های شور روحانی ملی بهائی.
۶. ترجمه قسمتی از دستخط مؤرخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم به تمام محافل روحانی ملی. مندرج در دستخط‌های بیت العدل اعظم، تهیه و تنظیم عبدالعلی علانی، [ایران]: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۰ بدیع، جلد ۱، صص. ۱۸-۳۱.
۷. ترجمه جملائی که حضرت ولی امرالله در آخر مکتوب مؤرخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ از طرف ایشان به محفل روحانی ملی بریتانیا، به خط خود اضافه فرموده‌اند.
۸. از قانون اساسی بیت العدل اعظم
۹. از تلگراف مؤرخ ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم. مندرج در دستخط‌های بیت العدل اعظم، جلد ۱، صص. ۲۹۸-۲۹۹.
۱۰. حضرت عبدالبهاء، در گزارش‌های بهائی، اثر ریاض قدیمی، پاکستان: مؤسسه مطبوعات ملی بهائیان، پائیز ۱۵۱ بدیع، ص. ۲۳۱، (رونویسی شده از کتاب رحیق مختوم ص. ۳۷۱)
۱۱. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لانگنهین، آلمان: لجنة نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، ص. ۱۴.
۱۲. از توفیق مؤرخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ حضرت ولی امرالله.
۱۳. از پیام مؤرخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ از بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۱۴. از پیام رضوان ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۱۵. از پیام مؤرخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به نمایندگان شرکت‌کننده در دهمین انجمن شور روحانی بین‌المللی.
۱۶. همانجا
۱۷. از پیام مؤرخ ۲۰ اکتبر ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۱۸. از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۱۹. همانجا
۲۰. همانجا

۲۱. همانجا
۲۲. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۲۳. همانجا
۲۴. همانجا
۲۵. همانجا
۲۶. از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۲۷. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین.
۲۸. از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۲۹. از پیام رضوان ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۳۰. از توفیق مؤرخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ حضرت ولی‌امرالله مندرج در *Bahá'í Administration*، ص. ۴۱، (ترجمه).
۳۱. از پیام مؤرخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم. مندرج در دستخط‌های بیت العدل اعظم، جلد ۲، صص. ۱۰-۱۶.
۳۲. از تلگراف بیت العدل اعظم مؤرخ ۲۱ ژوئن ۱۹۶۸ به تمام محافل روحانی ملی. مندرج در دستخط‌های بیت العدل اعظم، جلد ۲، صص. ۴-۶.
۳۳. از تلگراف بیت العدل اعظم مؤرخ ۵ ژوئن ۱۹۷۳ به تمام محافل روحانی ملی.
۳۴. مؤسسه مشاورین، تهیه شده توسط بیت العدل اعظم.
۳۵. همانجا
۳۶. همانجا
۳۷. همانجا
۳۸. همانجا
۳۹. همانجا
۴۰. همانجا
۴۱. همانجا
۴۲. از پیام مؤرخ ۳ مه ۱۹۹۸ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۴۳. مؤسسه مشاورین
۴۴. از پیام مؤرخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۴۵. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۴۶. از توفیق مؤرخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۴ حضرت ولی‌امرالله مندرج در *Citadel of Faith*، ص. ۱۷۱.
۴۷. از پیام مؤرخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۴۸. از پیام رضوان ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.

۴۹. از پیام مؤرخ سپتامبر ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم. مندرج در دستخط‌های بیت العدل اعظم، جلد ۱، صص. ۱۱۳-۱۱۸.
۵۰. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۵۱. از پیام رضوان ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۵۲. مؤسسه مشاورین
۵۳. همانجا
۵۴. همانجا
۵۵. همانجا
۵۶. از پیام مؤرخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۵۷. از پیام مؤرخ ۳۰ مه ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملی.
۵۸. همانجا
۵۹. از پیام مؤرخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به تمام محافل روحانی ملی.
۶۰. از پیام رضوان ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۶۱. از توفیق مؤرخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ حضرت ولی‌امرالله مندرج در *The World Order of Bahá'u'lláh* ص. ۵.
۶۲. از پیام مؤرخ ۳۰ مه ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم خطاب به تمام محافل روحانی ملی.
۶۳. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۶۴. همانجا
۶۵. همانجا
۶۶. از دستخط مؤرخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء.
۶۷. از پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۶۸. از دستخط مؤرخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی برزیل.
۶۹. از پیام مؤرخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۷۰. از پیام مؤرخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۷۱. از پیام رضوان ۲۰۰۸ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۷۲. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۷۳. از پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۷۴. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ از طرف بیت العدل اعظم به دو نفر از احباء.
۷۵. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۳ از دارالانشاء بیت العدل اعظم به یکی از احباء.
۷۶. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲ آوریل ۲۰۰۷ از طرف بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.
۷۷. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۹ اوت ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.
۷۸. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ از طرف بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.

۷۹. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۳۰ مه ۲۰۰۴ بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.
۸۰. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲۰ اوت ۲۰۰۱ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احبّاء.
۸۱. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.
۸۲. از پیام رضوان ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۳. از پیام منتشر نشده مؤرخ ۲۳ مه ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۴. از پیام مؤرخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۵. از پیام رضوان ۱۹۹۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۶. از پیام منتشر نشده مؤرخ ۱ مه ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۷. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۸۸. از پیام رضوان ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۸۹. از پیام رضوان ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۹۰. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به گروه کوچکی از احبّاء.
۹۱. همانجا
۹۲. حضرت بهاء الله، کتاب ایقان، کتابخانه مراجع بهائی.
۹۳. کلمات مکنونه عربی، شماره ۳، کتابخانه مراجع بهائی.
۹۴. کلمات مکنونه فارسی، شماره ۷۲، کتابخانه مراجع بهائی.
۹۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله - کتابخانه مراجع بهائی.
۹۶. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص. ۱۲۷.
۹۷. حضرت عبدالبهاء (ترجمه از کتاب Promulgation of Universal Peace، کتابخانه مراجع بهائی)
۹۸. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به گروه کوچکی از احبّاء
۹۹. حضرت بهاء الله، کتاب مستطاب اقدس، مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵، ص. ۵۸.
۱۰۰. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به گروه کوچکی از احبّاء.
۱۰۱. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص. ۱۳۴-۱۳۵.
۱۰۲. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به گروه کوچکی از احبّاء.
۱۰۳. همانجا
۱۰۴. از دستخط منتشر نشده مؤرخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی.
۱۰۵. همانجا
۱۰۶. همانجا
۱۰۷. حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، ص. ۹.
۱۰۸. حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه، کتابخانه مراجع بهائی.
۱۰۹. از تویق مؤرخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت ولی امر الله مندرج در *The World Order of Bahá'u'lláh*، ص. ۲۰۶.

۱۱۰. از پیام مؤرخ ۵ مارس ۱۹۹۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۱۱۱. از مقدمه بیت العدل اعظم بر کتاب مستطاب اقدس، صص. ۲۰-۲۱.
۱۱۲. از توفیق مؤرخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ حضرت ولی امرالله مندرج در *The World Order of Bahá'u'lláh*، ص. ۳-۴.
۱۱۳. از پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره‌ای.
۱۱۴. از پیام مؤرخ ۹ نوامبر ۱۹۹۹ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به تمام محافل روحانی ملی.
۱۱۵. از بیانیه مؤرخ ۲۲ مه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم که به مناسبت افتتاح رسمی طبقات مقام اعلی قرائت گردید.
۱۱۶. از "وعده صلح جهانی"، بیانیه مؤرخ اکتبر ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به مردم جهان، به مناسبت سال جهانی صلح سازمان ملل متحد. کتابخانه مراجع بهائی.
۱۱۷. همانجا
۱۱۸. از بیانیه مؤرخ آوریل ۲۰۰۲ بیت العدل اعظم خطاب به رهبران ادیان جهان.
۱۱۹. همانجا
۱۲۰. از پیام منتشر نشده مؤرخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم خطاب به پیروان حضرت بهاءالله در مهد امرالله.
۱۲۱. همانجا
۱۲۲. از "وعده صلح جهانی"، کتابخانه مراجع بهائی.
۱۲۳. از پیام رضوان ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.
۱۲۴. از پیام مؤرخ ۸ ژانویه ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم خطاب به احبای مجتمع در کنگره جوانان در پاراگوئه.
۱۲۵. از پیام مؤرخ ۸ فوریه ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم.